



اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



پایه هفتم

دوره اول متوسطه

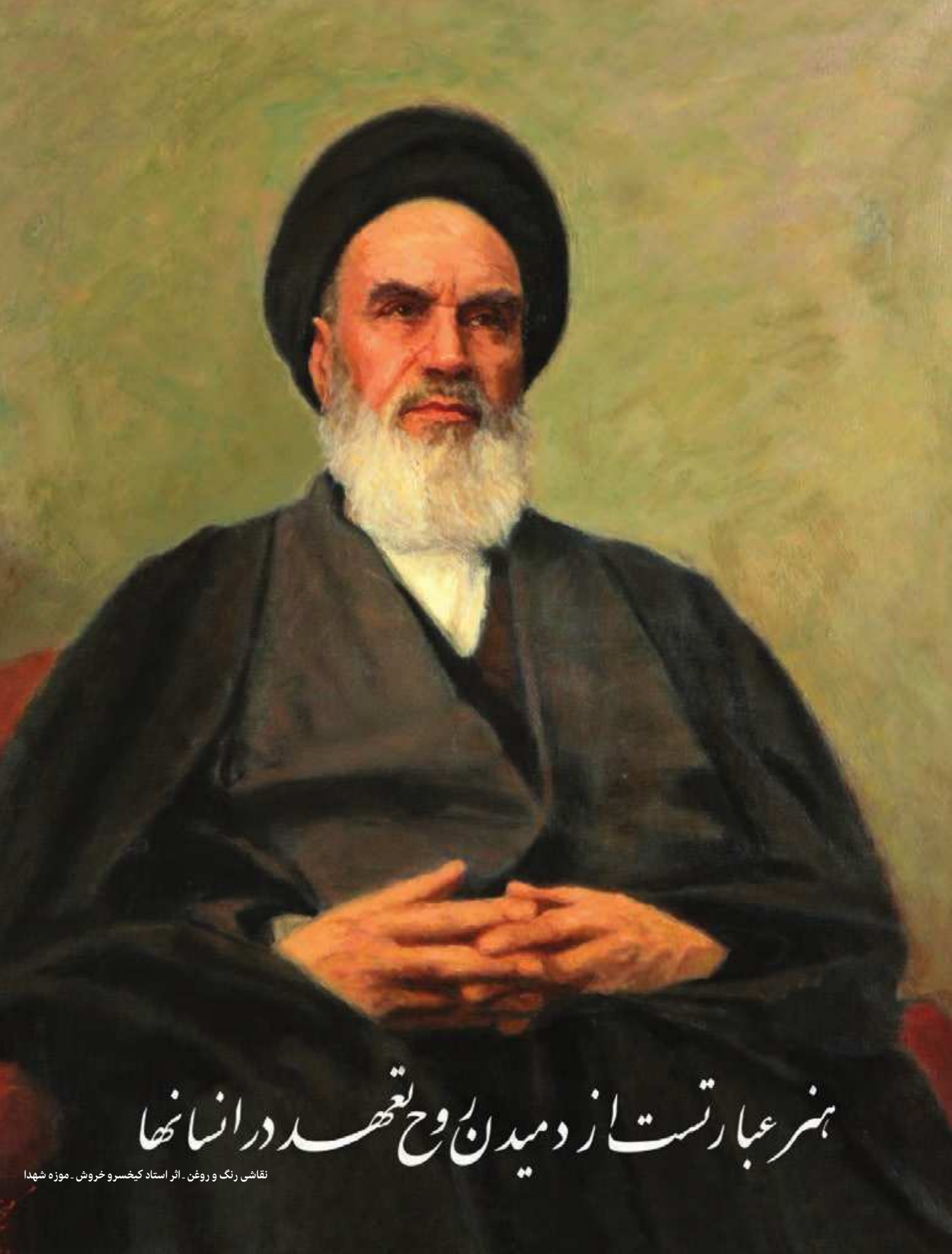




وزارت آموزش و پرورش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

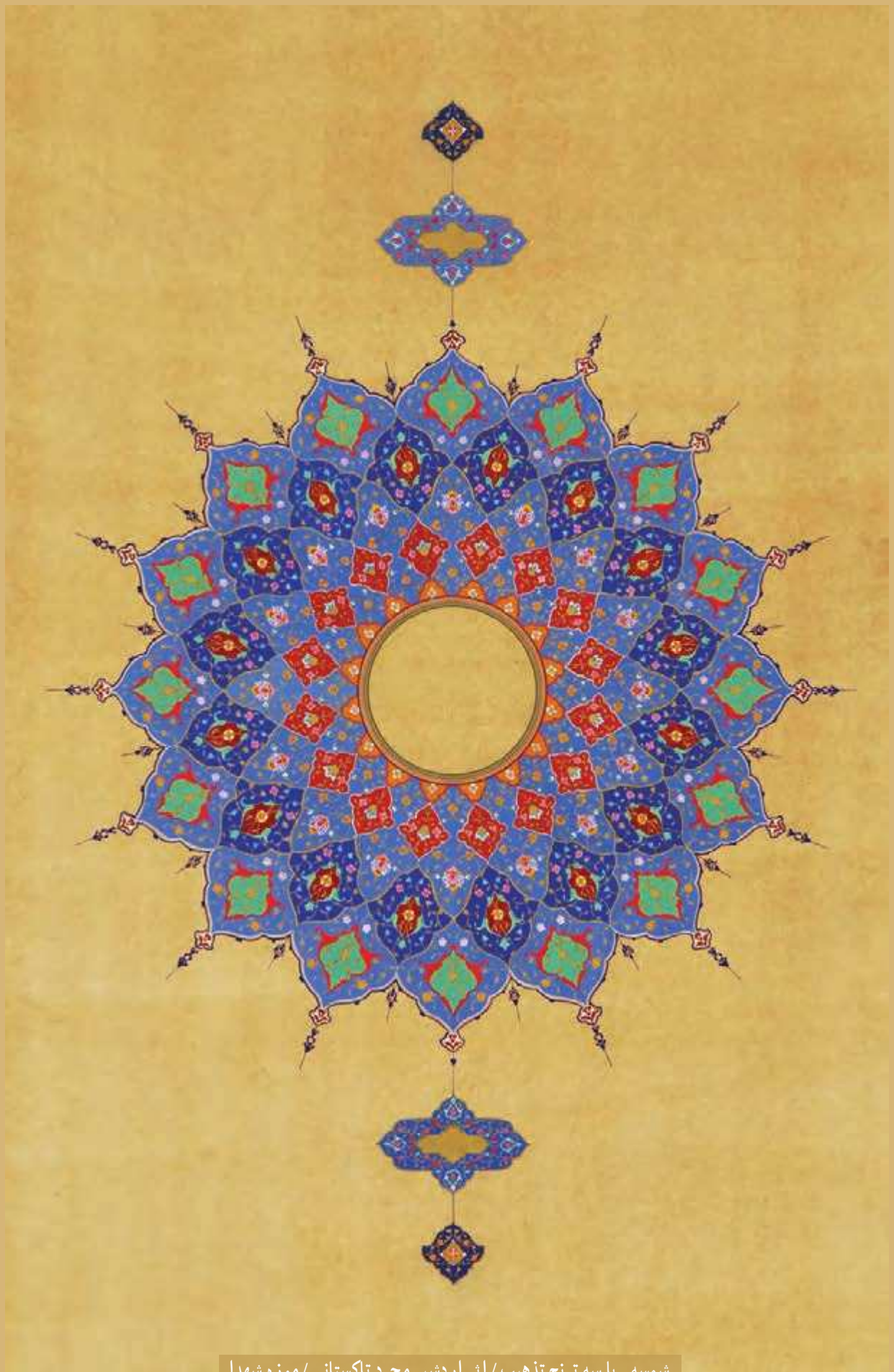
نام کتاب :	فرهنگ و هنر - پایه هفتم دوره اول متوسطه - ۷۰۸
پدیدآورنده :	سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف :	دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف :	مینو آیت‌اللهی، رحمت امینی، رمضان ترکمانی، محمد خدادادی مترجم زاده، منیره رضایی، سید عبدالمجید شریف‌زاده، محمد شهبازی، خدیجه صمدی، جمال عرب‌زاده، حسن مظاهری، سید علی موسوی و سید محمد حسین نواب (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
مدیریت آماده‌سازی هنری :	اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
شناسه افزوده آماده‌سازی :	احمد رضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - جواد صفری (مدیر هنری) - مجتبی زنده‌طراح (گرافیک) - الهه یعقوبی‌نیا (صفحه‌آرا) - سید علی موسوی (طراح جلد) - رضا صفری (طراحی و اجرای عنوان کتاب (نستعلیق گلزار)) - زهرا ایمانی‌نصر، رعنا فرج‌زاده دروئی، فاطمه گیتی جبین، فریبا سیر و ناهید خیام‌باشی (امور آماده‌سازی)
نشانی سازمان :	تهران : خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی) تلفن : ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار : ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی : ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه :	www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
ناشر :	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران : کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن : ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار : ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی : ۳۷۵۱۵-۱۳۹
چاپخانه :	شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
سال انتشار و نوبت چاپ :	چاپ دوازدهم ۱۴۰۳

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکتیر به هر شکل و نوع بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.



هنر عبارتست از دیدن روح تعهد در انسانها

نقاشی رنگ و روغن - اثر استاد کیخسرو خروش - موزه شهدا



شمسه - با سه ترنج تذهیب / اثر اردشیر مجرد تاکستانی / موزه شهدا

فهرست

بخش اول: هنرهای تجسمی

۲.....	فصل اول: آشنایی با طراحی.....
۳.....	درس اول: مشاهده.....
۶.....	درس دوم: نقطه.....
۹.....	درس سوم: خط در طراحی.....
۱۳.....	درس چهارم: بافت.....
۱۸.....	فصل دوم: نقاشی.....
۱۹.....	درس اول: رنگ‌های تیره و روشن.....
۲۴.....	درس دوم: رنگ‌های اصلی.....
۲۷.....	درس سوم: رنگ‌های فرعی.....
۳۲.....	درس چهارم: تضادهای رنگی.....
۳۶.....	فصل سوم: عکاسی.....
۳۷.....	درس اول: منظره‌یاب.....
۳۹.....	درس دوم: دوربین‌های تمام خودکار.....
۴۱.....	درس سوم: نقطه تأکید.....
۴۴.....	درس چهارم: نور.....

بخش دوم: خوشنویسی

۴۹.....	فصل اول: آشنایی با برخی اصطلاحات و ابزارهای خوشنویسی.....
۵۳.....	فصل دوم: پیدایش و سیر تحول هنر خوشنویسی و آموزش سطر نویسی نستعلیق.....
۵۵.....	درس اول: معرفی خط کوفی، انواع مشق و مشق سطر نویسی.....
۶۱.....	درس دوم: معرفی خط نسخ و مشق سطر نویسی نستعلیق.....
۶۵.....	درس سوم: معرفی خط ثلث و مشق سطر نویسی.....
۶۹.....	درس چهارم: معرفی خط محقق و مشق سطر نویسی نستعلیق.....

بخش سوم: هنرهای سنتی

۷۴.....	فصل اول: طراحی سنتی.....
۷۵.....	درس اول: طراحی سنتی.....
۷۸.....	درس دوم: آشنایی با نقش‌های هندسی.....
۸۱.....	درس سوم: طراحی گره.....

فهرست

۸۴.....	فصل دوم : گلیم بافی
۸۵.....	درس اول : زیراندازها
۸۸.....	درس دوم : ابزار، وسایل و مواد گلیم بافی
۹۰.....	درس سوم : بافت گلیم نقش دار
۹۲.....	فصل سوم : سفالگری
۹۳.....	درس اول : آشنایی با سفالگری
۹۶.....	درس دوم : ساختن حجم های گلی با روش فشاری
۹۸.....	درس سوم : ساختن حجم های سفالی با روش فتیله ای

بخش چهارم: هنرهای آوایی

۱۰۲.....	درس اول : وزن (ریتم)
۱۰۵.....	درس دوم : نوا (ملودی)
۱۰۹.....	درس سوم : رنگ صوتی
۱۱۱.....	درس چهارم : شکل (فرم)
۱۱۴.....	درس پنجم : بافت

بخش پنجم: هنرهای نمایشی

۱۱۹.....	درس اول : گفت و گو کنید
۱۲۱.....	درس دوم : گفت و گوی نمایشی
۱۲۴.....	درس سوم : شخصیت و موقعیت در نمایش
۱۲۶.....	درس چهارم : ماجراهای نمایشی

هو الجمیل

دانش آموز عزیز

اگر نگاهی هر چند کوتاه و گذرا به تاریخ کشور عزیزمان داشته باشید به راحتی به این نکته پی خواهید برد که این سرزمین، روزگاری مهد فرهنگ، تمدن و هنر بوده است. عراق و گزافه نخواهد بود اگر ادعا کنیم که کشور ما خاستگاه و سرچشمه هنرهای گوناگونی است که بسیاری از آنها را دیگر کشورهای اسلامی با عنوان هنر اسلامی به دنیا عرضه کرده‌اند.

سخن از زیبایی، هنر و چگونگی آموزش آن در نظام آموزش و پرورش رسمی کشورها با حساسیت‌ها و مسائل مختلفی همراه است که به ماهیت این حوزه یادگیری مربوط می‌شود اما در ایران به دلیل آنچه به آن اشاره شد، این حساسیت بیشتر است.

کتابی که پیش رو دارید، حاصل تلاش خدمتگزاران شما در گروه فرهنگ و هنر دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری است؛ بدان امید که محتوای آن نه تنها پاسخ نیازها، استعدادها و علایق شما باشد بلکه زمینه آشنایی هرچه بیشتر شما، میراث داران این مرز و بوم را با میراث فرهنگی و هنری پر افتخارتان فراهم آورد. این کتاب از پنج بخش تشکیل شده است: هنرهای تجسمی، هنر خوشنویسی، هنرهای سنتی، هنرهای آوایی و هنرهای نمایشی.

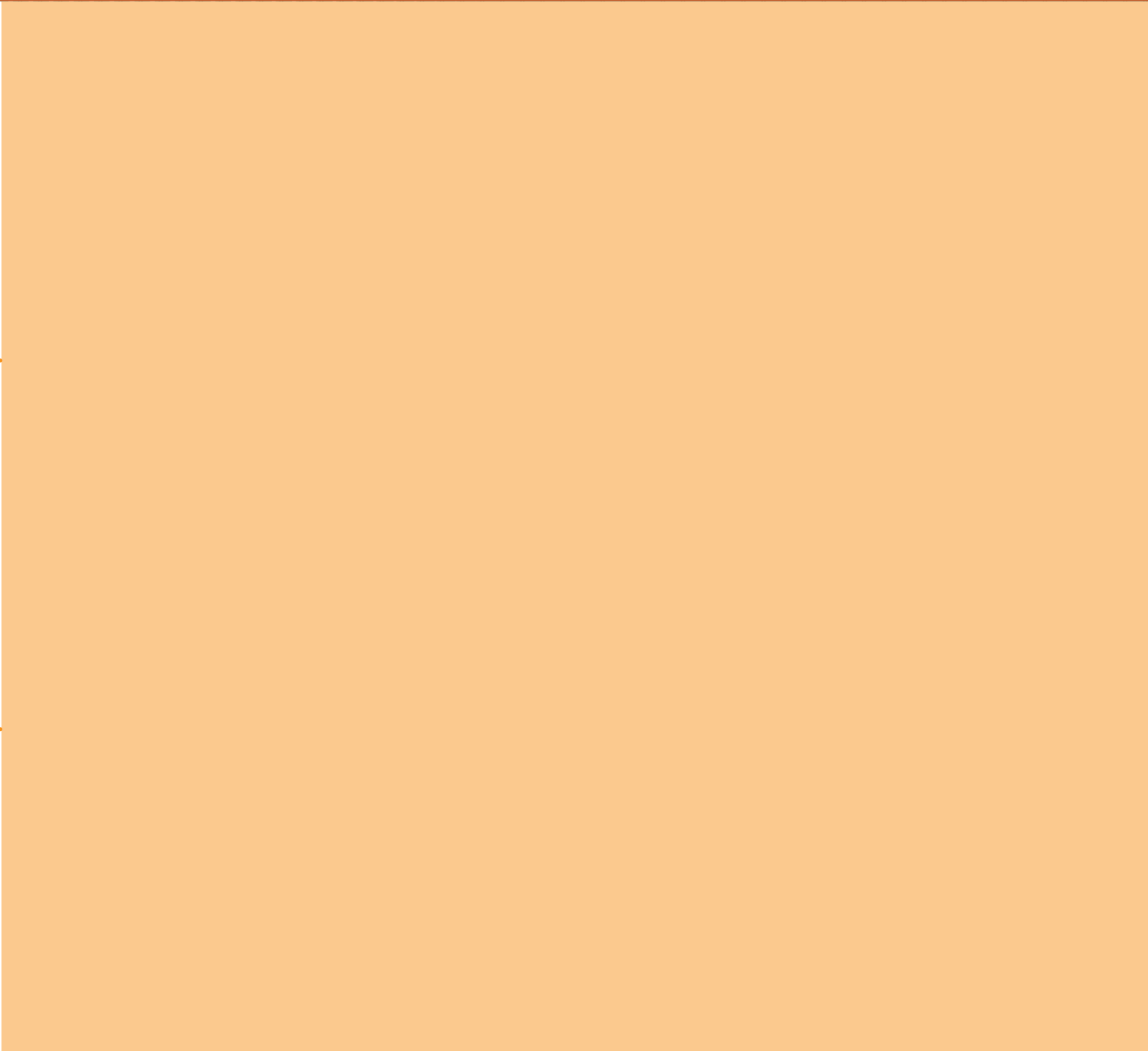
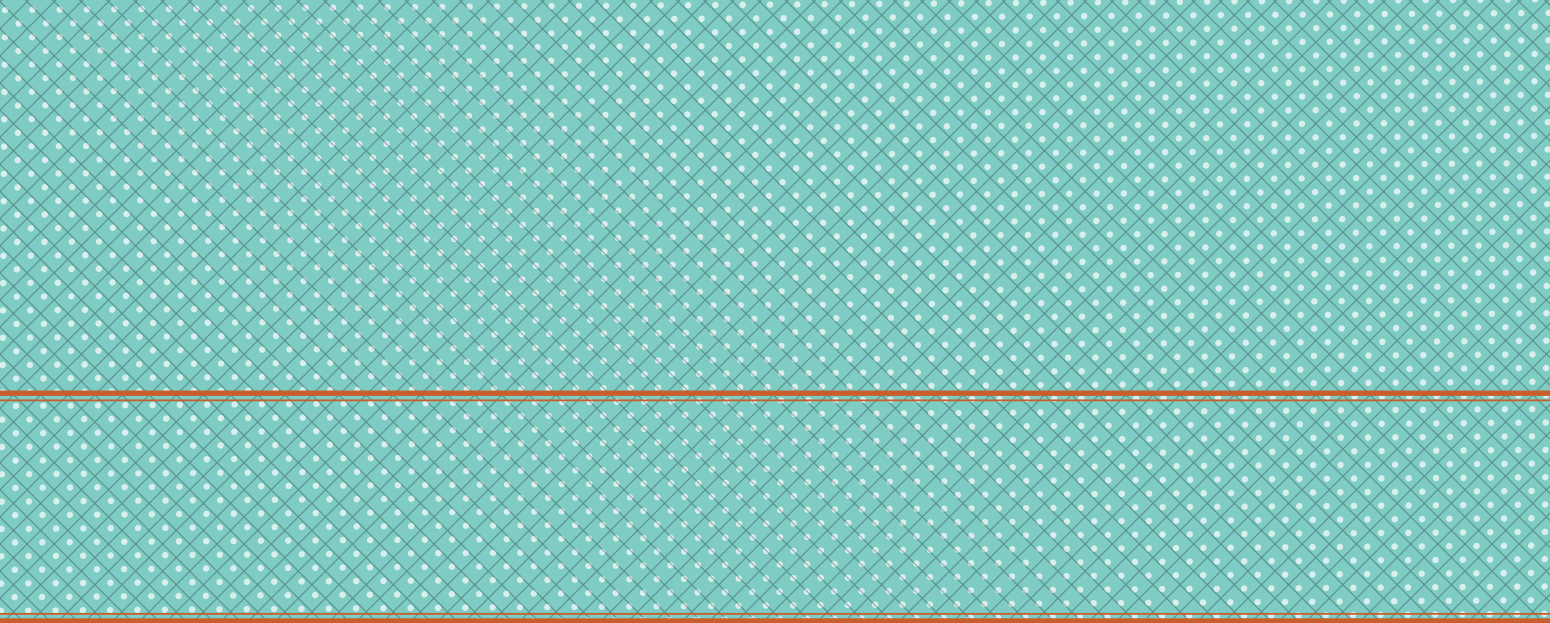
در بخش هنرهای تجسمی با طراحی، نقاشی و عکاسی آشنا خواهید شد. در این بخش، یادگیری طراحی به عنوان مادر هنرهای تجسمی ضروری است اما شما می‌توانید از میان دو رشته هنری دیگر با توجه به علاقه و استعداد خود، یکی را انتخاب کنید.

بخش هنرهای سنتی نیز شامل طراحی سنتی (نقش‌های هندسی، گره‌ها)، گلیم بافی و سفالگری است. از این بخش لازم است طراحی سنتی را بیاموزید اما می‌توانید از بین رشته‌های گلیم بافی و سفالگری یک رشته را با توجه به نیازهای خود برای یادگیری انتخاب کنید.

هنرهای آوایی، نمایشی و خوشنویسی نیز از جمله فعالیت‌های هنری هستند که لازم است شما عزیزان با آنها آشنا شوید.

امیدواریم این کتاب بتواند به شما آینده‌سازان این مرز و بوم کمک کند تا علاوه بر آشنایی با رشته‌های هنری گوناگون، نیازها، علایق، استعدادها و توانایی‌های خود را بشناسید و در راه شکوفایی آنها گام بردارید؛ چرا که

قلدران حقیقت به نیم جو نخرند
قبای اطلس آن کس که از هنر عاری است





بخش اوّل

آشنایی با طّراحی

فصل اوّل

نقّاشی

فصل دوم

عکّاسی

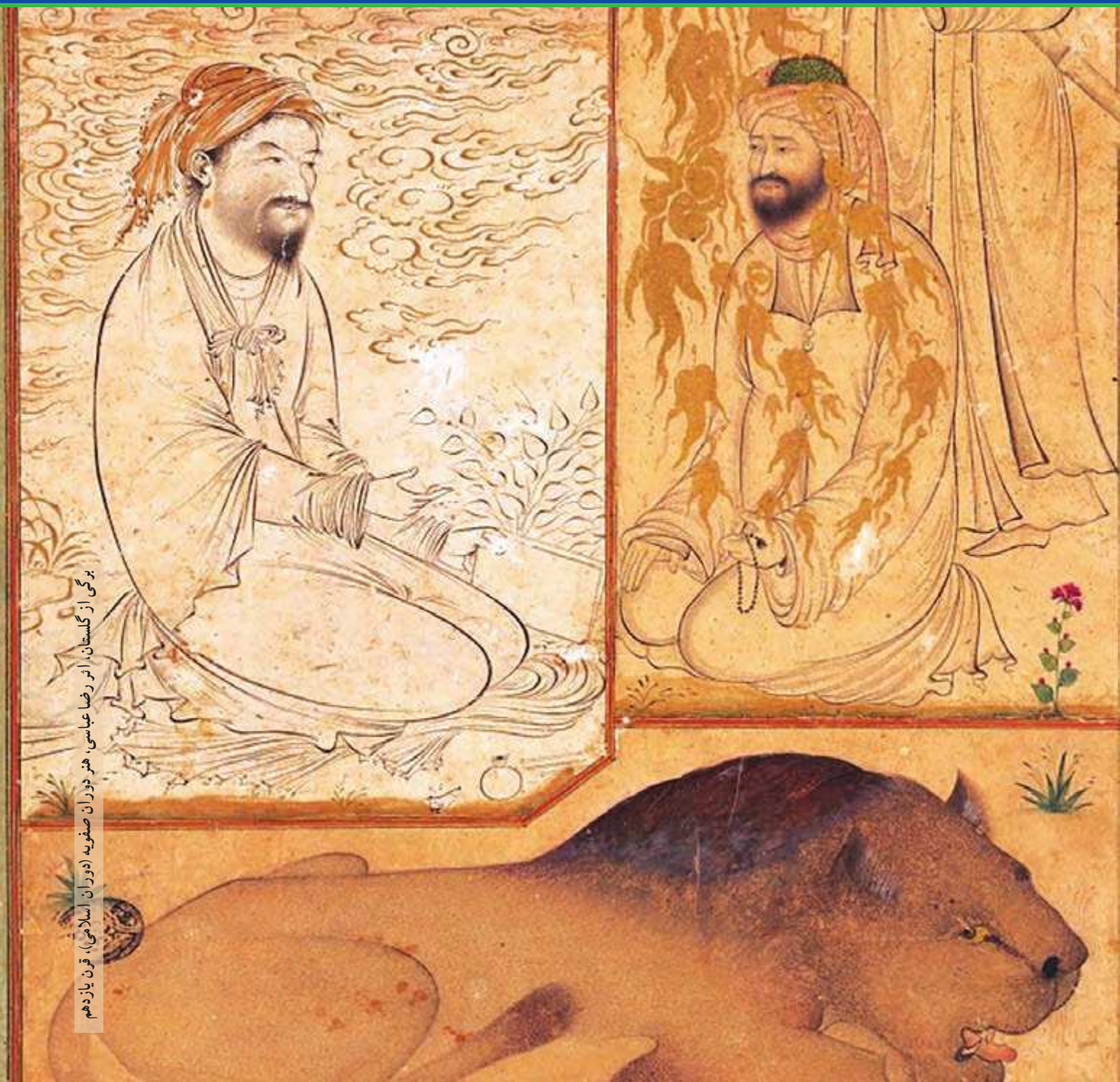
فصل سوم

هنرمانی جسمی



آشنایی با طراحی

فصل اول





مشاهده

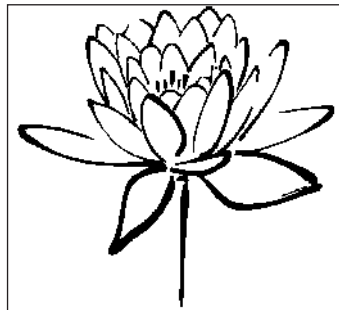
درس اول

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود :

- ◆ به زیبایی‌های طبیعت به عنوان بخشی از خلقت خداوند توجه کنید و از آن لذت ببرید.
- ◆ با مفهوم مشاهده آشنا شوید و اهمیت آن را در طراحی درک کنید.
- ◆ با استفاده مناسب از حواس مختلف، قدرت مشاهده را در خود تقویت کنید.
- ◆ اشیا و پدیده‌های مختلف را در ذهن خود تصور کنید و تفاوت تصور کردن و مشاهده کردن را درک کنید.
- ◆ طرح‌های ساده‌ای از اشیا و پدیده‌های مختلف بکشید.
- ◆ نمونه‌هایی از طراحی‌های ساده از موجودات و پدیده‌های طبیعی را در میراث فرهنگی - هنری تشخیص دهید.

فکر کنید:

به اطراف خود نگاه کنید. دنیای اطراف ما پر از شکل‌ها و پدیده‌های متنوع است، برای مثال برگ‌ها یا گل‌ها را با دقت مشاهده کنید. هر کدام از گل‌ها چه شکلی دارند؟ چگونه می‌توانیم این اشکال را طراحی کنیم؟



از گذشته‌های بسیار دور انسان‌ها سعی در به تصویر کشیدن دنیای اطراف خود داشتند. آنها برای این کار با دقت دنیای اطراف خود و اشیا را مشاهده می‌کردند. امروزه هم هنرمندان برای ساختن تصاویر به مشاهده محیط اطراف خود می‌پردازند و برداشت خود را از آن بیان می‌کنند. آیا زیبایی این اشکال تنها در ذهن ماست یا می‌توان این زیبایی را در طراحی ثبت نمود؟





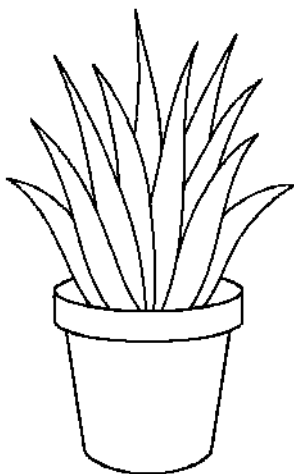
تصویری از نقاشی‌های دیواری غار لاسکو در اسپانیا متعلق به ۲۸ هزار سال پیش.

به طراحی پایین سمت چپ نگاه کنید. این طراحی چه چیزی را نشان می‌دهد؟ تصویری از شکار یک جانور توسط یک شیر. حتماً تا الان طراحی‌های دیگری را هم مشاهده کرده‌اید. این طراحی‌ها با هم فرق دارند اما همیشه چیزهایی را به ما نشان می‌دهند، مانند اشیا و فضاهایی که ما در دنیای بیرون مشاهده می‌کنیم.



تصویر سمت راست «حمله ببر به یک گراز» بخشی از طراحی یک نگاره. تصویر سمت چپ «حمله شیر به گاو (نقش گرفت و گیر)»، بخشی از نقش برجسته تخت جمشید در نزدیکی شیراز متعلق به هنر هخامنشی ۲۵۰۰ سال پیش.

حالا می‌توانیم از خود پرسیم چطور می‌توان چیزهایی را که می‌بینیم ترسیم کنیم؟ چطور می‌توانیم اشیا را با مداد یا دیگر وسایل طراحی کنیم؟ اولین و مهم‌ترین گام، مشاهده آن شیء یا پدیده است. مشاهده با نگاه کردن در حالت معمولی تفاوت دارد. مشاهده یعنی استفاده دقیق از حواس مختلف که شامل دیدن، لمس کردن، بویدن، شنیدن و چشیدن است.



طراحی کنید:

یک شیء یا وسیله ساده مثل میز، گل یا گلدان را با دقت نگاه کنید، چشم‌های خود را ببندید و به ویژگی‌های آن فکر کنید. چه به یاد دارید؟ آن شیء چه اجزایی دارد؟ این اجزا چه رنگ‌ها و جنسی دارند و چطور به هم مرتبط شده‌اند؟ سعی کنید بدون نگاه کردن به شیء و فقط به کمک حافظه آن را ترسیم کنید. حال دوباره خوب به شیء نگاه کنید و این بار در حالی که مدام به شیء نگاه می‌کنید آن را طراحی کنید. نتیجه این دو طراحی را با هم مقایسه کنید. چه تفاوت‌هایی دارند؟





آیا وقتی که بیشتر و با دقت نگاه می‌کردید نتیجه بهتر نبود؟ برای انجام یک طراحی خوب فقط حافظه و فکر کردن کافی نیست. مشاهده بهترین کمک برای انجام یک طراحی خوب است.

تصاویر زیر نمونه‌هایی از طرح‌هایی از طبیعت را در آثار فرهنگی و هنری ایران نشان می‌دهند.

▲ از راست به چپ : بخشی از یک نگاره، مکتب هرات. قالی محرابی سروی، هنر بختیاری، قرن سیزدهم هجری قمری. نقش برجسته درخت سرو، هنر هخامنشی، حدود ۲۵۰۰ سال پیش. کاشی هفت رنگ، هنر قاجار، قرن سیزدهم هجری قمری.



در طول تاریخ، طرح‌های هنرمندان از طبیعت همیشه به یک شکل نبوده است. در بعضی از طراحی‌ها، هنرمندان دقیقاً از طبیعت تقلید کرده‌اند و در برخی دیگر با طبیعت متفاوت است. این طرح‌ها چه ویژگی‌هایی دارند؟ کدام یک از تصاویر به واقعیت شباهت بیشتری دارد؟ کدام یک بیشتر طرح ذهنی هنرمند و دید خاص او از موضوع را نشان می‌دهد؟



▲ از راست به چپ : بشقاب نقره با نقش انسان و حیوان، هنر ساسانی. بشقاب سفالی با نقش پرنده، هنر نیشابور، قرن چهارم هجری قمری. بشقاب سفالی با نقش سوارکار و پرنده شکاری، هنر نیشابور، قرن چهارم هجری قمری.

خودارزیابی:

◆ اشیای ساده اطراف خود را با دقت مشاهده کنید و سعی کنید آنها را به صورت ذهنی از زوایای مختلف طراحی کنید.





درس دوم نقطه

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ♦ با مشاهده دقیق اشیا و پدیده‌های محیط پیرامون خود، شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آنها را بیان کنید.
- ♦ با آشنایی با مفهوم عناصر بصری، آنها را در محیط اطراف خود بازشناسی کنید.
- ♦ نقطه‌ها را در محیط اطراف خود تشخیص داده و تفاوت آنها را با یکدیگر بیان کنید.
- ♦ با استفاده از نقطه، شکل و طرح و آثار هنری مختلفی خلق کنید.

فکر کنید:

به طبیعت اطراف خود نگاه کنید. در آن اشیا و فضاها، مختلفی را می‌بینید. با دقت به تصاویر زیر نگاه کنید. این گیاهان چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟ فرم برگ‌های گیاهان را مقایسه کنید؟



برگ بعضی از گیاهانی که در تصاویر بالا می‌بینید سوزنی شکل است و از دور مانند خط یا نقطه به نظر می‌رسند. گیاهان دیگر برگ‌هایی با شکل‌های نرم‌تر دارند. رنگ و فرم این گیاهان هم با هم متفاوت است. برخی سبز پررنگ و برخی کم‌رنگ‌تر و نزدیک به زرد هستند.

تفاوت اشیا و پدیده‌ها در شکل، فرم، رنگ و... سبب تشخیص آنها از یکدیگر می‌شود. اگر بخواهیم دلیل این تفاوت‌های ظاهری را دقیق‌تر بفهمیم به عناصر اصلی‌تری مانند نقطه، خط، سطح و بافت می‌رسیم که به آنها عناصر بصری می‌گوییم. هنرمندان با استفاده از این عناصر می‌توانند شکل‌ها و اشیای متنوعی را به تصویر بکشند. در طراحی، هر شیء خصوصیات ظاهری خاص خود را دارد و به همین دلیل از شکل‌های دیگر متفاوت است.



به تصاویر زیر نگاه کنید. چه می بینید؟ آیا چیزهای کوچک در تصاویر به مانند نقطه دیده می شوند؟



حالا به محیط اطراف خود نگاه کنید. آیا می توانید نقطه ها را مشاهده کنید؟ به نظر می آید اجسام کوچک و خیلی ریز به روی سطح بزرگ تر به مانند نقطه به نظر می آیند. دانه های شن، دکمه ها، سوراخ های کوچک نمکدان، جای خالی یک میخ روی دیوار، همه اینها مانند نقطه به نظر می آیند.

یکی از عناصر بصری اصلی نقطه است. برخی از چیزها در دورست مانند نقطه معلوم می شوند. مثلاً هواپیماها در ارتفاع زیاد، پرنده های در حال پرواز و سنگریزه ها از دور نقطه دیده می شوند. پس اشیای بزرگ هم از دور مانند نقطه به نظر می آیند. معمولاً وقتی چشمان ما روی سطوح بزرگ خالی حرکت می کند به روی نقطه ها متوقف می شود. پس نقطه ها عناصر مؤثری برای جلب نگاه و تأکید بر قسمتی از یک تصویر هستند. چون به خوبی به روی زمینه به چشم می آیند.



طراحی کنید:

انواع مختلفی از مداد، خودکار و ماژیک ها با رنگ های مختلف را جمع کنید. روی یک کاغذ سفید با هر کدام از این ابزارها ردیفی از نقطه ها را از بالای صفحه تا پایین ترسیم کنید. حال سعی کنید با تغییر فشار دستتان هنگام طراحی نقاط را از کم رنگ به پررنگ ترسیم کنید. می توانید با مداد یک خط منحنی بسته کم رنگ بکشید. روی این خط را با نقطه هایی هم اندازه و هم رنگ مانند تسبیح، یا متنوع مانند گردنبند پر کنید.





◆ یک شیء ساده را انتخاب کنید. با دقت به آن نگاه کنید یا در ذهن خود آن را تصور کنید. نقاط مهم تصویر آن مثل گوشه‌ها یا نقاط اتصال را روی کاغذ ترسیم کنید. از دوست خود بخواهید با دیدن نقطه‌ها حدس بزند چه شیئی را ترسیم کرده‌اید. سپس او هم همین تمرین را انجام دهد و شما شیء مورد نظر را حدس بزنید.

به تصاویر زیر نگاه کنید آیا می‌توانید نقطه‌ها را در آنها تشخیص دهید؟



▶ آذین لباس به شکل بته جقه، دوره قاجار، قرن سیزدهم هجری قمری، موزه جواهرات. تزئینات زیر گنبد مسجد شیخ لطف‌الله، هنر صفوی، قرن یازدهم هجری قمری. بشقاب مینا کاری؛ ظرف با شکل حیوان، سفال کلپورگان، هنر بلوچستان.

خودارزیابی:

◆ به کمک نقطه‌ها اشکال تازه‌ای خلق کنید.





درس سوم خط در طراحی

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ♦ با آشنایی با انواع خط، آنها را در محیط پیرامون خود و آثار فرهنگی - هنری بازشناسی کنید.
- ♦ با شناخت کارکرد انواع خط در طراحی، آثار هنری متنوعی خلق کنید.

فکر کنید:

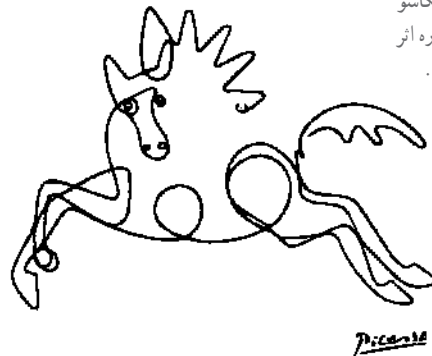
به این تصاویر نگاه کنید. چه چیزی در این تصاویر مشترک است؟ شاخه‌های درخت، سیم و طناب به چه شکلی به نظر می‌آیند؟



نرده‌ها، تیرهای برق و شاخه‌های درختان که از نزدیک ضخیم هستند از دور شبیه به خط به نظر می‌آیند. فرم‌های کشیده و دور از ما، بیشتر شبیه به خط به نظر می‌آیند. پس در همه این تصاویر عنصر خط وجود دارد. حال به محیط اطراف خود نگاه کنید. در کدام اشیا خط را مشاهده می‌کنید؟

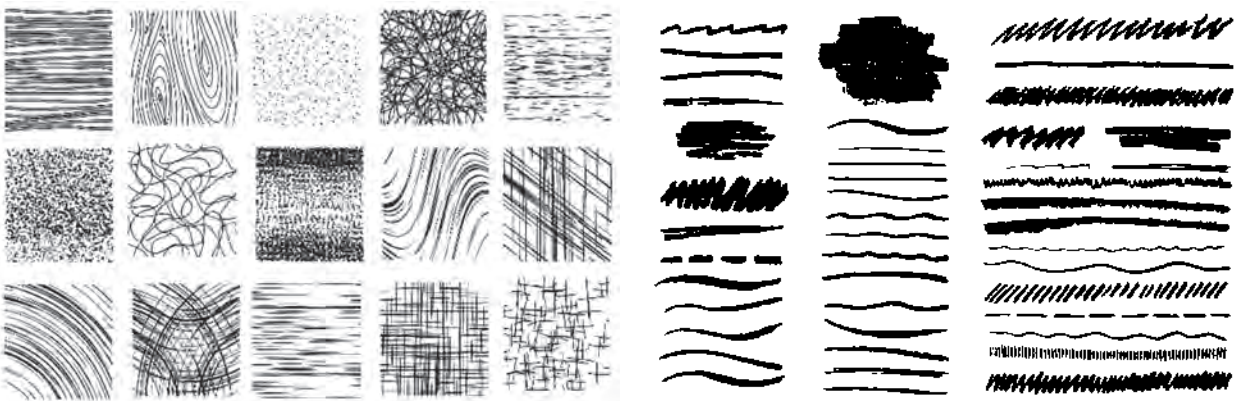


به این دو تصویر بادقت نگاه کنید. این تصاویر دو طراحی از اسب را نمایش می دهند.



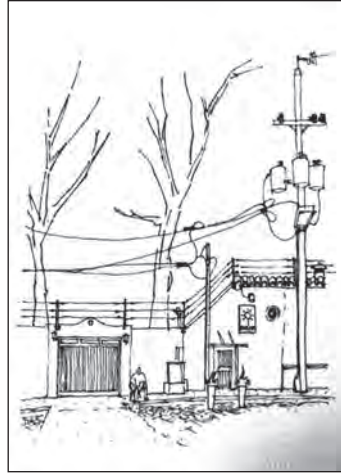
از راست به چپ: طراحی اسب اثر پیکاسو قرن بیستم میلادی. بخشی از یک نگاره اثر محمد سیاه قلم، قرن نهم هجری قمری.

طراحی اسب ها در دو نگاره چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟ می توان تفاوت روش دو هنرمند در کشیدن موضوع را مشاهده نمود. اسب سمت راست با خط طراحی شده و در طراحی سمت چپ خط کمتری دیده می شود. خط یکی از مهم ترین عناصر بصری است. هنرمندان و بخصوص طراحان از خط به عنوان اصلی ترین ابزار بیان خود در طراحی استفاده می کنند. با مشاهده دقیق اشیا و پدیده های مختلف محیط پیرامون خود، خطوط را پیدا کنید. چه تفاوتی بین این خطوط وجود دارد؟ تقریباً با هر وسیله اثر گذار روی سطح می توانیم خط ایجاد کنیم. اما این خطوط چه تفاوت هایی با هم دارند؟ به تصویر پایین سمت راست نگاه کنید. تفاوت میان خط ها را مشاهده کنید: برخی از خطوط ضخیم تر و برخی نازک تر هستند. برخی از این خطوط پررنگ تر و برخی کم رنگ تر هستند. برخی از خطوط یکنواخت هستند و ضخامت و تیرگی برخی دیگر تغییر می کند. حال تصویر سمت چپ را مشاهده کنید. تفاوت خط ها در چیست؟ به نظر می آید که حرکت خطوط در این تصویر متفاوت است. پس خطوط در ضخامت، تیرگی و نوع حرکتشان به روی سطح متفاوت هستند. تقریباً می توان به صورت نامحدود خطوط تازه ایجاد کرد.

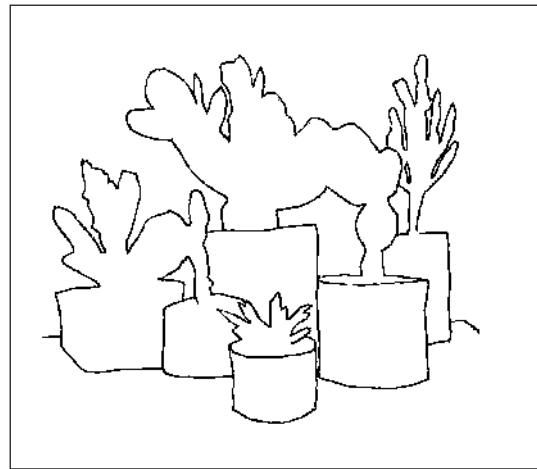


به تصاویر صفحه بعد نگاه کنید. با استفاده از خط در این طراحی ها چه چیزهای متنوعی نشان داده شده است؟ طراحان پدیده ها و اشیایی مانند درختان، تیر چراغ برق، سیم ها، موها و... را با خط ترسیم کرده اند. خطوط را در هر یک از این تصاویر مشاهده کنید. آیا این خطوط با یکدیگر متفاوت هستند؟ چه تفاوتی با یکدیگر دارند؟





همان گونه که مشاهده کردید برخی خطوط ملایم تر و نرم تر؛ بعضی بلند و کم تعداد و برخی کوتاه و پرتعداد هستند. پس با استفاده از انواع خط می توان اشکال متنوعی را ترسیم کرد.

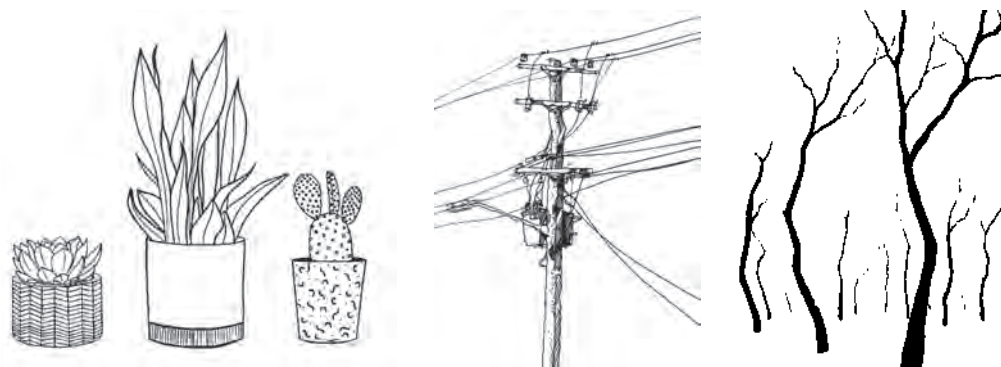


♦ دو تصویر بالا را با هم مقایسه کنید. خطوطی که شیء با استفاده از آن طراحی شده، در کجای آن قرار گرفته است؟ اولین خطوطی که در طبیعت می بینیم خطوط دور اشیا یا خطوط محیطی است. این خطوط پیوسته و یکنواخت هستند و دور تا دور محیط حرکت می کنند.

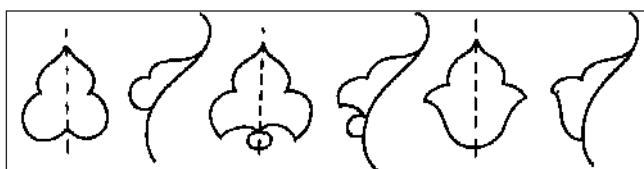
طراحی کنید:

یک شیء ساده انتخاب کنید. با مشاهده دقیق شکل محیط آن و با یک خط آن را ترسیم کنید. برای این کار بیشتر به شیء نگاه کنید تا به کاغذ. به تصاویر صفحه بعد نگاه کنید. آیا این طراحی ها به چیزهایی که ما در محیط اطراف خود می شناسیم شباهت دارند؟ سعی کنید با نگاه کردن به اشیا در محیط اطراف خود، خطوط را تشخیص دهید. یک شیء ساده را انتخاب کنید و به وسیله ابزار دلخواه خود، طرحی خطی شبیه به آنچه می بینید ترسیم کنید.





یکی از انواع خطوطی که هنرمندان از آنها استفاده می کنند، خطوط هندسی است. این خطوط عموماً برای طراحی نقوش سنتی استفاده می شوند. به تصویر زیر نگاه کنید. طرح این گل یکی از نقوش سنتی هنر ما است که معمولاً به عنوان حاشیه در معماری و نگارگری به کار می رود. چنین نقوشی معمولاً متقارن و تکرار شونده هستند.



حال به محیط اطراف خود نگاه کنید و سعی کنید چنین نقوش سنتی را پیدا کنید.



از راست به چپ: نقوش کاشی کاری در معماری مسجد جامع یزد، هنر تیموری، قرن نهم هجری قمری. کاشی زرین فام، هنر نیشابور، قرن چهارم هجری قمری. کاشی کاری مسجد جامع اصفهان، هنر صفوی، قرن یازدهم هجری قمری.

خودارزیابی:

- ♦ به کمک خط طرح های ساده ای از اشیاء را ترسیم کنید.
- ♦ با ابزارها و وسایل در دسترس و با استفاده از انواع خط آثار هنری متنوعی خلق و آن را با خلاقیت های هنری هم کلاسی های خود مقایسه کنید.



درس چهارم بافت

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ◆ به زیبایی‌های طبیعت به عنوان بخشی از خلقت خداوند توجه و از آنها لذت ببرید.
- ◆ با مشاهده بافت در سطوح مختلف (طبیعی و مصنوعی)، مفهوم آن را درک و شباهت‌ها و تفاوت‌های انواع بافت را بیان کنید.
- ◆ با شناخت بافت لامسه‌ای و بصری، تفاوت‌های آن را بیان و آن را در محیط پیرامون خود و میراث فرهنگی - هنری بازشناسی کنید.
- ◆ با استفاده از ابزار و وسایل گوناگون بافت سطوح و شکل‌های مختلف را ایجاد و آن را طراحی کنید.

فکر کنید:

به تصاویر زیر نگاه کنید. هر کدام از این تصاویر سطح خاصی را نشان می‌دهد. آیا می‌توانید این سطوح را نام ببرید؟



سطوح مشابه اطراف خود را لمس کنید. چه احساس می‌کنید؟ این سطوح چه تفاوتی با هم دارند؟

برخی از این سطوح نرم و برخی خشن تر هستند. برخی از این سطوح دارای عناصر ریزتر و برخی درشت تر هستند. پس هر سطح ویژگی‌های خاص خودش را دارد. به این ویژگی سطوح، بافت می‌گویند. بافت یکی از عناصر مهم تجسمی است که از عناصر اولیه دیگر همچون نقطه، خط و رنگ به وجود می‌آید.



در حالت عادی معمولاً ما بافت را از طریق لمس کردن درک می‌کنیم. اما در هنرهای تصویری مانند طراحی، بافت از طریق مشاهده کردن نیز درک می‌شود و به ما امکان می‌دهد که جنس اشیاء را بفهمیم. هر چه بافت درشت تر باشد، بیشتر به چشم می‌آید و هر چه بافت ریزتر باشد، سطح اشیاء صاف تر به نظر می‌آید. حال به تصاویر بالا نگاه کنید. در این تصاویر بافت به وسیله چه عناصری به وجود آمده‌اند؟ تکرار خط و نقطه به صورت‌های مختلف، سطوحی با بافت‌های متنوع را ایجاد می‌کند. در طراحی از همین خصوصیت برای نمایش سطوح اشیاء مختلف با جنس‌های مختلف استفاده می‌شود.



به تصاویر بالا نگاه کنید. بافت در این طراحی‌ها چه تفاوتی با هم دارد؟ می‌توانیم ببینیم که بافت‌های مختلف در این طراحی‌ها به وسیله نقطه‌ها و خطوط ترسیم شده‌اند. در هر کدام از این بافت‌ها خط و نقطه‌های مشابهی به کار رفته‌اند که با بافت‌های دیگر متفاوت هستند. برای مثال بعضی از این بافت‌ها با خطوط عمودی یا افقی ترسیم شده‌اند، برخی با خطوط منحنی یا صاف، کوتاه یا بلند. پس بافت از مجموعه‌ای از عناصر مانند خط و نقطه تشکیل می‌شود که کم و بیش خصوصیات یکسانی دارند.



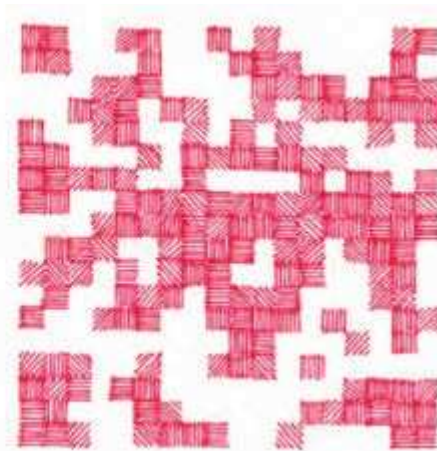
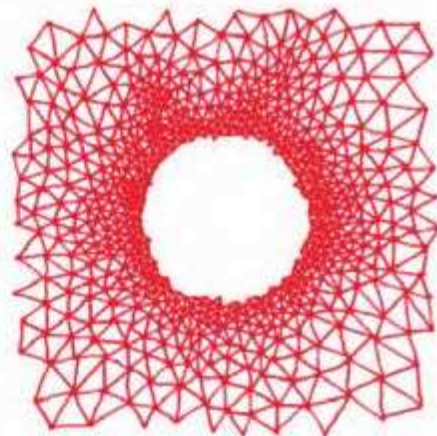
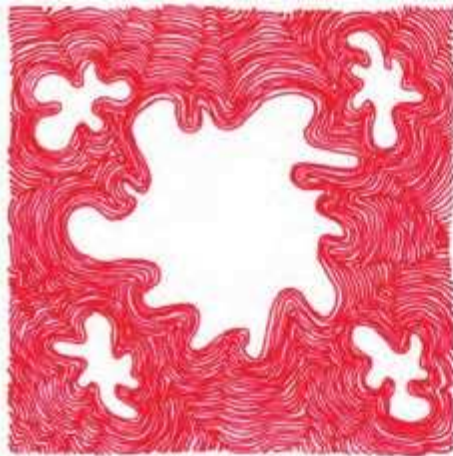
به طراحی های بالا نگاه کنید. آیا در این تصاویر جنس چیزهایی را که طراحی شده اند تشخیص می دهید؟ تفاوت جنس چیزهای مختلف در چیست؟ همان طور که می بینید، بافت هایی که اشیای نرم مانند پرها را نشان می دهند با بقیه بافت ها متفاوت هستند. این بافت ها بیشتر با خطوط منحنی و بلند ترسیم شده اند تا خطوطی خشک. می توان دید که چگونه طراحان با نگاه دقیق به طبیعت، اشیای را از طریق ترسیم بافت های متفاوت نشان می دهند.

طراحی کنید:

به تصاویر زیر نگاه کنید. این طراحی ها بافت هایی از گیاهان در طبیعت را نشان می دهد. حال با دقت به گیاهان اطراف خود نگاه کنید. بافت برخی از این گیاهان را با تکرار خطوطی ساده ترسیم کنید. سعی کنید برای طراحی گیاهان مختلف از بافت های متنوع استفاده کنید.



همانند تصاویر صفحه بعد، روی یک نقطه از کاغذ شروع به انجام یک بافت تکراری بکنید. حال با تکرار، این بافت را روی کاغذ گسترش دهید. سعی کنید این کار را دوباره و با بافتی جدید انجام دهید. می توانید بافت های خود را شبیه به فرم های مختلفی مانند ابرها و خورشید انجام دهید.



بسیاری از هنرمندان در آثار خود بافت‌های زیبایی ایجاد می‌کنند. برخی از هنرمندان برداشت خود را از ویژگی‌های طبیعت ارائه می‌دهند. به نمونه‌هایی از نقاشی سهراب سپهری دقت و آن را با نمونه‌های طبیعی بافت تنه درختان مقایسه کنید.



از چپ به راست: نقاشی رنگ و روغن روی بوم، بدون عنوان / درختان، اثر سهراب سپهری نقاش و شاعر معاصر، محل نگهداری موزه هنرهای معاصر تهران.

برخی دیگر با الهام از طبیعت بافت‌های ذهنی جدیدی را به نمایش می‌گذارند. تصاویر زیر بافت‌هایی در هنرهای سنتی ما را نشان می‌دهد که کاملاً هندسی و منظم هستند. نقوش تزئینی معمولاً از این بافت‌های هندسی تشکیل شده‌اند.



سعی کنید در اشیای اطراف خود مانند فرش‌ها، ظروف و معماری (مانند کاشی کاری مساجد و...) برخی از این نقوش را پیدا کنید.



▲ از راست به چپ: قلاب دوزی رشت هنر محلی گیلان. گلدان سفالی ساخت اصفهان، هنر صفوی، قرن یازدهم هجری قمری. بخشی از تزئینات کاشی کاری مسجد جامع یزد، هنر تیموری، قرن هشتم و نهم هجری قمری.

خودارزیابی:

- ◆ به وسیله بافت اشیای مختلفی را ترسیم نمایید.
- ◆ با بافت در نقوش تزئینی آشنا شده و بافت برخی از این نقوش را ترسیم نمایید.



فصل دوم نقاشی





درس اول رنگ‌های تیره و روشن

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ♦ به اهمیت نقش رنگ‌ها در زندگی و زیبایی‌های محیط پیرامون خود پی برده و به آنها توجه کنید. به تفاوت طراحی و نقاشی فکر کنید.
- ♦ با شناخت رنگ‌های تیره و روشن، بتوانید طیفی از رنگ‌های تیره و روشن درست کنید.
- ♦ با شناخت تفاوت طراحی و نقاشی، نقاشی‌های ساده‌ای با استفاده از یک رنگ و سیاه و سفید خلق کنید.
- ♦ با استفاده از طیف گوناگون رنگ‌ها، آثار هنری مختلف خلق کنید.

فکر کنید:

تصاویر زیر را مشاهده کنید. این تصاویر چه چیزهایی را نشان می‌دهند؟ چه ویژگی عمده‌ای باعث جذابیت این تصاویر شده است؟



همان‌طور که می‌دانید رنگ یکی از ویژگی‌های پدیده‌ها و اشیا و از نعمت‌های خداوند است که سبب می‌شود دنیای اطراف ما زیباتر به نظر بیاید.

حال دسته‌ای از گل‌های آفتابگردان را در ذهن خود تصور کنید و ببینید اگر این گل‌ها رنگ نداشتند به چه صورت

دیده می‌شدند؟ نقاشی زیر، این تصور ذهنی شما را نشان می‌دهند. انواع مختلف رنگ‌های زرد در نقاشی سمت چپ همسان با تیرگی و روشنی‌های تصویر سمت راست هستند.

نقاشی «گل‌های آفتابگردان» اثر وان گوگ نقاش هلندی، قرن بیستم میلادی.



به نقاشی‌های زیر نگاه کنید و به این سؤالات فکر کنید. رنگ‌ها در این آثار هنری چه تفاوتی با هم دارند؟ هر کدام از این تصاویر با چه ابزاری ترسیم شده است؟ کدام یک از آنها به طبیعت شبیه‌تر است؟



سمت راست «طبیعت بی جان» با قلم فلزی و مرکب، سمت چپ «طبیعت بی جان» با رنگ و روغن اثر جیورجیو موراندی، هنرمند ایتالیایی قرن بیستم میلادی.

همان‌گونه که مشاهده می‌کنید تصویر سمت راست با قلم فلزی و مرکب و سمت چپ با رنگ و روغن کشیده شده است. طراحی سمت راست سطوح تیره و روشن اشیا را ترسیم کرده است. اما در تصویر سمت چپ برخی از همین سطوح با رنگ نقاشی شده‌اند و بیشتر به طبیعت اطراف ما شبیه می‌باشد. حال به دو نگاره صفحه بعد اثر کمال الدین بهزاد نقاش مکتب هرات نگاه کنید و آنها را با هم مقایسه کنید. این نقاشی‌ها چه تفاوتی با هم دارند؟ کدام یک از این دو تصویر به دنیای اطراف ما شبیه‌تر هستند؟



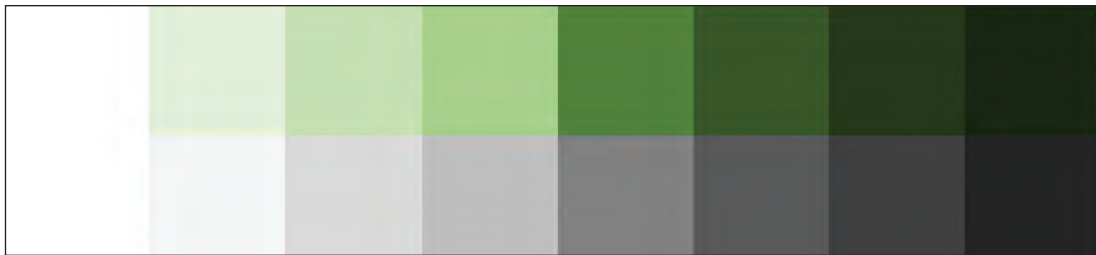


▲ سمت راست نگاره «سلطان حسین بايقرا»، سمت چپ نگاره «شاييک خان» اثر کمال الدين بهزاد، هنر تیموری، قرن نهم و دهم هجری قمری.

همان طور که می بینید در تصویر سمت چپ پیکره و فضای اطراف با رنگ ترسیم شده اند. نقاشان از رنگ برای نمایش بهتر دنیای اطراف و جذاب تر کردن نقاشی های خود استفاده می کنند. به تصاویر زیر نگاه کنید. در هر کدام از این تصاویر چه رنگ های متفاوتی وجود دارد. تفاوت این رنگ ها در چیست؟ به نظر می آید که در هر تصویر رنگ های مشابهی وجود دارد: برای مثال آبی ها، نارنجی ها و سبزهای مختلف. اما برخی از این رنگ ها تیره هستند و برخی روشن. در نقاشی هم رنگ ها درجه تیرگی و روشنایی متفاوتی دارند.

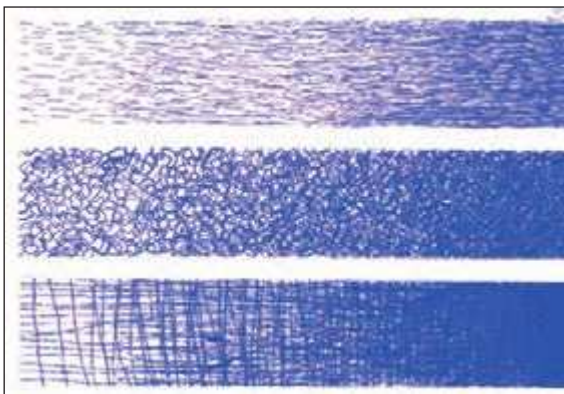
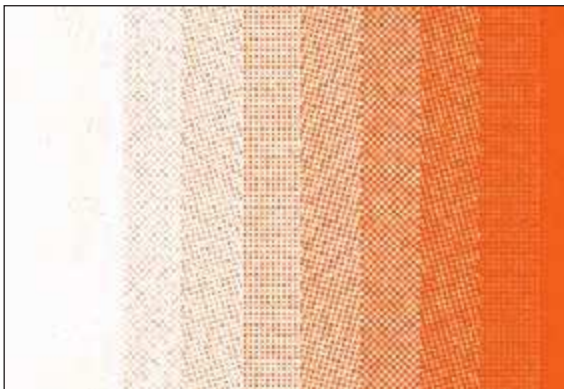


برای داشتن رنگ‌های تیره و روشن معمولاً هنرمندان به رنگ خود مقداری رنگ سیاه و سفید اضافه می‌کنند. برای مثال برای داشتن رنگ‌های سبز روشن و تیره می‌توانیم این رنگ را با مقداری رنگ سفید و سیاه مخلوط کنیم؛ مانند تصویر زیر.



نقاشی کنید:

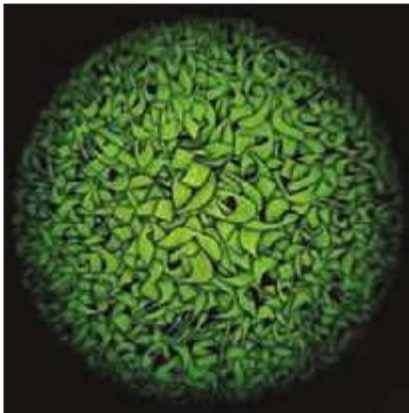
با استفاده از وسایل دلخواه (مداد رنگی، ماژیک و...)، سعی کنید مانند تصویر روبه‌رو، با کشیدن نقاط متعدد، سطوحی رنگی از نقاط ایجاد کنید. می‌توانید با گذاشتن نقاط بیشتر و یا کمتر سطوحی با رنگ روشن‌تر یا تیره‌تر تولید کنید. همین کار را این بار به وسیله خطوط انجام دهید. می‌توانید به وسیله خطوط مختلف سطوح رنگی متنوعی ایجاد کنید.



به نقاشی صفحه بعد نگاه کنید. طیفی از رنگ‌های آبی مختلف در این تصویر وجود دارد. برای ساختن آبی روشن و تیره، یک رنگ آبی گواش را انتخاب کنید و برای درست کردن رنگ آبی روشن آن را با کمی رنگ سفید مخلوط کنید. برای به دست آوردن رنگ آبی تیره می‌توانید رنگ آبی را با کمی رنگ سیاه مخلوط کنید. سعی کنید مقدار رنگ سیاه و سفیدی را که به رنگ آبی اضافه می‌کنید کم و زیاد کنید تا ببینید چه تغییری در نتیجه اتفاق می‌افتد. حال سعی کنید با الهام از این نقاشی، یک نقاشی با طیف‌های گوناگونی از یک رنگ بکشید. می‌توانید به جای رنگ آبی، از رنگ‌های دیگری استفاده کنید.



تصاویر زیر نمونه‌هایی از طیف‌های تیره و روشن یک رنگ را در میراث فرهنگ و هنری نشان می‌دهد.



▲ نقاشی بدون عنوان اثر ابوالقاسم سعیدی، هنرمند معاصر، رنگ و روغن روی بوم، محل نگهداری، گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران. کاشی‌کاری مسجد جامع عباسی اصفهان، هنر صفوی، قرن یازدهم هجری قمری. نقاشی خط اثر محمد احصایی هنرمند معاصر، رنگ و روغن روی بوم.

خودارزیابی:

- ♦ رنگ‌های تیره و روشنی از یک رنگ تولید کنید.
- ♦ به وسیله رنگ‌های تیره و روشن تصاویری ساده نقاشی کنید.





درس دوم رنگ های اصلی

در پایان این درس از شما انتظار می رود :

- ♦ رنگ های خالص و اصلی را بشناسید و با استفاده از آنها نقاشی کنید.
- ♦ با شناخت قابلیت های رنگ های اصلی و ترکیب آنها با رنگ های سیاه و سفید خلاقیت هنری داشته باشید.
- ♦ به چگونگی استفاده از رنگ های خالص و اصلی در میراث فرهنگی و هنری توجه و نحوه استفاده از آن را بیان کنید.

فکر کنید:

مانند تصویر روبه رو مدادرنگی یا پاستل های رنگی تان را مقابل خود بچینید. رنگ کدام یک با بقیه متفاوت است؟



همان گونه که مشاهده می کنید رنگ سیاه و سفید شبیه هیچ کدام از رنگ های دیگر نیستند. سیاه، سفید و خاکستری ها بی رنگ هستند، در حالی که بقیه رنگی هستند. این رنگ ها معمولاً درخشان و شفاف هستند. به اینها رنگ های خالص می گوئیم، چون با رنگ های دیگر مخلوط نشده اند.



▲ نگاره «رضا عباسی» اثر معین مصور. هنر صفوی، قرن یازدهم هجری قمری.



▲ تابلوی «زرگر و شاگردش» اثر کمال الملک. هنر قاجار، قرن سیزدهم هجری قمری.

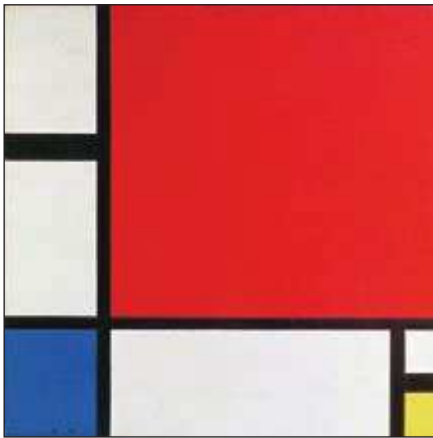


چرخه سه رنگ اصلی.

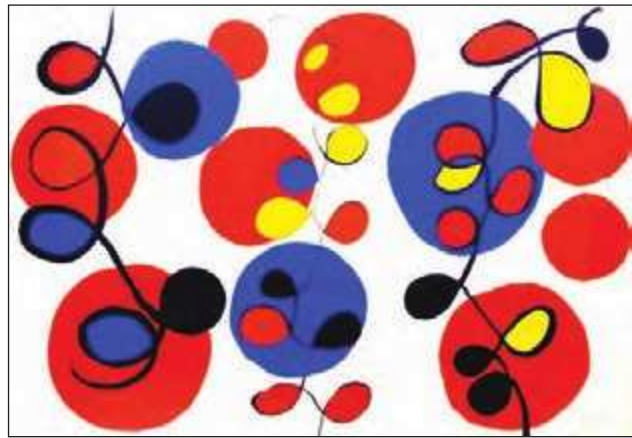
حال دو تصویر صفحه قبل را با هم مقایسه کنید. رنگ لباس‌ها در کدام یک از نقاشی‌ها درخشان‌تر است؟ به نظر می‌رسد در نگاره سمت چپ، رنگ‌های آبی و قرمز درخشان‌تر هستند. آیا می‌توانید بگویید در تابلوی کمال الملک کدام اشیا رنگین‌تر هستند؟ بار دیگر به مدادرنگی‌های خود نگاه کنید. برخی از این رنگ‌ها به هم شبیه‌تر هستند. مدادرنگی‌ها با رنگ‌های مشابه کدام هستند؟ در میان مدادرنگی‌های شما چند مداد زرد، آبی یا سبز وجود دارد؟ به این رنگ‌ها، رنگ‌های هم‌خانواده می‌گوییم. می‌توانید این رنگ‌ها را در گروه‌های مشابه دسته‌بندی کنید و کنار هم بچینید.

در بین این رنگ‌ها، سه رنگ آبی، زرد و قرمز سه رنگ اصلی هستند. چرا به این رنگ‌ها، رنگ‌های اصلی می‌گویند؟ سه رنگ اصلی رنگ‌هایی هستند که می‌توان رنگ‌های دیگر را از آنها ساخت. به تصویر بالا نگاه کنید. سه رنگ اصلی روی چرخه رنگ دیده می‌شوند. چرخه رنگی ابزاری مناسب برای درک رابطه بین رنگ‌ها می‌باشد. محل هر رنگ روی دایره نسبت آن را با رنگ‌های دیگر نشان می‌دهد.

بسیاری از هنرمندان مدرن به خصوصیات رنگ‌های اصلی در نقاشی اهمیت می‌دادند. به تصاویر زیر نگاه کنید. این دو نقاشی با استفاده از رنگ‌های اصلی کشیده شده‌اند. به اندازه و نسبت رنگ‌ها در این نقاشی‌ها توجه کنید.



ترکیب بندی شماره ۲ با قرمز، آبی و زرد، اثر پیت موندریان، هنر قرن بیستم میلادی.



لیتوگرافی اثر الکساندر کالدر، هنرمند آمریکایی، قرن بیستم میلادی.

نقاشی کنید:

مداد رنگی‌ها یا دیگر ابزارهای رنگی خود را در کنار هم بچینید به صورتی که رنگ‌های مشابه کنار هم باشند. آیا نتیجه شبیه به ترتیب رنگ‌های رنگین کمان نیست؟ سعی کنید با رعایت همین ترتیب رنگ‌ها روی کاغذ یک رنگین کمان ترسیم کنید. فکر کنید کدام یک از رنگ‌هایی که شما دارید در رنگین کمان به کار نمی‌رود. به نقاشی‌های صفحه بعد از درختان نگاه کنید. هر کدام از این نقاشی‌ها با رنگ‌های هم‌خانواده انجام شده‌اند. شما هم می‌توانید با رنگ‌های هم‌خانواده یک نقاشی مشابه انجام دهید. می‌توانید از اضافه کردن رنگ‌های سفید و سیاه برای تنوع دادن به رنگ‌های خود استفاده کنید. در این نقاشی‌ها هر چه درختان جلوتر هستند روشن‌تر و هر چه دورتر باشند تیره‌تر می‌شوند.





هنرمندان ایرانی از چندین هزار سال پیش، نقش‌های مختلفی روی دیواره‌های سنگی، ظرف‌های سفالی و اشیای فلزی کشیده‌اند. به همین دلیل، بسیاری از این آثار به صورت تک رنگ‌اند.



گروه انسان‌ها و دام‌ها، دو گاو میش، سوارکار، غار دوشه، لرستان، حدود ۹ هزار سال پیش.

خودارزیابی:

♦ با استفاده از رنگ‌های خالص، ناخالص و خاکستری تر نقاشی کنید و آنها را با یکدیگر مقایسه کنید.





درس سوم رنگ‌های فرعی

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ♦ رنگ‌های فرعی را بشناسید و تفاوت آنها با رنگ‌های اصلی را بیان کنید.
- ♦ رنگ‌های مکمل را در روی چرخه رنگ شناخته و بنابر نیازها و اهداف خود در خلق آثار هنری مختلف، آنها را بسازید.
- ♦ با استفاده از رنگ‌های فرعی، نقاشی کنید.

فکر کنید:

حتماً تا به حال بعد از باران یک رنگین کمان دیده‌اید. آیا ترتیب رنگ‌های رنگین کمان را می‌دانید؟ تصویر زیر را ببینید و بگویید کدام رنگ‌ها در کنار هم قرار دارند.



در طیف رنگی زیر هم رنگ‌های هم خانواده در کنار هم قرار گرفته‌اند. آیا می‌توانید جای رنگ‌های اصلی را در این طیف مشخص کنید؟ آیا تغییر رنگ‌های طیف به صورت یکنواخت است؟ می‌بینیم که رنگ‌های اصلی در روی طیف به آهستگی تغییر می‌کنند تا به رنگ‌های دیگر تبدیل شوند.



حال به تصاویر رنگی زیر نگاه کنید. در هر شکل دو دایره با رنگ‌های اصلی قرار دارند. در وسط رنگ‌های اصلی با هم ترکیب شده‌اند و رنگ‌هایی دیگر را تولید کرده‌اند. آیا می‌توانید بگویید کدام رنگ‌ها از ترکیب رنگ‌های اصلی تولید شده‌اند؟ این سه رنگ، نارنجی، سبز و بنفش هستند. به اینها رنگ‌های فرعی یا ثانویه می‌گویند. در تصویر زیر ترکیب این رنگ‌ها را می‌بینیم. از ترکیب قرمز و زرد رنگ نارنجی، از ترکیب زرد و آبی رنگ سبز و از ترکیب آبی و قرمز رنگ بنفش به دست می‌آید. البته معمولاً در رنگ‌های مورد استفاده ما این رنگ‌ها به صورت آماده و خالص وجود دارند.



حال به چرخه رنگی زیر نگاه کنید. این چرخه رابطه میان رنگ‌های اصلی و فرعی را نشان می‌دهد. می‌توانید بگویید کدام رنگ‌ها روی این چرخه در مقابل هم قرار دارند؟ می‌توانید این رنگ‌ها را نام ببرید؟ این رنگ‌ها نارنجی و آبی، قرمز و سبز، زرد و بنفش هستند. این رنگ‌های روی چرخه رنگ از هم دور هستند و تفاوت رنگی زیادی با هم دارند. به این زوج‌های رنگی، رنگ‌های مکمل می‌گویند.



حال به نقاشی‌های زیر نگاه کنید. نقاشی سمت راست با یک رنگ آبی و ترکیب سیاه و سفید نقاشی شده است. نقاشی سمت چپ با ترکیب رنگ آبی و رنگ مکملش نارنجی انجام شده است. چه تفاوتی در صحنه نمایش داده شده حس می‌کنید؟ رنگ‌ها در تصویر سمت چپ زنده و غنی‌تر به چشم می‌آیند. به نظر رنگ آبی باعث شدیدتر شدن رنگ نارنجی می‌شود و رنگ نارنجی هم همین تأثیر را روی رنگ آبی دارد.



استفاده از رنگ‌های مکمل در نقاشی یکی از راه‌هایی است که باعث می‌شود مجموعه رنگ‌ها درخشان‌تر و شدیدتر به نظر بیایند. بسیاری از هنرمندان از تأثیر متقابل رنگ‌های مکمل برای جذاب‌تر شدن آثار خود استفاده کرده‌اند. به نگاره زیر سمت چپ نگاه کنید. در کدام قسمت‌های نگاره هنرمند از رنگ‌های مکمل استفاده کرده است؟ آیا می‌توانید رنگ‌های مکمل استفاده شده در این نقاشی را نام ببرید؟ در نقاشی سمت راست نیز هنرمند از رنگ‌های مکمل قرمز و سبز استفاده کرده است. به نظر شما این نقاشی مدرن به نگاره‌های شرقی شبیه است؟ می‌بینیم که فرم‌های گیاهی این نقاشی مانند نقوش گیاهی در نگارگری ایرانی است. به این نقوش اسلیمی گفته می‌شود.



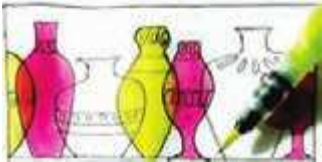
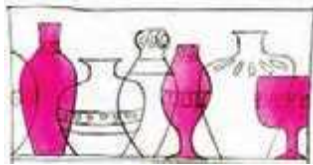
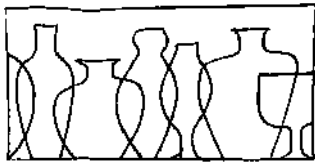
بخشی از نگاره «داستان هوشنگ» از شاهنامه تهماسبی هنر صفوی، قرن یازدهم هجری قمری. «اتاق قرمز» اثر هنری مائیس. هنرمند فرانسوی، قرن بیستم میلادی.

برخلاف هم‌نشینی رنگ‌های مکمل که باعث تشدید رنگ‌ها می‌شود، ترکیب دو رنگ مکمل باعث ایجاد مایه‌های خاکستری متنوعی از رنگ می‌شود. در نقاشی‌های زیر هنرمندان از این خصوصیت رنگ‌های مکمل برای بیان فضایی آرام و خاموش استفاده کرده‌اند.



نقاشی «دو بندباز» اثر پابلو پیکاسو، هنرمند اسپانیایی، قرن بیستم میلادی. سمت چپ نقاشی «گل‌های آفتابگردان» اثر ونسان ون گوگ، نقاش هلندی، قرن بیستم میلادی.

نقاشی کنید:



مانند تصاویر روبه‌رو طرح ساده‌ای از ظروف شیشه‌ای ترسیم کنید. به صورتی که بخش‌هایی از این ظروف روی هم قرار بگیرند. به وسیله ماژیک یا جوهر رنگی با رنگ‌های اصلی این ظروف را رنگ آمیزی کنید. در بخش‌هایی که دو رنگ روی هم قرار می‌گیرند، رنگ‌های فرعی تولید می‌شود.

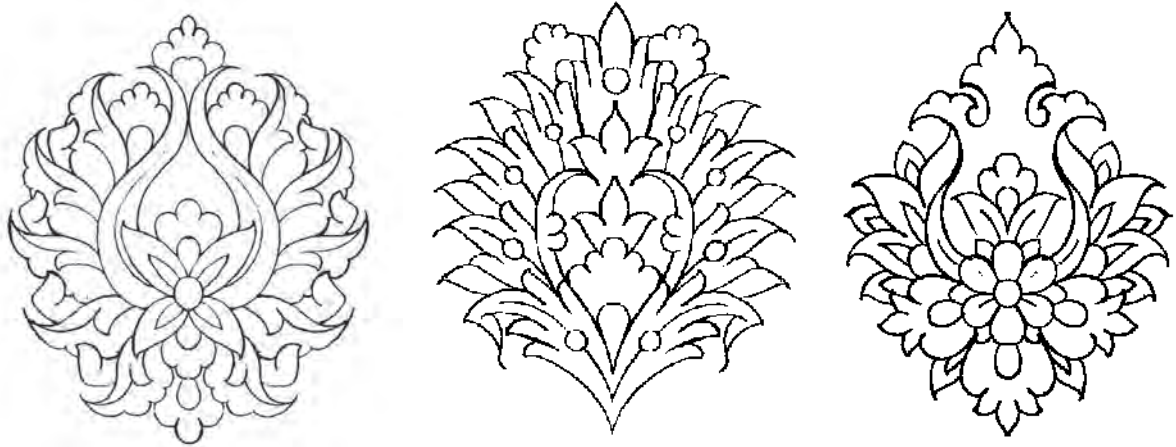
مانند تصاویر زیر اشیا و پدیده‌های ساده و طبیعی با رنگ‌های مکمل پیدا کنید و به وسیله رنگ‌های مکمل نقاشی کنید. می‌توانید هر شیء را روی پس زمینه‌ای به رنگ مکملش قرار بدهید. سعی کنید که رنگ‌های مکمل با هم ترکیب نشوند.



منظره‌های ساده‌ای از خانه‌های روستایی ترسیم کنید. این خانه‌ها را با استفاده از رنگ‌های مکمل متفاوت رنگ کنید. می‌توانید از رنگ‌های خاکستری و ترکیب رنگ‌های مکمل هم استفاده کنید. می‌توانید ببینید که از ترکیب دو رنگ مکمل مایه‌های خاکستری ایجاد می‌شود.



طرح‌های زیر را با دقت مشاهده کنید. از روی این طرح‌ها یا با الهام از آنها نقش‌هایی سنتی طراحی کنید. این نقش‌ها را با استفاده از رنگ‌های اولیه و رنگ‌های فرعی رنگ آمیزی کنید. سعی کنید به صورتی رنگ‌ها را به کار ببرید که درخشان‌تر به نظر بیایند.



آیا می‌توانید نمونه‌هایی از اشکال بالا را در میراث فرهنگی و هنری خود پیدا کنید؟



▲ از راست به چپ: زری بافی، مخمل بافی با گل برجسته، قالی بافی.

خودارزیابی:

♦ با استفاده از رنگ‌های فرعی و مکمل نقاشی کنید و خلاقیت‌های هنری خود را با دوستان خود مقایسه و درباره آنها با یکدیگر صحبت کنید.





درس چهارم تضادهای رنگی

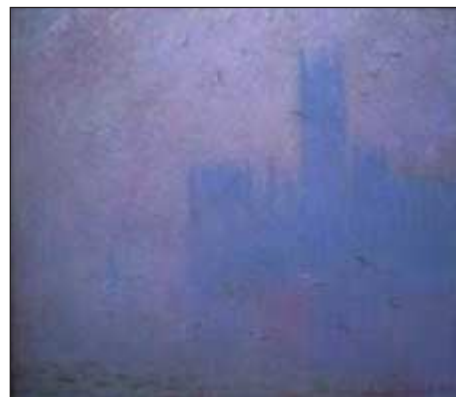
در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ♦ با شناخت خصوصیات روشنایی و تیرگی میان رنگ‌ها و با استفاده از تضاد میان آنها نقاشی کنید.
- ♦ تضادهای مختلف رنگی مانند فام رنگی، شدت رنگی و رنگ‌های مکمل را بشناسید و بتوانید با توجه به اهداف خود در نقاشی از آن استفاده کنید.
- ♦ با شناخت رنگ‌های سرد و گرم و استفاده درست و مناسب از آنها نقاشی کشیده و بیان هنری مناسبی از موضوع مورد نظر داشته باشید.

فکر کنید:

به نقاشی‌های زیر نگاه کنید. این نقاشی‌ها نماهای متفاوتی از یک بنا را در زمان‌های مختلف نشان می‌دهند. می‌توانید بگویید رنگ‌های این تصاویر چه تفاوتی با هم دارند؟ می‌بینیم که رنگ‌های تصویر سمت راست کم‌رنگ‌تر از تصویر سمت چپ هستند. برای همین هم شکل ساختمان در تصویر سمت چپ واضح‌تر به نظر می‌آید. دلیل این امر تضاد روشنایی و تیرگی در این نقاشی می‌باشد. تفاوت میان رنگ سیاه و سفید شدیدترین تضاد روشنایی است.

سری نقاشی
از «ساختمان
مجلس» اثر کلود
مونه، هنرمند
فرانسوی، قرن
نوزدهم میلادی.



دلیل دیدن رنگ‌ها در طبیعت وجود تفاوت در ویژگی‌های آنهاست. این تضاد باعث می‌شود که چشمان ما چیزهای مختلف را از هم تشخیص دهد. ما یک رنگ سبز را از رنگ آبی به دلیل تضاد فام رنگی تشخیص می‌دهیم. به دلیل همین تفاوت میان رنگ‌ها است که آنها را با نام‌های متفاوت می‌نامیم.



حتماً تا امروز در یک هوای بارانی در طبیعت گردش کرده‌اید. هنگامی که هوا ابری است رنگ‌ها چه تغییری می‌کنند؟ دو تصویر زیر یک منظره را در هوای ابری و هوای آفتابی نشان می‌دهد. کدام یک از این منظره‌ها رنگین‌تر است؟ می‌بینیم که رنگ‌ها در هوای آفتابی درخشان و رنگین‌تر به نظر می‌آیند و در هوای بارانی خاکستری‌تر هستند. می‌توانیم بگوییم رنگ‌ها در این تصویر تضاد شدت رنگی بیشتری دارد.



آیا می‌توانید رنگ‌های گیاهان در تصاویر زیر را نام ببرید؟ می‌بینیم که رنگ‌های هر تصویر مکمل هم هستند. تفاوت میان این رنگ‌ها را تضاد رنگ‌های مکمل می‌نامیم. این تضاد شدیدترین تضاد رنگی است.



دو گروه رنگی در چرخه‌های روبه‌رو را مشاهده کنید. به نظر شما کدام گروه از رنگ‌ها احساس فضای گرم‌تری دارد؟ کدام رنگ‌ها سردتر به نظر می‌رسد؟ طیف رنگ‌های بنفش، آبی تا سبز رنگ‌های گام سرد نامیده می‌شوند. همین‌طور طیف رنگ‌های ارغوانی، قرمز، نارنجی تا زرد رنگ‌های گام گرم نامیده می‌شوند. تفاوت این رنگ‌ها را تضاد رنگی سرد و گرم می‌نامند.



نقاشی کنید:

به تصاویر زیر نگاه کنید. تصاویر مشابهی از آثار هنری پیدا کنید. جدولی از رنگ‌های این تصاویر به ترتیب تیرگی به روشنی ترسیم کنید. تعداد خانه‌های جدول را با توجه به رنگ‌های تصویر مشخص کنید. تیره‌ترین و روشن‌ترین رنگ جدول را در ابتدا مشخص کنید.



مطابق با تصاویر زیر، اشیای ساده‌ای را در مقابل یک منبع نور قرار دهید به صورتی که نور و سایه‌های مشخصی تشکیل شود. یک زوج رنگ مکمل را به دلخواه انتخاب کنید. بخش نور را با یک رنگ و سایه‌ها را با رنگ مکملی که انتخاب کرده‌اید رنگ کنید. می‌توانید برای بخش نور، رنگ روشن‌تر و برای بخش سایه‌ها رنگ تیره‌تر را انتخاب کنید. می‌توانید همین تمرین را با زوج‌های مکمل مختلفی انجام دهید.



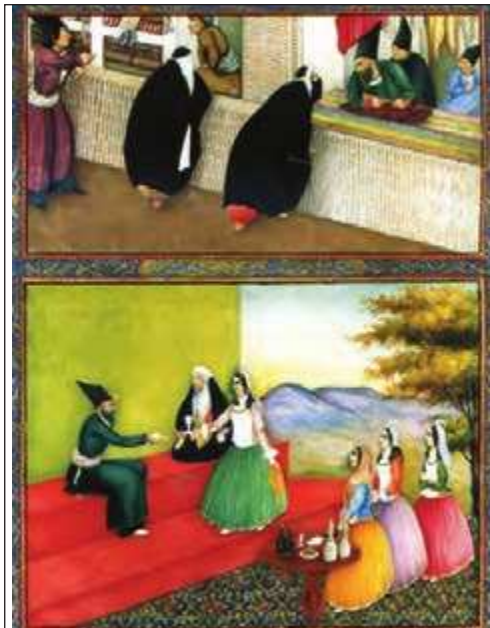
رنگ‌ها را مقابل خود بچینید و بر اساس رنگ‌های سرد و گرم به دو گروه تقسیم کنید. حال به دلخواه خود با رنگ‌های سرد یک نقاشی بکشید. همان نقاشی را این بار با رنگ‌های گرم انجام دهید. می‌توانید از برخی رنگ‌های میانی مانند بنفش و ارغوانی در هر دو نقاشی استفاده کنید.





تنوع و خلوص رنگ‌ها یکی از ویژگی‌های نقاشی ایران است. در این آثار، ظرافت خاصی در طرح‌ها و اجرای نقش‌ها و هماهنگی بی‌نظیری در رنگ‌ها دیده می‌شود. نگارگری ایرانی پس از اسلام اغلب در اندازه‌های کوچک و برای تصویرگری کتاب‌های مهمی مانند شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی کشیده شد. به ترکیب رنگ‌ها در تصاویر زیر دقت کنید. سعی کنید آنچه تاکنون از روابط رنگی آموخته‌اید مانند رنگ‌های تیره و روشن، رنگ‌های مکمل و یا رنگ‌های گرم و سرد را در این نگاره‌ها پیدا کنید.

روایت اجماع پرندگان از کتاب منطق الطیر اثر حبیب‌الله، هنر اصفهان، قرن یازدهم هجری قمری.



تصویرگری کتاب هزار و یک شب اثر صنیع الملک، هنر قاجار، قرن سیزدهم هجری قمری.



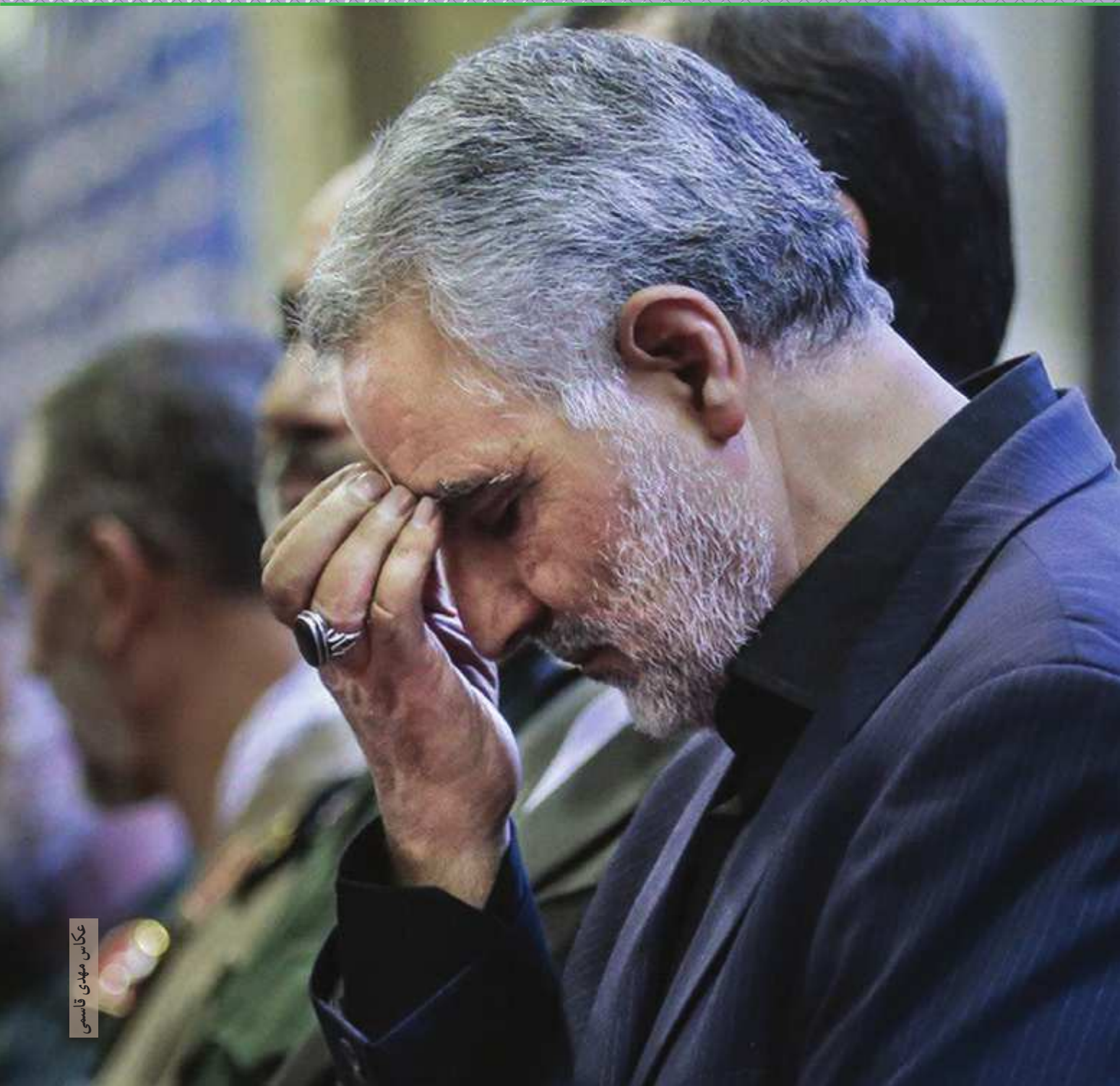
برگی از شاهنامه طهماسبی، داستان ضحاک، اثر میرمصور، مکتب دوم تبریز، قرن دهم هجری قمری.

خودارزیابی:

♦ با استفاده از رنگ‌های گرم و سرد نقاشی کنید و درباره آنها با هم کلاسی‌های خود صحبت کنید.



فصل سوم عکاسی





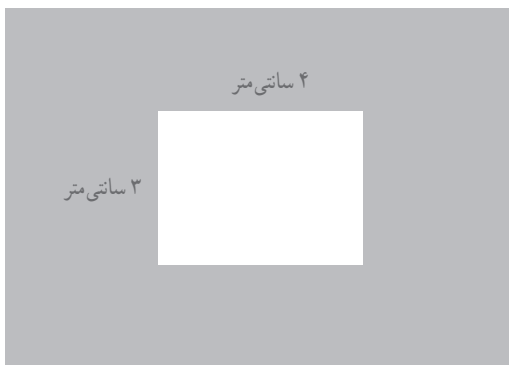
درس اوّل منظره یاب

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود :

- ◆ تفاوت بین مشاهده با پیرابند(کادر) و بدون آن را بیان کنید.
- ◆ مهارت مشاهده واقیعت‌ها با استفاده از منظره یاب را پیدا کنید.
- ◆ مفهوم دید عکاسی را درک کنید.
- ◆ نیازها، استعدادها و توانایی‌های خود را بشناسید.
- ◆ توانایی انجام دادن کار گروهی را به دست آورید.
- ◆ به زیبایی‌های طبیعت، که بخشی از خلقت خداوند است، توجه کنید و با استفاده از پیرابندهای جدید آنها را به معرض نمایش بگذارید.

فکر کنید:

به نظر شما با چه روش‌هایی می‌توان واقیعت را ثبت کرد؟ یکی از روش‌های ثبت واقیعت، عکاسی است. دوربین عکاسی بخشی از واقیعت را از زاویه‌ای خاص ثبت می‌کند که عکاس انتخاب کرده است. برای درک تفاوت دید معمولی و دیدن از چشمی دوربین عکاسی، ابتدا لازم است با مقوا یک منظره یاب درست کنید. مطابق شکل، از داخل یک مقوای A4 (۲۹۷×۲۱۰ میلی‌متر) یک مستطیل با اضلاع ۳×۴ سانتی‌متر (۴۰×۳۰ میلی‌متر) درآورید.



▲
پیرابند مستطیل.



تجربه کنید:



◆ از درون پیرابند مستطیل به اطراف خود بنگرید؛ شکل‌ها را چگونه می‌بینید؟

به حیاط مدرسه بروید و هرچیز زیبا و جالب توجهی را یک بار بدون پیرابند و بار دیگر از درون پیرابند مستطیل ببینید. این دو دید را با هم مقایسه کنید. با هم کلاسی‌هایتان در مورد تفاوت این دو دید گفت‌وگو کنید.

به نظر شما دیدن از درون پیرابند چه ویژگی‌هایی دارد؟

پیرابند مستطیل شکلی که با آن به محیط اطراف خود نگاه می‌کردید، مانند چشمی یا منظره‌یاب دوربین‌های عکاسی است که بخشی از واقعیت پیش روی شما را از فضای اطراف جدا می‌کند. دوربین، چیزی را ثبت می‌کند که عکاس انتخاب کرده‌است. در درس‌های بعدی با دوربین عکاسی و قسمت‌های مختلف آن بیشتر آشنا می‌شوید. همچنین، دقیق دیدن و انتخاب کردن بخش‌هایی از آنچه در اطراف شماست و شیوه عکس گرفتن را تجربه خواهید کرد.

خودارزیابی:

◆ چگونه منظره‌یاب در عکاسی از موضوع به شما کمک می‌کند؟ عکس‌های زیر را ببینید و چگونگی قرارگیری آنها را در منظره‌یاب دوربین با هم مقایسه کنید.



▲ قرارگیری موضوع در پیرابند در اندازه کوچک‌تر
عکاس: علیرضا فاتحی بروجنی.



▲ قرارگیری موضوع در پیرابند در اندازه بزرگ‌تر
عکاس: علیرضا فاتحی بروجنی.



درس دوم دوربین های تمام خودکار

در پایان این درس از شما انتظار می رود :

- ◆ با قسمت های مختلف دوربین های تمام خودکار آشنا شوید.
- ◆ مهارت لازم را در استفاده از دوربین های تمام خودکار پیدا کنید.
- ◆ تفاوت بین مشاهده با منظره یاب و مشاهده واقیعت را بیان کنید.
- ◆ مهارت استفاده از منظره یاب دوربین را به دست آورید.
- ◆ بتوانید در مورد آفرینش های هنری خود و دوستانتان صحبت کنید.
- ◆ توانایی انجام دادن کار گروهی را پیدا کنید.

فکر کنید:



آیا می دانید دوربین های عکاسی قدیمی با دوربین های جدید چه شباهت ها و چه تفاوت هایی دارند؟ آیا می دانید استفاده از دوربین های جدید چه مزیت هایی دارد؟ امروزه دوربین های تمام خودکار این امکان را به وجود آورده اند که همه بتوانند به راحتی عکاسی کنند. به یک دوربین تمام خودکار به دقت نگاه کنید. از چه بخش هایی تشکیل شده است؟ هریک از این بخش ها چه کاری انجام می دهد؟

عکاسی کنید:

دوربین را روشن کنید. از داخل منظره یاب به محیط اطراف نگاه و موضوع دلخواه خود را انتخاب کنید. ساده ترین روش عکس گرفتن این است که دوربین را در حالت Program یا Auto قرار دهید. در این حالت، دوربین به صورت تمام خودکار تنظیم می شود و می توانید با آن به راحتی عکاسی کنید. پس از اینکه موضوع انتخابی را در پیرابند قرار دادید با فشار دادن دکمه، عکس بگیرید و تصویر مورد نظر خود را ثبت کنید.

خودارزیابی:

♦ به چند روش می‌توانید موضوع را در پیرابند قرار دهید؟ عکس‌های زیر را با هم مقایسه کنید.



▲ پیرابند افقی.



▲ پیرابند عمودی.

بیشتر بدانید:

آیا تا به حال به نخستین عکسی که در کشور ما، به ثبت رسیده است اندیشیده‌اید؟ دکتر شهریار عدل معتقد است اولین عکسی که در ایران به ثبت رسیده است مربوط به زمان سلطنت محمدشاه قاجار بوده و در آذر ماه سال ۱۲۲۱ هجری شمسی گرفته شده است. عکس مذکور توسط نیکلای پاولوف^۱ دیپلمات جوان روس در کاخ سلطنتی تهران به شیوه داگرتوتیپ از شاه و درباریان گرفته شده است. داگرتوتیپ از نخستین فرایندهای ثبت عکس در جهان می‌باشد، لازم است بدانید که نتیجه عکس‌هایی که به شیوه داگرتوتیپ به ثبت می‌رسیده‌اند به طور کامل با آنچه که ما امروزه به نام عکس می‌شناسیم متفاوت بوده است. اما به نظر یحیی ذکاء (پژوهشگر در حوزه هنر) نخستین عکس در ایران در سال ۱۲۲۳ هجری شمسی توسط ژول ریشار^۲ فرانسوی به شیوه داگرتوتیپ گرفته شده است. یکی از دلایل این اختلاف نظر، یافت نشدن هیچ یک از نخستین داگرتوتیپ‌های ثبت شده در ایران تا به امروز می‌باشد. در خصوص شیوه داگرتوتیپ و نخستین عکس به ثبت رسیده در جهان در فضای مجازی تحقیق کنید و نتیجه را با دوستان خود به اشتراک بگذارید.

۱- Nikolay Pavlov

۲- Jules Richard



درس سوم نقطه تأکید

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ◆ نقطه تأکید را در عکاسی بشناسید.
- ◆ با استفاده از نقطه تأکید، عکاسی کنید.
- ◆ تفاوت عکاسی با نقطه تأکید و بدون آن را بیان کنید.
- ◆ درباره آفرینش‌های هنری خود و دوستانتان صحبت کنید.
- ◆ توانایی انجام کار گروهی را کسب کنید.
- ◆ به زیبایی‌های طبیعت، که بخشی از خلقت خداوند است، توجه کنید و از آنها لذت ببرید.

فکر کنید:

آیا تا به حال به گل‌ها دقت کرده‌اید؟ چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارند؟ قسمت‌های مختلف آنها را از نظر شکل، رنگ و بافت با یکدیگر مقایسه کنید.

عکاسی کنید:

یک گل را به عنوان موضوع عکاسی انتخاب کنید. تمام تلاش خود را به کار ببرید و به گونه‌ای عکس بگیرید که توجه بیننده آن بلافاصله متوجه گل مورد نظر شما شود. آیا پس از گرفتن چند عکس به نتیجه مطلوب می‌رسید؟ عکس‌های خود را با عکس‌هایی که هم کلاسی‌هایتان گرفته‌اند، مقایسه کنید و در یک بحث گروهی به سؤال‌های زیر پاسخ دهید:

- ◆ چه چیزهایی به جز گل مورد نظرتان در عکس هست که توجه بیننده را به خود جلب می‌کند؟
- ◆ آیا لازم است به جز موضوع اصلی عکاسی، این چیزها در عکس شما باشند؟
- ◆ حذف آنها از پیرامند عکاسی به دیدن موضوع کمک می‌کند یا به آن آسیب می‌رساند؟
- ◆ به نظر شما و با توجه به مجموعه فعالیت‌های عملی که انجام داده‌اید، نقطه تأکید در عکاسی یعنی چه؟ در این تجربه ما با نقطه تأکید در عکس آشنا شدیم. نقطه تأکید قسمتی از عکس است که بیشترین توجه بیننده را به خود جلب می‌کند؛ مانند گل در عکس‌هایی که گرفته‌اید.

خودارزیابی:

- ♦ از موضوع دلخواه خود به گونه‌ای عکاسی کنید که بیشترین توجه بیننده را جلب کند.
- ♦ عکس‌های روبه‌رو را با هم مقایسه کنید؛ به نظر شما کدام یک بهتر است؟ چرا؟



عکس‌ها از محمد خدادادی مترجم زاده.

به نقطه تأکید هر یک از عکس‌ها توجه کنید و به سؤال‌های زیر پاسخ دهید.

- ♦ به نظر شما چه چیزهایی سبب می‌شود موضوع اصلی بهتر دیده شود یا بیشتر مورد توجه بیننده قرار گیرد؟
- ♦ اگر محل قرار گرفتن موضوع اصلی را در پیرامند جابه‌جا کنید، چه تغییراتی در عکس ایجاد می‌شود؟



عکس از کنایون قدس راد.



عکس از محمد خدادادی مترجم زاده.





عکس‌ها از محمد خادمیان. ▶

بیشتر بدانید:

براساس پژوهش‌های دکتر شهریار عدل و یحیی ذکاء، شاهزاده ملک قاسم میرزا فرزند بیست و چهارم فتحعلی‌شاه قاجار، از نخستین عکاسان پیشگام در ایران بوده است که به فرهنگ و هنر علاقه‌مند بوده است. از داگرتیپ‌های ثبت شده به دست ملک قاسم میرزا نمونه‌ای یافت نشده است، وی در سال ۱۲۶۵ هجری شمسی عکس‌هایی را با روش‌های به‌روز شده در تهران به ثبت رسانده است که تعدادی از این عکس‌ها در آلبوم شماره ۲۳۲ کاخ گلستان موجود می‌باشد. نمونه عکس‌هایی که در ادامه آورده شده است از اولین نمونه عکس‌های ثبت شده در ایران است.



▶ حاج آقا رضا فراش خلوت فتحعلی‌شاه، ناصرالدین شاه زیر عکس نوشته است «تا زمان دولت ما به چهار دولت خدمت کرده است.» آلبوم خانه گلستان.



▶ حاج آقا اسمعیل جدیدالاسلام پیشخدمت باشی. عکس از ملک قاسم میرزا! ۱۲۶۶ ه.ق: آلبوم خانه گلستان.



درس چهارم نور

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ◆ تأثیر انواع نور را در عکاسی بشناسید.
- ◆ تفاوت عکاسی در نور طبیعی و عکاسی در نور مصنوعی را بیان کنید.
- ◆ تفاوت عکس‌های گرفته شده در نور طبیعی و مصنوعی را بیان کنید.
- ◆ با توجه به موضوع مورد نظر، مهارت استفاده از نور مطلوب را پیدا کنید.
- ◆ دربارهٔ آفرینش‌های هنری خود و دوستانتان صحبت کنید.



فکر کنید:

آیا می‌دانید برای عکاسی چه نوع نوری لازم است؟ نور شدید یا ضعیف؟ نور طبیعی یا مصنوعی؟ میزان نور بر عکاسی چه تأثیری دارد؟
 دو عکس روبه‌رو از گنبد سلطانیه را با هم مقایسه کنید.
 برای اینکه به سؤال‌های بالا پاسخ دهید، تجربه‌هایی را که در درس‌های قبل به دست آورده‌اید را به یاد آورید.
 پس از تجربهٔ عکاسی در فضای باز و استفاده از نور خورشید، می‌توانید با ویژگی‌های عکاسی در نور مصنوعی آشنا شوید.

عکاسی کنید:

در فضای داخل اتاق از موضوع انتخابی خود عکاسی کنید. ابتدا موضوع را کنار پنجره قرار دهید و دوربین خود را در محلی ثابت کنید؛ به گونه‌ای که در طول عکاسی (چندین عکس در ساعت‌های مختلف) تغییری در پیرایه شما ایجاد نشود. بار اول در نور روز از آن عکاسی کنید، سپس چند ساعت بعد، بدون اینکه تغییری در پیرایه شما ایجاد کنید، چراغ اتاق را روشن کنید و یک بار دیگر از آن عکس بگیرید. عکس سوم را پس از

غروب خورشید و با نور چراغ بگیرید . هنگام عکاسی، وضعیت نوری هر عکس را یادداشت کنید. این سه عکس را با هم مقایسه کنید و با هم کلاسی‌های خود دربارهٔ موارد زیر گفت‌وگو کنید :

این سه عکس چه تفاوت‌هایی دارند؟ آیا رنگ موضوع در این سه عکس، مشابه است؟ آیا هنگام عکاسی در نور مصنوعی مشکلی برای شما به وجود آمد؟ اگر پاسخ مثبت است، چه کاری برای برطرف کردن آن انجام دادید؟

خودارزیابی:

♦ تأثیر نورهای مختلف را در عکس‌های زیر بررسی کنید.



▲ خانه سوکیاس (اصفهان)، عکاس: سروش کیایی.

بیشتر بدانید:



▲ حاجی ملاهادی سبزواری، عکس از آقا رضا: ۱۲۸۴ هـ.ق؛ سبزواری؛ آلبوم‌خانه گلستان.

به دلیل علاقهٔ ناصرالدین شاه قاجار به عکاسی، موجبات آموزش فردی با استعداد در زمینهٔ عکاسی از سوی دربار فراهم گردیده و عمارتی با نام عکاسخانه به امر عکاسی اختصاص یافت. آقا رضا اقبال السلطنه (۱۳۰۷-۱۲۵۹) نخستین عکاس حرفه‌ای ایران و عکاس باشی مخصوص ناصرالدین شاه بود. در سال ۱۲۸۰، ناصرالدین شاه به آقا رضا لقب عکاس باشی را اعطا می‌کند. عکس‌های زیادی از آقا رضا (شامل عکس‌هایی از ملاهادی سبزواری، قم، اصفهان، کرمانشاه، باغ فین، کاخ گلستان، فیروزکوه، دماوند، تنگه‌واشی و ...) در آلبوم‌خانه کاخ گلستان باقی مانده است.

بخش دوم

آشنایی با برخی
اصطلاحات
و ابزارهای خوشنویسی

فصل اوّل

پیدایش و سیر تحول
هنر خوشنویسی و
آموزش سطر نویسی
نستعلیق

فصل دوم

خوشنویسی



مقدمه

به نام او که زیباست و زیبایی را دوست دارد.

پیدایش خط، که وسیله انتقال پیام‌ها و مفاهیم است، شاید پیشینه‌ای نزدیک به مبدأ تاریخ بشری داشته باشد و هنر خوشنویسی، که از دل این پدیده شگرف و تأثیرگذار در زندگی بشر به وجود آمده، جلوه خیال انسان در نگارش حروف و کلمات است و همین امر خط را زیبا، دوست داشتنی و ماندگار می‌کند.

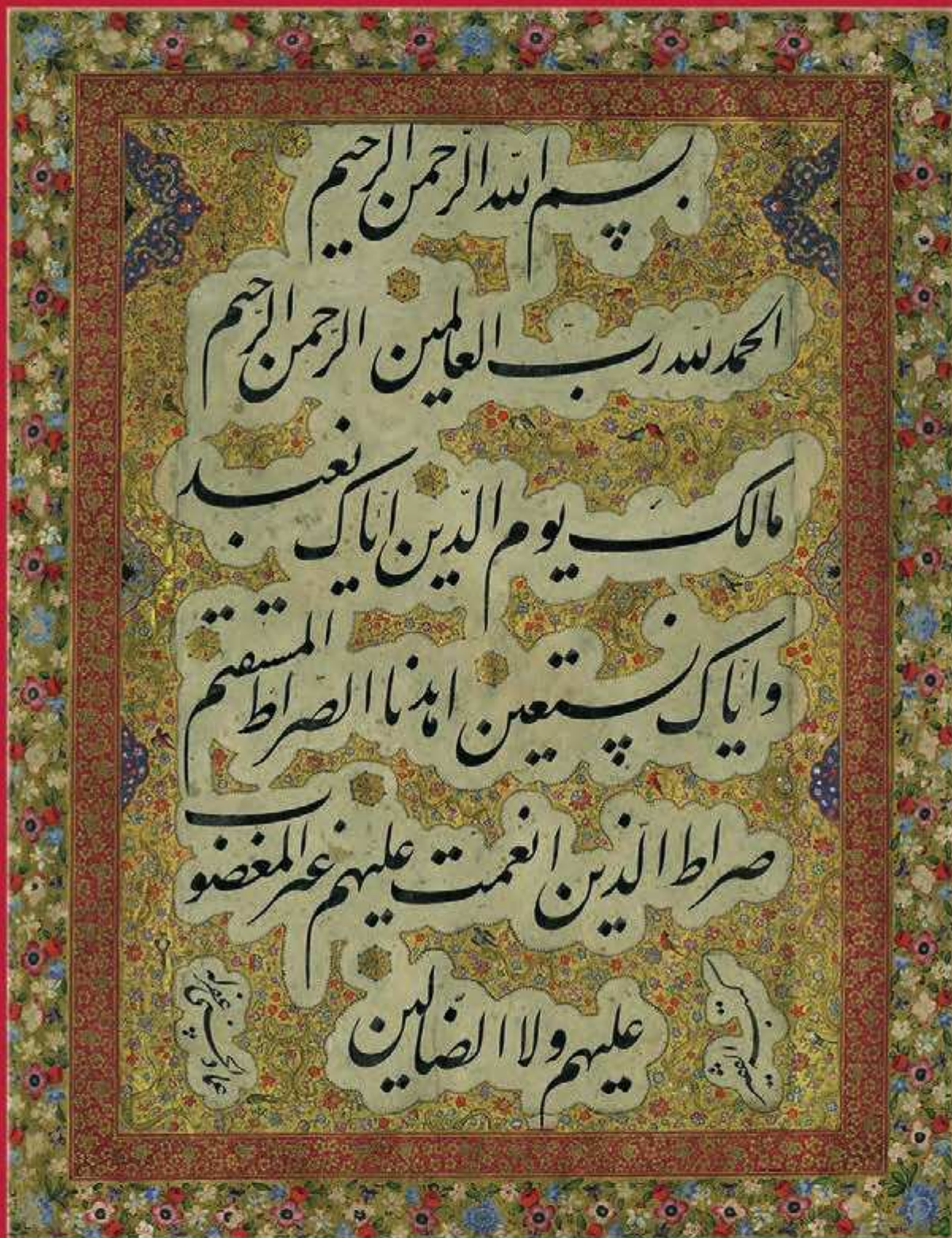
عشق و علاقه هر ایرانی به هنر و ذوق سرشار و نبوغی که نسل‌های مختلف در یادگیری و پیشبرد و تکامل خوشنویسی به کار بسته‌اند، این هنر اصیل را به جایگاهی رسانده است که همگان خود را نیازمند داشتن خطی خوش می‌دانند و برای فراگیری آن می‌کوشند.

در این بخش از کتاب، نخست شما را با ابزارهای اصلی خوشنویسی آشنا می‌سازیم و بعد به توضیح برخی اصطلاحات کاربردی در آموزش این هنر می‌پردازیم.

آموزش عملی خوشنویسی از درس دوم آغاز می‌شود و هم‌زمان، آموزش خط درشت (نستعلیق) و خط ریز (نستعلیق تحریری) ارائه می‌گردد. همچنین، شما در هر درس با یکی از انواع خط آشنا خواهید شد.

امیدواریم خلاصه‌گویی و سادگی در تألیف و تحریر، دریچه‌ای به روی شما بگشاید و شما را برانگیزد تا «هنر خوشنویسی» را، که به دلیل ارتباط پیوسته با آیات کتاب الهی و احادیث و مفاهیم عرفانی، «هنر قدسی» نام گرفته است و تأثیر بسزایی در پرورش شخصیت و کسب صفات خوب دارد تا مدارج عالی دنبال کنید.





سورة حمد به خط نستعلیق / اثر حضرت استاد میرعماد الحسنی (۱۰۲۴-۹۶۱ ق) / موزة ملی ایران

فصل اوّل

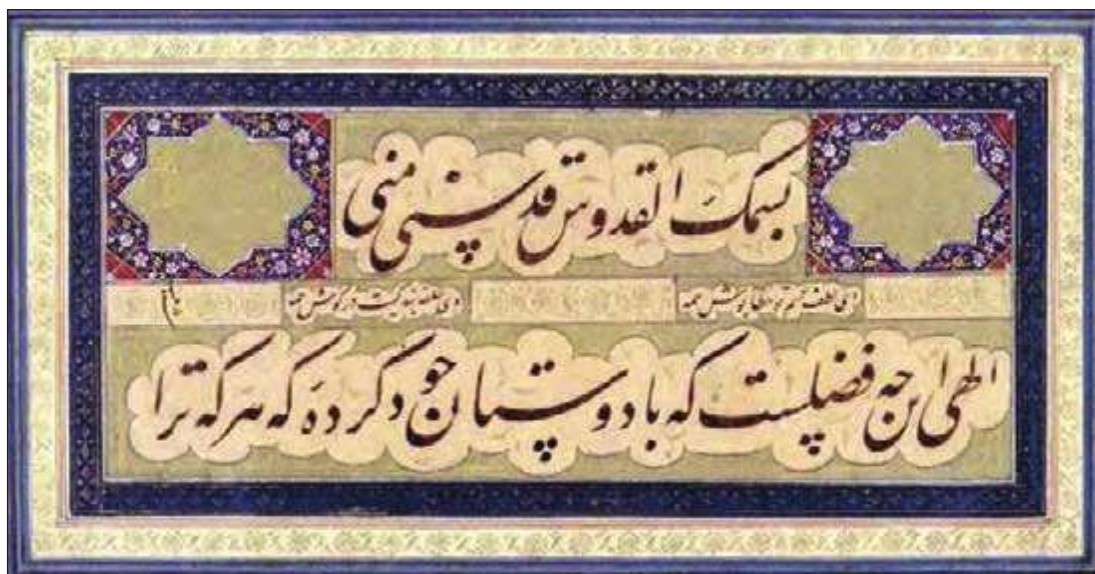
آشنایی با برخی اصطلاحات و ابزارهای خوشنویسی

در پایان این فصل از شما انتظار می‌رود:

- ◆ نحوه صحیح دست گرفتن قلم را آموخته باشید.
- ◆ اصطلاحات کاربردی در آموزش خوشنویسی را فرا گیرید.
- ◆ با برخی ابزارهای خوشنویسی آشنا شوید و خصوصیات و کاربرد آنها را بشناسید.
- ◆ به میراث فرهنگی – هنری خود احترام بگذارید و از آنها نگهداری کنید.

فکر کنید:

به نمونه خوشنویسی زیر دقت کنید؛ آیا می‌دانید برای نوشتن آن از چه ابزار و موادی استفاده شده است؟ آیا می‌توانید شبیه این خط بنویسید؟

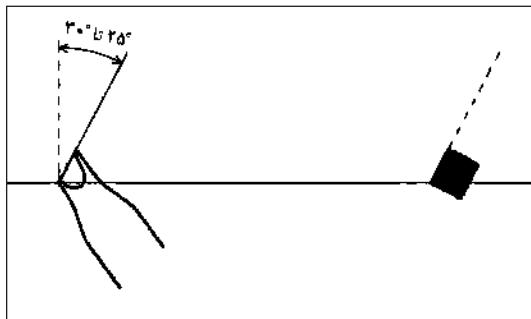


برگی از مناجات نامه خواجه عبدالله انصاری به خط استاد میرعماد الحسنی.

قبل از هر چیز در بخش دوم کتاب فرهنگ و هنر بهتر است با مقدمات تعلیم خوشنویسی شامل چگونگی دست گرفتن قلم، روش های نشستن هنگام مشق و حالت قرار گرفتن کاغذ در مقابل دیدتان و همچنین زاویه قلم گذاری آشنا شوید.

نحوه صحیح دست گرفتن قلم :

قلم را باید با انگشت شست و اشاره گرفت و به انگشت میانی تکیه داد. توجه داشته باشید که نوک انگشتان در بالای قسمت تراش خورده قلم قرار گیرد.
زاویه قلم گذاری : وقتی قلم را روی کاغذ قرار می دهیم دم قلم باید در زاویه ۲۵ تا ۳۰ درجه با صفحه کاغذ قرار گیرد.



حالت قرار گرفتن کاغذ و روش های صحیح نشستن هنگام مشق :

شیوه سنتی خوشنویسی، نشستن روی زمین و نوشتن بر روی کاغذی است که روی پا قرار دارد. بدین شکل که زیر مشقی را با دست چپ گرفته، کاغذ را روی آن قرار می دهیم و روی پای راست که بالاتر از پای دیگر قرار گرفته و شیبی دلخواه به آن داده ایم می گذاریم و می نویسیم (افراد چپ دست بر عکس این روش عمل کنند).

خوشنویسی را می توان روی میز تحریر نیز انجام داد. در این روش بهتر است سطحی شیب دار روی میز و یا در فاصله پا و روی میز تحریر قرار دهیم و زیر دستی را روی سطح شیب دار بگذاریم.

همچنین اگر بخواهیم روی صندلی نشستیم و بدون استفاده از میز تحریر خوشنویسی کنیم. بایستی با استفاده از زیرپایی، مطابق شکل زیر عمل نماییم.

در هر حال بایستی فاصله ۳۰ تا ۴۰ سانتی متری چشم از صفحه رعایت شود و صفحه کاملاً روبه روی صورت قرار گیرد و صاف باشد.



خوشنویسی در حالت نشستنه روی صندلی و پا. ▲



خوشنویسی روی میز تحریر. ▲



خوشنویسی به روش سنتی. ▲

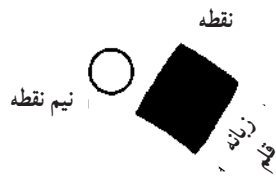


الف) اصطلاحات

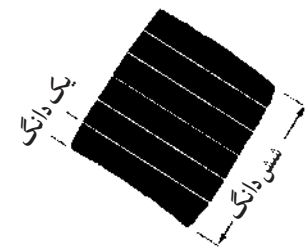
زبانۀ قلم : پهنای سطح دم قلم که پس از قط زدن به وجود می آید را زبانۀ قلم می نامند.



نقطه : اثر حرکت کل پهنای زبانۀ قلم که تقریباً یک مربع را تشکیل دهد نقطه می نامند.



دانگ : دانگ یک اصطلاح خوشنویسی است که برای بیان اندازه به کار می رود. برای فهم بهتر آن می شود گفت کامل هر اندازه ای ۶ دانگ است و یک بخش از شش بخش یا یک قسمت از شش قسمت یک دانگ نامیده می شود؛ مثلاً اگر پهنای هر نقطه را که به اندازه پهنای زبانۀ قلم است، شش قسمت مساوی در نظر بگیریم هر قسمت را یک دانگ همان قلم یا نقطه می نامند.



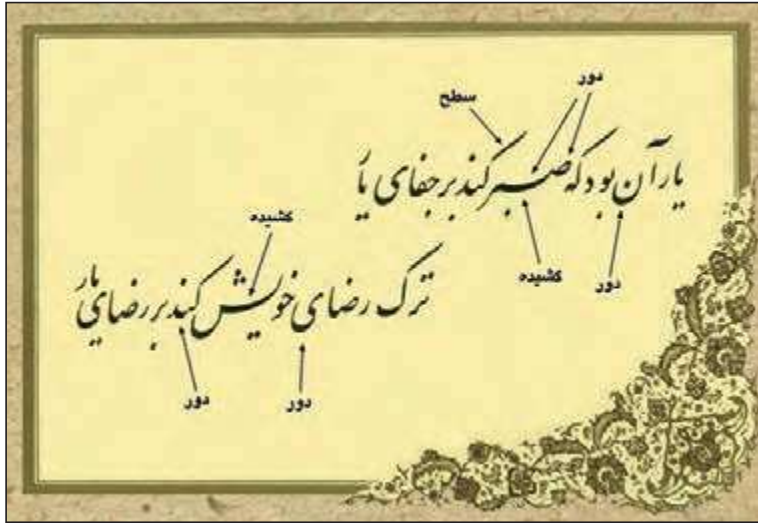
ترکیب : به شکل قرار گرفتن حروف و کلمات نسبت به هم در فضای صفحه، ترکیب گفته می شود. (توجه داشته باشید که ترکیب، اصطلاح خوشنویسی است و در واقع همان شکل است؛ مثلاً وقتی می گوئیم ترکیب سطر، منظور همان شکل سطر نوشته شده است.)

کشیده (مد) : شکل نوشتن برخی از حروف در اندازه بلند و در امتداد افق سطر است که با تمام پهنای زبانۀ قلم (شش دانگ) اجرا می شود.



کرسی : جای قرار گرفتن تک تک حروف و کلمات نسبت به امتداد افق سطر را کرسی می گویند.





سطح: به حرکات راست حروف گفته می‌شود.
دور: حرکت نرم و منحنی‌وار حروف است.

ب) ابزارها

قلم: اصلی‌ترین ابزار خوشنویسی است و مناسب‌ترین گونه آن برای مشق، قلم نی دزفولی است.



قلم دزفولی.

مرکب: ترکیبی با تناسب مشخص از دوده، زاج، مازو و صمغ که به شکل مایع یا خشک است. (توجه: علاوه بر مرکب مشکی که با این ترکیب ساخته می‌شود مرکب‌های رنگی نیز هست که از ترکیب مواد دیگری ساخته می‌شود.)



دوات: به ظرفی که مرکب لایقه‌دار در آن جای می‌گیرد، دوات می‌گویند.



لیقه: به الیاف نخی که درون دوات قرار داده می‌شود و مرکب را به خود می‌گیرد، لایقه می‌گویند. (توجه: بهتر است لایقه از الیاف نخ ابریشم باشد.)

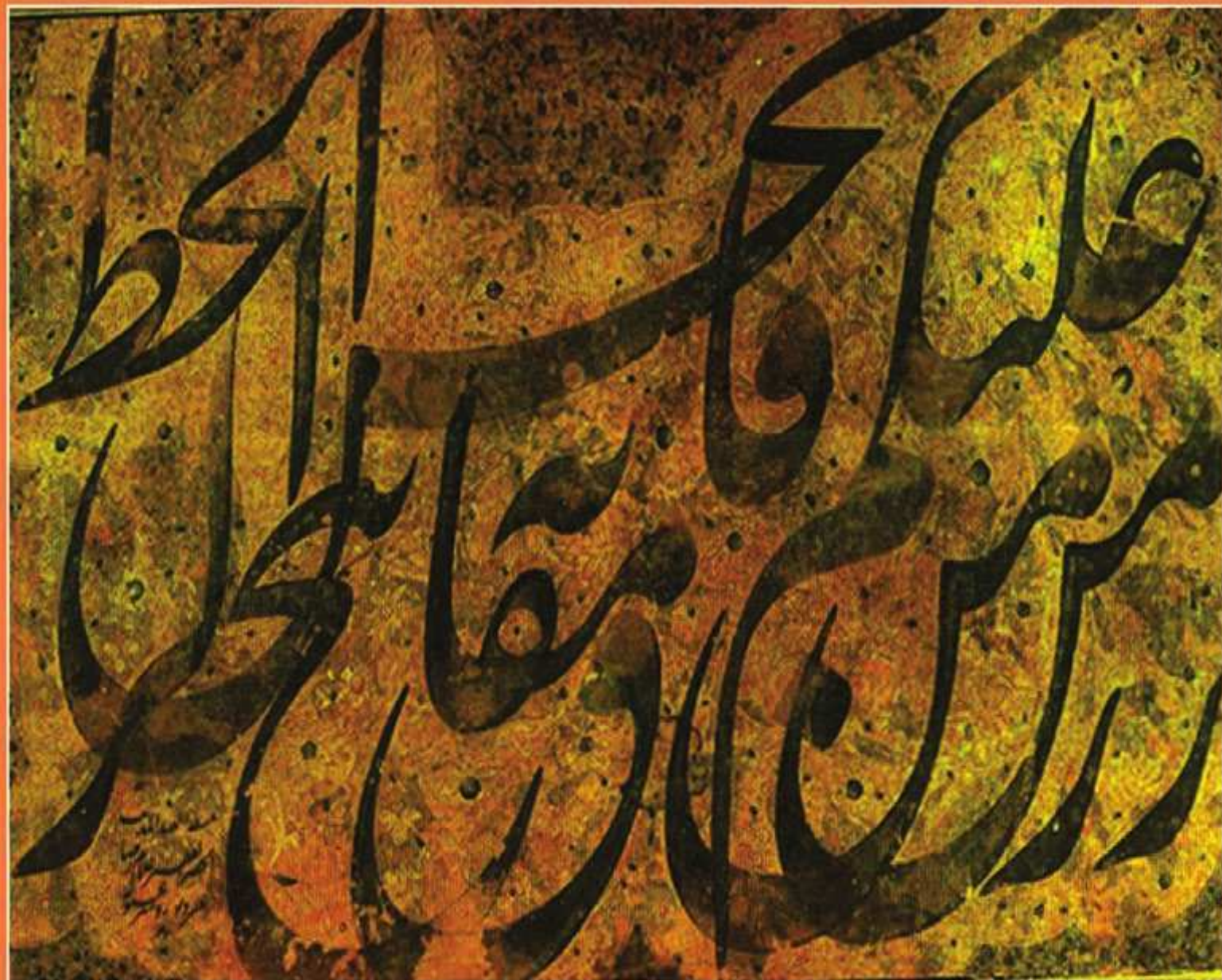
خودارزیابی:

- ♦ پهنای زبان قلم را به چند دانگ تقسیم می‌کنند؟
- ♦ اندازه حروف و کلمات را در خوشنویسی با چه چیزی می‌سنجند؟



پیدایش و سیر تحول هنر خوشنویسی و
آموزش سطر نویسی نستعلیق

فصل دوم





برگی از قرآن کریم به خط کوفی / موزه ملی ایران



معرفی خط کوفی، انواع مشق و مشق سطر نویسی

درس اول

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ◆ خط کوفی را بشناسید.
- ◆ خوشنویسی حروف و کلمات ساده را بیاموزید.
- ◆ به میراث فرهنگی - هنری خود احترام بگذارید و از آنها نگهداری کنید.

فکر کنید:

به نمونه خط زیر توجه کنید. آیا نام آن را می‌دانید؟



نمونه‌ای از خط کوفی بدون نقطه - اوایل دوره اسلامی.

پیشینه هنر خوشنویسی و شاخه‌های مختلف آن به روزگار بسیار دور می‌رسد. در این میان، پیدایش هر نوع خط به طور رسمی به یکی از بزرگان تاریخ هنر خوشنویسی نسبت داده شده است؛ اما باید دانست پیدایش هر نوع خط، محصول تجربه جمعی بوده است و شکل‌های اولیه هر خط پیش از اینکه به طور رسمی ابداع و ثبت شود، وجود داشته است.



▲ نمونه استفاده از خط کوفی برای تزئین ظروف.



▲ نمونه استفاده از خط کوفی برای تزئین پارچه.



▲ نمونه استفاده از خط کوفی برای تزئین بناها.

خط کوفی: شکل‌هایی از خطوط، پیش از اسلام در حجاز رواج داشتند، اما پس از اسلام به حوزه‌های تحت نفوذ جهان اسلام نیز راه پیدا کردند و هندسه کامل‌تری یافتند. مجموع این شکل‌ها در شهر کوفه بیشترین تغییر و تکامل را پیدا کرد و به خط کوفی مشهور شد.

خط کوفی، که با ورود اسلام به ایران جانشین خط پهلوی و اوستایی شد تا قرن سوم هجری و کمی بعد از آن برای نگارش به کار می‌رفت اما از قرن پنجم، بیشتر در کتیبه‌نگاری، تزئین ظروف و پارچه‌ها و ... به کار گرفته می‌شد. خط کوفی قدیمی‌ترین نوع خوشنویسی است که تا امروز هم از آن استفاده می‌شود.



در تعریف تخصصی این خط می‌گویند: خط کوفی خطی است که یک دانگ آن دور و پنج دانگ آن سطح است. به شکل روبه‌رو توجه کنید.

به سطر زیر توجه کنید. آیا تا به حال مشق خوشنویسی کرده‌اید؟ آیا می‌دانید چند نوع مشق خوشنویسی وجود دارد؟

انواع مشق خوشنویسی

مشق خوشنویسی سه نوع است: مشق عملی، مشق نظری و مشق خیالی.

مشق عملی همان نوشتن و تمرین کردن است.

مشق نظری نگاه کردن به خط خوب و به خاطر سپردن شکل‌ها و اندازه‌های حروف و کلمات است.

مشق خیالی فکر کردن به این است که چگونه و با چه ترکیب و شکلی بنویسیم. مشق خیالی به مراحل بالای خوشنویسی مربوط است و در این مرحله شما به آن نیاز ندارید.

خوشنویسی کنید:

در این مرحله بیشترین وقت را برای مشق عملی صرف، و سعی کنید این کار را پیوسته انجام دهید. در اوقاتی که فرصت کافی برای نوشتن ندارید، مشق نظری کنید؛ یعنی به سرمشق نگاه کنید و بکشید حالت‌ها و شکل حروف و کلمات و اندازه آنها را به خاطر بسپارید.



ادب آداب دارد

ادب آداب دارد

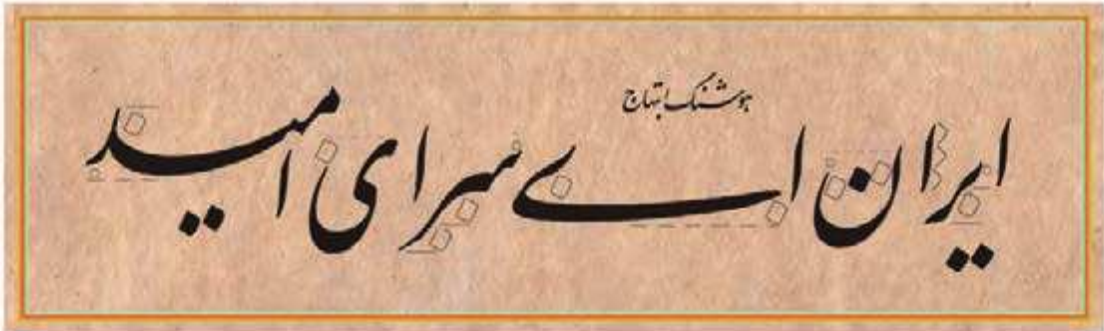


اگر آب زندگی بارد

اگر آب زندگی بارد



ایران سے سرای امید



ا

ا

دیوچو بیرون و دفرشته در آید



ا

و

د

ف

ر

خود ارزیابی:

- ♦ در هر مصرع از سرمشق‌هایی که نوشته‌اید، چند کشیده وجود دارد؟
- ♦ کاربردهای خط کوفی را نام ببرید.



اس ج د در پس شس ص ط ع ف
ق ک ل م ن ہ ل ای پے با س ت ب ح
ب د ب ر ب س شس ص ط ب ع ب ص ن ب ق ک ب ک
ب ل ب م ب ن ب ی ب ہ ب ل ا ن ی نے ج ا ح ب ج ح ج ب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
يَمَّنًا وَنَبْرًا بِذِكْرِ مَنْ جَرَى مِحْكِمَةُ الْفَلَمِ
أَمِنْ تَذَكُّرٍ جِرَانٍ بَدِي سَلَمٍ مَزَجَتْ دَمْعًا
جَرَى مِنْ مَقْلَةٍ بِيَدِهِمْ أَمْ هَبَّتِ الرِّيحُ مِنْ تَلْقَاءِ
كَأْظَمَةٍ وَأَوْمَضَ الْبُرُوقُ فِي الظُّلُمَاءِ مِنْ ضَمِّ
فَمَا لِعَيْنَيْكَ إِنْ قُلْتُ أَكْفَفَاهُمَا وَمَا
لِقَلْبِكَ إِنْ قُلْتُ اسْتَفِيقْ بِهِمْ أَجْحَسِبُ الصَّبْرُ
أَنَّ أَحَبَّ مِنْكُمْ مَا بَيْنَ مِنْجَمٍ مِنْهُ وَمُضْطَرَمِّ
لَوْلَا الْهُوَى لَمْ تَرَوْا دَمْعًا عَلَى طَلْلِ وَلَا أَرِقَتْ
لِذِكْرِ الْبَانِ وَالْعِلْمِ فَكَيْفَ تَنْكَرُ جَابِعِدَ
مَا شَهِدَتْ بِهِ عَلَيْكَ عُدُولُ الدَّمْعِ وَالسَّقَمِ



معرفی خط نسخ و مشق سطر نویسی نستعلیق

درس دوم

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ♦ خط نسخ را بشناسید.
- ♦ مفهوم سطر نویسی را درک و در نگارش آن مهارت بیشتری پیدا کنید.
- ♦ به میراث فرهنگی - هنری خود احترام بگذارید و از آن نگهداری کنید.

فکر کنید:

در درس گذشته با خط کوفی آشنا شدید. آیا نمونه‌های دیگر از گونه‌های خوشنویسی را می‌شناسید؟ به نمونه خوشنویسی روبه‌رو دقت کنید؛ آیا می‌دانید چه نوع خطی است؟



خط نسخ

سطح



دور

ابوعلی محمد بن علی فارسی معروف به ابنِ مُقَلِّه (۳۲۸-۲۷۲ ق) خط نسخ را با الهام از خط کوفی پدید آورد. خط نسخ به دلیل آسانی در خواندن و نوشتن به تدریج جای خط کوفی را در

نگارش گرفت و تا امروز، که نزدیک به هزار سال از پیدایش خط نسخ می‌گذرد، هیچ خطی به اندازه این خط در نگارش به‌ویژه نگارش قرآن کریم، مورد استفاده قرار نگرفته است. خط نسخ را این‌گونه تعریف می‌کنند: دو دانگ دور و چهار دانگ سطح دارد، ارتفاع کلمات آن زیاد نیست و یک کرسی دارد.

سطر نویسی نستعلیق

اولین شکل در آموزش خوشنویسی، سطر نویسی است که اهمیت بسیاری دارد و پایه تمامی قالب‌های دیگر خوشنویسی است. سطر نویسی از سطرهایی با کلمات ساده آغاز می‌شود. در تحریر سرمشق‌ها علاوه بر خوشنویسی با قلم، شکل تحریری (خط ریز) سرمشق نیز آمده است و شما هم‌زمان هر دو شکل را خواهید آموخت. (توجه: لوازم خوشنویسی در خوب نوشتن نقش مهمی دارند؛ پس برای نوشتن از ابزار بهتر استفاده کنید. برای تمرین خط درشت از ابزار خوشنویسی (قلم و مرکب) و برای تمرین خط تحریری فقط از مداد معمولی یا خودنویس استفاده کنید.)

خوشنویسی کنید:

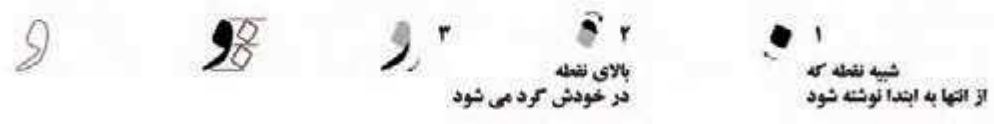
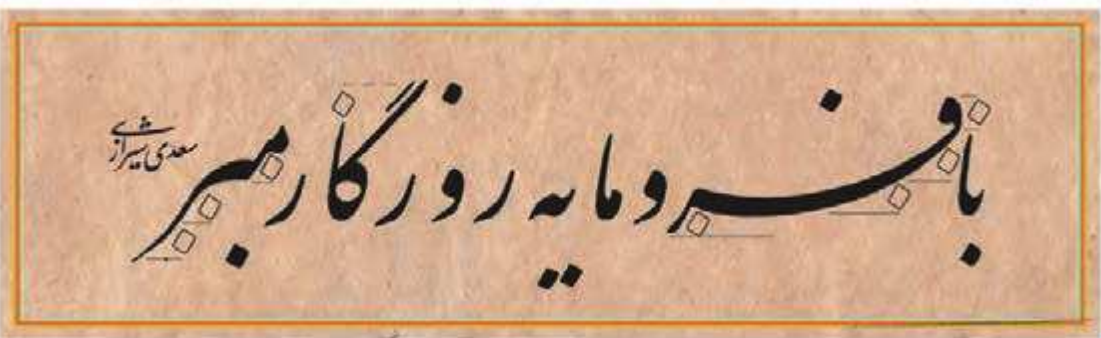
از روی سرمشق‌ها، مشق خوشنویسی عملی و نظری کنید.



همنبر تر از گوهر آمد بدید



باشه و مایه روزگار مبر



نرم نرمک میرسد ایکنک بهما



م

م

م
چهار تا پنج نقطه

۲

نقطه یا شیب کم

توانا بود هر که دانا بود



گ

ک

ک
دو نقطه

۲

۱

خودارزیابی:

- ♦ با کدام خط بیش از هزار سال است که قرآن نگارش می‌شود؟
- ♦ کلمه‌ای که در سطر «نرم نرمک ...» برای کشیده انتخاب شده، کدام است؟
- ♦ آیا می‌توان برخی سرمشق‌ها را با ترکیب دیگری نیز نوشت؟ یک مورد را بنویسید.





خط ثلث / اثر محمد حسن بیوکی (رضوان) / حرم مطهر رضوی



درس سوم معرفی خط ثلث و مشق سطر نویسی

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

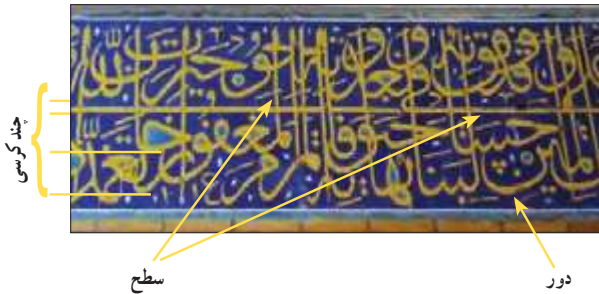
- ♦ خط ثلث را بشناسید و در خوشنویسی حروف و کلمات ارائه شده در این درس، مهارت نسبی پیدا کنید.
- ♦ به میراث فرهنگی - هنری خود احترام بگذارید و از آن نگهداری کنید.

فکر کنید:

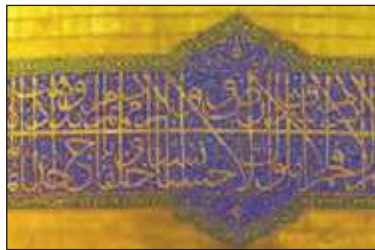
به نمونه خوشنویسی روبه‌رو توجه کنید. چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی بین این خط و خط نسخ مشاهده می‌کنید؟



خط ثلث: این خط به خط نسخ شباهت زیادی دارد؛ با این تفاوت که در آن، کلمات ارتفاع و پیچ و تاب بیشتری دارند و ممکن است با چند کرسی نوشته شوند. در تعریف خط ثلث گفته‌اند دو دانگ دور و چهار دانگ سطح دارد؛ یعنی دو بخش آن دور و چهار بخش آن سطح است. بیشترین کاربرد این خط در خلق تابلوهای هنری، کتیبه‌نگاری آیات و احادیث و تزئین در معماری است.



ابن مقبله با نبوغ سرشار خود علاوه بر خط نسخ، پنج خط دیگر به نام‌های ثلث، مُحَقَّق، رِیْحَان، رِفَاع و توقیع را هم به‌وجود آورد و به پدیدآورنده خطوط شش‌گانه شهرت یافت.



استفاده از خط ثلث در کتیبه‌نویسی بناها.

۱- به خطوط شش‌گانه «اقلام سبته» نیز می‌گویند.

خوشنویسی کنید:

با دقت در سرمشق‌های زیر در هر جلسه یکی از آنها را مشق کنید.

راستی آور که شوی رستگار

راستی آور که شوی رستگار

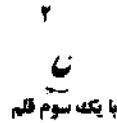
راستی آور که شوی رستگار

زندگی میگوید اما باز باید زیست

زندگی میگوید اما باز باید زیست

زندگی میگوید اما باز باید زیست

پدریت بدخواه نرسد خویش



شهادت بهتر مردان خداست



خودارزیابی:

- ♦ فرق خط نسخ و خط ثلث چیست؟ یک مورد را بیان کنید.
- ♦ شیب سرکج در خط نستعلیق چند نقطه است؟



الْعَلَى الْعَظِيمِ تَكَادُ السَّمَوَاتُ

يَنْفَطِرُ زَمَنًا مَفُوقَهُنَّ وَالْمَلَائِكَةُ

يَسْجُدُونَ لِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ

لِمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ

الرَّحْمَةُ وَالذِّنْرُ أَخَذُوا مِنْهُ





درس چهارم

معرفی خط محقق و مشق سطر نویسی نستعلیق

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ◆ خط محقق را بشناسید.
- ◆ در خوشنویسی حروف و کلمات ساده و مرکب، مهارت نسبی پیدا کنید.
- ◆ به میراث فرهنگی – هنری خود احترام بگذارید و از آن نگهداری کنید.

فکر کنید:

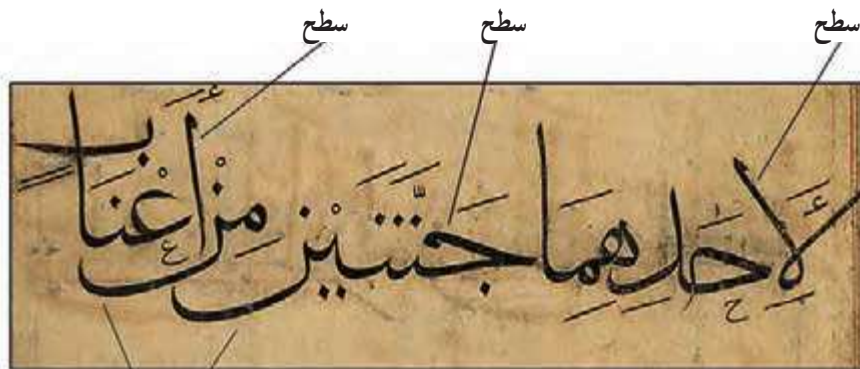
به تصویر روبه‌رو توجه کنید. آیا خط مورد استفاده برای خوشنویسی این قطعه با انواع خط‌هایی که تاکنون با آنها آشنا شده‌اید، شباهت دارد؟



خط محقق

یکی دیگر از خطوط شش‌گانه، خط محقق است.

محقق خطی است با اندام درشت و فاصله‌های منظم و ساده و یکدست. نگارش قرآن کریم، کتابت متون ارزشمند، خلق قطعات هنری و کتیبه‌های زیبا از کاربردهای خط محقق است. برای تعریف خط محقق باید گفت خطی است که یک دانگ و نیم دور و چهار دانگ سطح دارد.



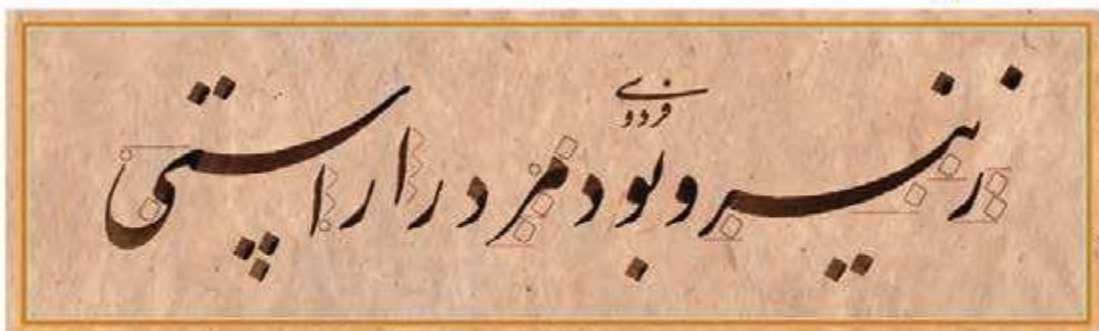
دور

خوشنویسی کنید:

از روی سرمشق‌های زیر مشق کنید.



زنیرو بود مرد در راستی



ز ۱ ۲ ۱۱



رهرو آنت که آهسته پیوسته رود



شکل دندانها ت فرق دارد

دندانها ها
با یک سوم قلم



باکریمان کارها دشوار نیست

باکریمان کارها دشوار نیست

ا ب ک م

چو استاد ای دست افتاده گیر

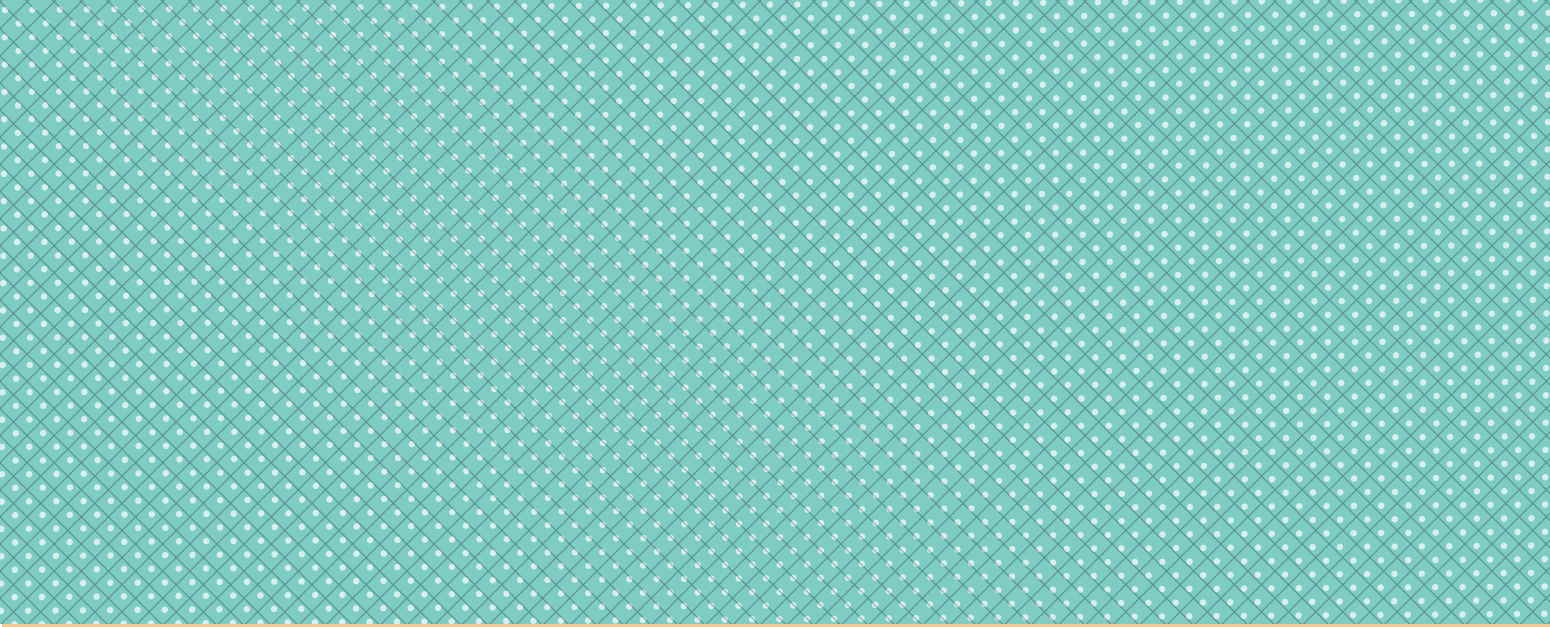
چو استاد ای دست افتاده گیر

چ ا س ت د

خود ارزیابی:

- ♦ خطوط شش گانه را نام ببرید و بگویید چه کسی آنها را به وجود آورده است.
- ♦ در سرمشق های این درس، دوایر کدام اند؟





بخش سوم



طراحی سنتی

فصل اول

گلیم بافی

فصل دوم

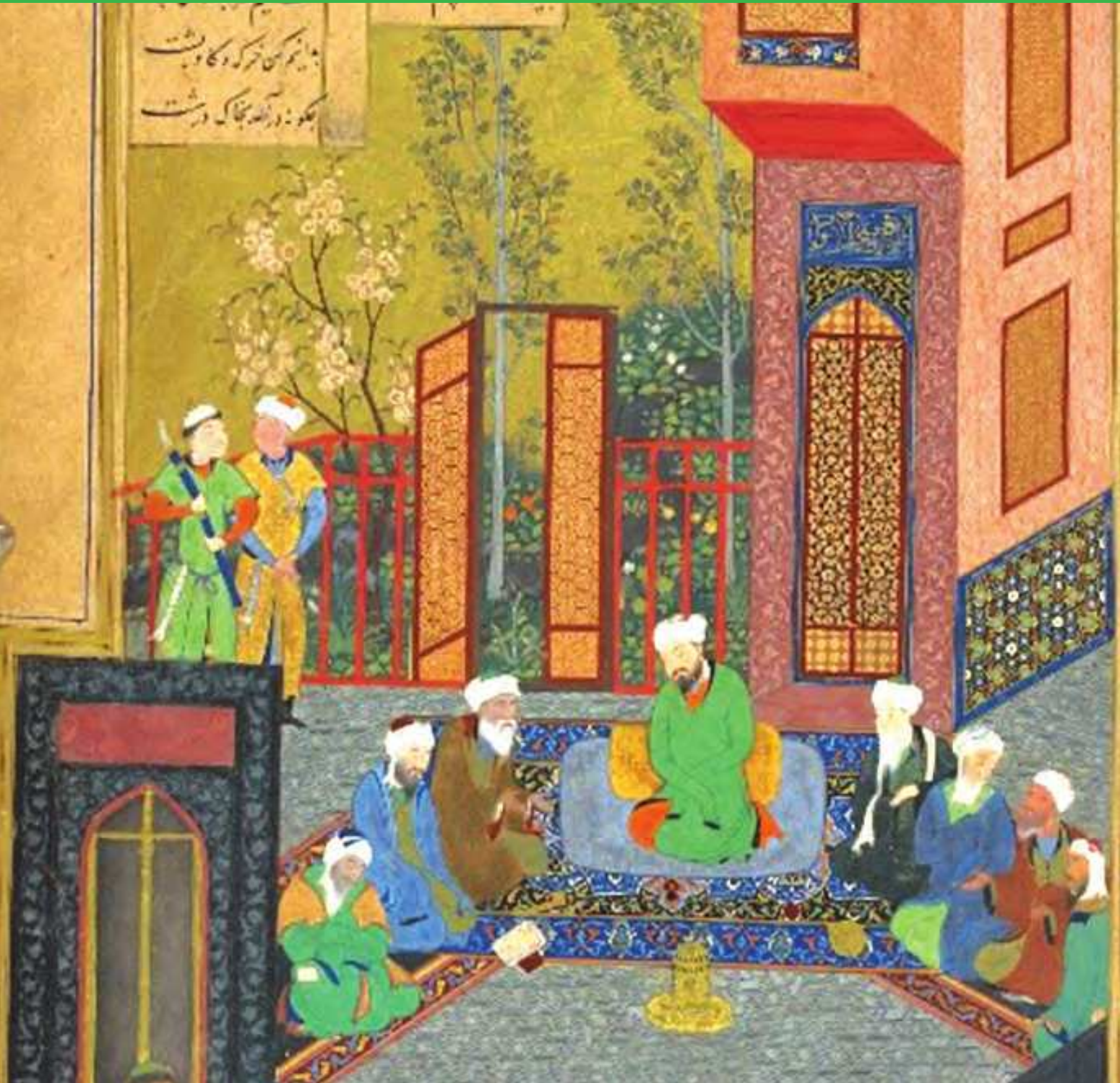
سفالگری

فصل سوم

هنرهای سنتی



فصل اوّل طراحی سنتی





درس اول طراحی سنتی

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ♦ با استفاده مناسب از حواس مختلف، قدرت مشاهده را در خود تقویت کنید.
- ♦ به زیبایی‌های طبیعت به عنوان بخشی از خلقت خداوند توجه کنید و از آنها لذت ببرید.
- ♦ مفهوم طراحی سنتی را درک کنید و طرح‌های هندسی و طرح‌های غیرهندسی را از یکدیگر تشخیص دهید.
- ♦ طرح ساده شده اشیا و پدیده‌های طبیعی را بکشید.
- ♦ نیازها، استعدادها و توانایی‌های خود را بشناسید و در مورد آفرینش‌های هنری خود و دوستانتان صحبت کنید.
- ♦ به میراث فرهنگی - هنری خود احترام بگذارید و از آنها نگهداری کنید.

فکر کنید:

به تصاویر زیر نگاه کنید. برای تزئین این آثار هنری از چه اشکال و نقش‌هایی استفاده شده است؟



بشقاب سفالی - شهر سوخته - موزه ایران باستان

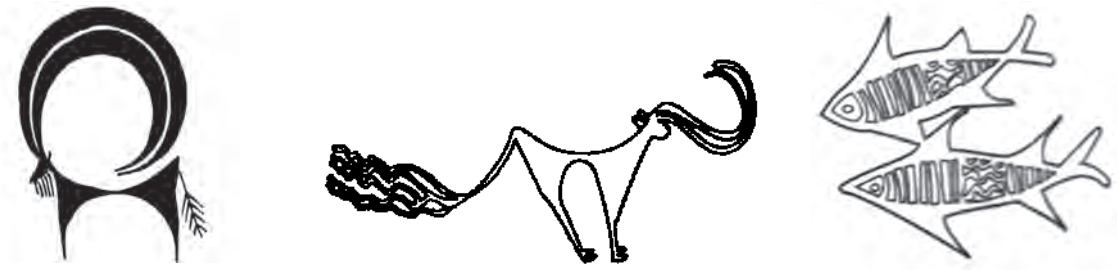


لیوان سفالی - هزاره چهارم قبل از میلاد - شوش



ظرف سفالی - گودین تپه - تمدن ماد

هنرمندان ایرانی با ساده کردن شکل پدیده‌های پیرامون خود (گل‌ها، درختان، پرندگان، حیوانات، خورشید و...) طرح‌های زیبایی به وجود آورده و سپس آنها را بر روی آثار مختلف اجرا کرده‌اند. به مرور زمان، طراحان، بافندگان و سازندگان اشیا، طرح‌های بیشتر و متنوع‌تری طراحی کرده‌اند که نسل به نسل مورد استفاده قرار گرفته و اکنون به دست ما رسیده است.



بیشتر نقوشی که در آثار هنری پیش از اسلام می بینیم پدیده های طبیعی هستند که بسیار ساده طراحی شده اند.



▲ ظرف سفالین - تپه گیان نهاوند.



▲ گاو کوهاندار تمدن املش - گیلان.



▲ ظروف سفالی - متعلق به شهر سوخته.

طراحی کنید:

از پدیده های طبیعی و اشیای محیط اطراف خود طرح های ساده بکشید. طرح های خود را با نمونه های طبیعی آنها مقایسه و شباهت ها و تفاوت هایشان را بیان کنید.



بسیاری از این نقش ها پس از اسلام و بر اساس اعتقادات هنرمندان مسلمان تغییر شکل یافته و با تنوع بیشتر و ترکیب با نقوش دیگر مانند نقوش هندسی، اسلیمی، خطایی و... تنوع و گوناگونی بیشتری یافته است.



▲ بشقاب سفالی - نیشابور - قرن چهارم ه.ق.



▲ بشقاب سفالی - شمال ایران.



▲ بشقاب سفالی - دوران اسلامی - سلجوقیان.

مجموعه رشته‌های هنری که این طرح‌ها و نقش‌ها در آنها مورد استفاده قرار می‌گیرند هنرهای سنتی نامیده می‌شوند که شامل بخش عظیمی از رشته‌های هنری ایران است. به طور کلی نقوش سنتی ایران به دو بخش نقوش هندسی و غیرهندسی یا گردان تقسیم می‌شوند. در این هنرها، طرح‌ها و نقش‌های ذهنی مشابه تکرار و با مواد مختلف اجرا می‌شوند.



گلیم فارس با نقش هندسی.



قالی با طرح گردان.

خودارزیابی:

♦ بخشی از طرح‌ها و نقش‌های سنتی قالی، کاشی و دیگر آثار هنری ایران که در محیط زندگیتان می‌بینید طراحی کنید.





درس دوم آشنایی با نقش‌های هندسی

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ◆ در محیط زندگی خود و طبیعت اشکال هندسی و غیرهندسی را بازشناسی کنید.
- ◆ مفهوم نقش هندسی را درک کنید و با ترکیب اشکال مختلف هندسی، طرح‌های ساده از پدیده‌ها به وجود آورید.
- ◆ نقش‌های هندسی را در آثار هنری ایران تشخیص دهید.
- ◆ مهارت استفاده از شکل‌های هندسی را برای طراحی نقش‌های هندسی داشته باشید.
- ◆ نیازها، استعدادها و توانایی‌های خود را بشناسید.
- ◆ به میراث فرهنگی – هنری خود احترام بگذارید و از آنها نگهداری کنید.

فکر کنید:

میان شکل‌های هندسی و غیر هندسی در تصاویر زیر چه تفاوتی وجود دارد؟ برای هر کدام نمونه‌هایی بیان کنید. یکی از راه‌های شناخت نقوش در هنرهای سنتی دسته‌بندی آنهاست. برخی نقوش را با توجه به موضوع آنها به نقش‌های گیاهی، جانوری، انسانی و اشیاء طبقه‌بندی کرده و گروهی نیز بر اساس نوع ترسیم و شیوه رسم آنها را به نقوش هندسی و گردان طبقه‌بندی می‌کنند.



طراحی کنید:

ابتدا یک کاغذ شطرنجی آماده کنید.

سپس سعی کنید با اشکال مختلف هندسی و خطوط،

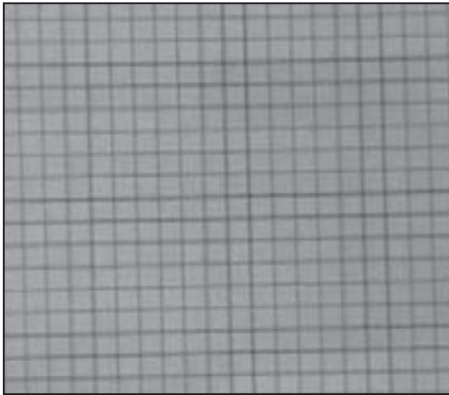
طرح‌ها و شکل‌های متنوعی به وجود آورید.

آیا می‌توانید این نقش‌ها را در اندازه‌های کوچک‌تر و

بزرگ‌تر بکشید؟

نقش‌هایی که کشیده‌اید را با نقش‌های دوستانتان مقایسه

کنید.



تصاویر نقش‌های هندسی که توسط برخی هم‌کلاسی‌های شما ایجاد شده است.

به شکل های هندسی در آثار هنری ایران دقت کنید. در تصاویر زیر شکل ساده شده چه چیزهایی را می بینید؟



قالی فارس.



گلیم ورنی اردبیل.

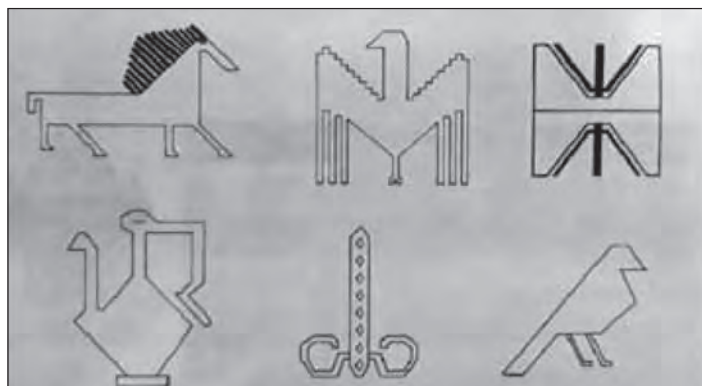


قالیچه قشقایی.



گلیم کرمان.

حال به نقش های زیر دقت کنید؛ هریک از آنها از ترکیب کدام شکل های هندسی به وجود آمده اند؟ نقوش هندسی ساده از ترکیب خطوط ساده عمودی، افقی، مایل یا اشکال هندسی مانند مربع، مثلث و... به وجود می آیند.



خود ارزیابی:

♦ با استفاده از شکل های هندسی، پدیده های مختلف مثل گل، پرند، گلدان و قوری را به صورت نقش های هندسی طراحی کنید.



درس سوم طراحی گره

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود :

- ◆ با استفاده مناسب از حواس مختلف، قدرت مشاهده را در خود تقویت کنید.
- ◆ مفهوم گره را درک کنید و با استفاده از شکل‌های هندسی، گره‌ها را طراحی کنید.
- ◆ گره‌ها را در آثار هنری ایران تشخیص دهید.
- ◆ مفهوم واگیره را درک کنید و واگیره‌ها را در آثار هنری ایران بازشناسی کنید.
- ◆ تفاوت بین گره‌ها و واگیره‌ها را تشخیص دهید.
- ◆ به میراث فرهنگی – هنری خود علاقه داشته باشید و به آنها احترام بگذارید.

فکر کنید:

به تصویر کاشی کاری مسجد کبود تبریز نگاه کنید؛ چه شکل‌هایی در آن می‌بینید. آیا فقط یک شکل می‌بینید یا ترکیبی از شکل‌ها و نقش‌های مختلف؟



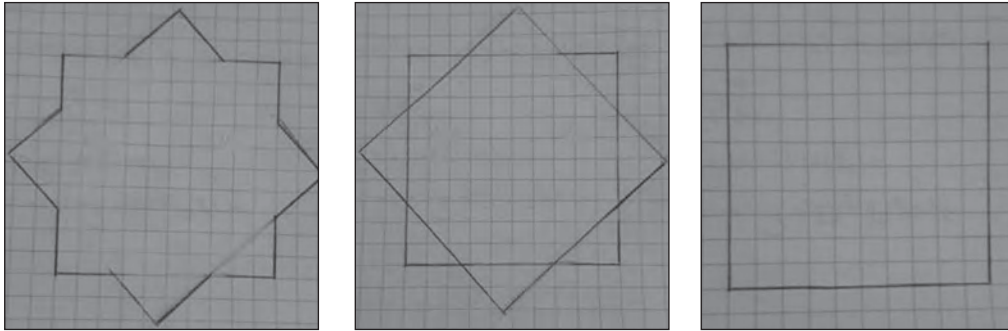
کاشی کاری مسجد کبود تبریز.

به این کاشی دقت کنید؛ چه شکلی دارد؟ آیا نظم هندسی خاصی در آن می‌بینید؟ آیا راه ساده‌ای برای کشیدن آن وجود دارد؟



طراحی کنید:

روی یک کاغذ شطرنجی مربعی بکشید.
سپس مربع دیگری به همان اندازه اما به شکل یک لوزی روی آن بکشید.
خطوط میانی را به نحوی پاک کنید که یک ستاره هشت پر مانند این تصویر دیده شود.



آیا می‌توانید راه‌های دیگری برای کشیدن این ستاره هشت پر پیدا کنید؟



کاشی کاری مسجد جامع یزد.

در تصاویر زیر به تکرار منظم ستاره‌های هشت پر بر روی سطوح مختلف دقت کنید؛ با کنار هم قرار گرفتن نقش این ستاره‌ها، شکل جدیدی به وجود آمده است. به این ترکیب منظم هندسی «گره» می‌گویند.

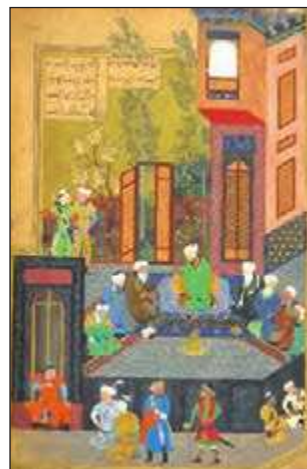


نقوش هندسی موجود در هنرهای سنتی به دو دسته نقوش هندسی ساده و گره‌ها تفکیک می‌شوند. هنرمندان با استفاده از هندسه انواع گره‌ها را طراحی و اجرا می‌کنند. در رشته‌های مختلف هنری نیز این نقش‌ها برای تزئین آثار هنری گوناگون استفاده می‌شود. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های طراحی گره، تکرار منظم نقش‌هاست. گاه این نقش‌های تکراری تمام سطح اثر هنری را می‌پوشانند. به گره یا نقش اصلی که در یک طرح تکرار می‌شود «واگیره» می‌گویند. واگیره قسمتی از طرح است که نقش اصلی با تکرار آن به وجود می‌آید. برخی از این نقش‌ها را به راحتی می‌توان روی کاغذ شطرنجی کشید. به تکرار نقش شش ضلعی در این طرح و اثر هنری دقت کنید.



در تصاویر زیر برخی از نقش‌های هندسی ساده و گره‌ها را می‌بینید.

▲ کاشی کاری مسجد جامع یزد.



▲ کاربردهای مختلف گره و نقوش هندسی در هنرهای سنتی ایران.

خودارزیابی:

♦ یک واگیره طراحی کنید.



فصل دوم گليم بافی





درس اول زیراندازها

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ♦ با استفاده مناسب از حواس مختلف، قدرت مشاهده را در خود تقویت کنید.
- ♦ کاربردهای مختلف زیرانداز را بیان کنید و قدیمی‌ترین زیرانداز ساخته دست بشر را بشناسید.
- ♦ زیراندازهایی را که در محل زندگیتان تولید می‌شوند، بشناسید و به تاریخ و میراث فرهنگی – هنری خود احترام بگذارید و در حفظ آن بکوشید.
- ♦ ویژگی‌های گلیم را بیان کنید و تار و پود را در زیراندازها تشخیص دهید.

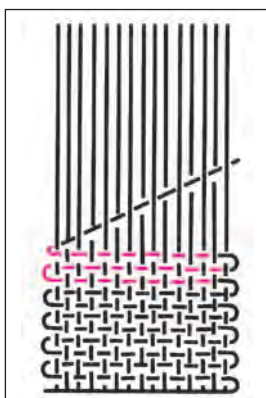
فکر کنید:

به نظر شما اولین زیراندازها به چه شکل بوده‌اند؟ آیا می‌دانید بین فرش و قالی چه تفاوتی هست؟ انسان از زمان‌های کهن از برگ درختان برای پوشش، محافظت بدن و نیز به عنوان زیرانداز استفاده می‌کرده است. از خصوصیات زیراندازها، پوشش کف، زیبایی، جلوگیری از سرما و ایجاد بستری نرم و مناسب است. حصیر از قدیمی‌ترین زیراندازهای بشر است که از ساقه‌های نی و به کمک دست و ابزارهای ساده دستی بافته می‌شود.



آیا زیراندازهای مخصوص محل زندگی خود را می‌شناسید؟ از این زیراندازها عکس بگیرید و درباره آنها با یکدیگر صحبت کنید.

حصیر، گلیم، جاجیم، نمد و قالی انواع زیراندازهایی هستند که ما برای پوشاندن کف محل زندگی خود از آنها استفاده می‌کنیم. اولین نمونه‌های زیرانداز، بافتی ساده داشتند؛ به تدریج، شیوه بافت پیشرفت کرد و انسان با استفاده از تار و پود در بافت و تغییر رنگ پودها، اولین نقش‌های ساده را بافت. گلیم بافی یکی از شیوه‌های ساده بافت است.



کاربرد شیوه پودگذاری در گلیم بافی.

آیا می‌دانید که یکی از قدیمی‌ترین دست بافته‌های جهان متعلق به کدام سرزمین است و در کجا نگهداری می‌شود؟



نمونه بافته شده از روی فرش کهن پازیریک.

از قدیمی‌ترین دست بافته‌های جهان، یک قطعه قالی و نمد ایرانی مربوط به دوره هخامنشی است که در منطقه‌ای به نام پازیریک در روسیه در یک مقبره یخ زده کشف شده است. این زیراندازها - که به قالی و نمد پازیریک معروف اند - اکنون در موزه ارمیتاژ روسیه نگهداری می‌شوند.

تجربه کنید:

با دقت در نمونه های گلیم در تصاویر زیر، نقش ها و رنگ ها را باهم مقایسه کنید.



گلیم آذربایجان.



گلیم لری.



گلیم کردستان (سنندج).

خودارزیابی:

♦ در تصاویری که در بالا می بینید، نقش گلیم ها چه ویژگی هایی دارند؟





درس دوم ابزار، وسایل و مواد گلیم بافی

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود :

- ◆ اصطلاحات مورد استفاده در گلیم بافی (دار، چله پیچی، تار، پود، نخ چله) را بشناسید.
- ◆ انواع دار و نخ چله را بشناسید.
- ◆ دار را برای گلیم بافی آماده کنید (چله پیچی) و گلیم ببافید.
- ◆ در مورد کارهای هنری خود و دوستانتان صحبت کنید.
- ◆ نیازها، استعدادها و توانایی‌های خود را بشناسید و از محیط پیرامون خود درک درستی به دست آورید.
- ◆ به تاریخ و میراث فرهنگی – هنری خود علاقه پیدا کنید و به آنها احترام بگذارید.



فکر کنید:
 آیا تا به حال روش گلیم بافی را از نزدیک دیده‌اید؟ آیا در شهر شما هنر گلیم بافی وجود دارد؟
 به یک قاب عکس چوبی نگاه کنید؛ آن را با وسیله‌ای مقایسه کنید که در تصویر روبه‌رو می‌بینید. چه شباهت‌هایی دارند؟
 به این وسیله، دار می‌گویند. از دار در گلیم بافی و قالی بافی استفاده می‌شود.

چگونگی چله کشی گلیم.

گلیم ساده ببافید: می‌توانید از یک قاب عکس یا چارچوبی که خود می‌سازید به جای دار استفاده کنید. نخ کاموا را بردارید و به صورت عمودی دور قاب ببندید. به این نخ‌ها، نخ تار و به این کار چله پیچی می‌گویند. می‌توانید از کاموایی به رنگ دیگر برای نخ پود استفاده کنید. پود را یک بار از زیر و بار دیگر از روی تار رد کنید. در ابتدای رج

اول، پس از بافتن چندتار در جهت عکس، پود را برگردانید تا سرنخ محکم شود و دوباره در جهت اول ببافید. پس از بافتن چند رج به کمک شانیه، نخ‌ها را به هم بکوبید. بافتن را ادامه دهید تا به اندازه دلخواه برسد. به این ترتیب، شما با اولین و ساده‌ترین نوع بافت آشنا شده‌اید.

آیا می‌دانید مهم‌ترین ابزار بافت گلیم چیست؟

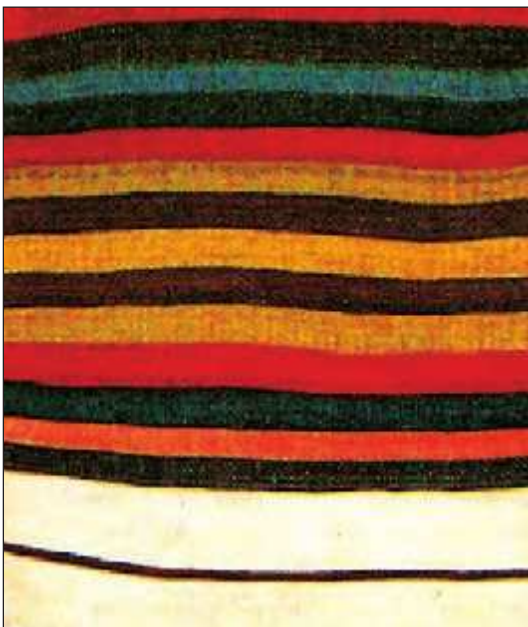
دار، اصلی‌ترین ابزار کار گلیم بافی است که به دو نوع افقی و عمودی مورد استفاده قرار می‌گیرد. دار افقی چارچوبی است که روی زمین قرار می‌گیرد و بافنده می‌تواند با پیشرفت کار، روی گلیم بافته شده بنشیند. دار عمودی چارچوبی است که به صورت ایستاده مقابل بافنده قرار می‌گیرد.



بافت گلیم روی دار افقی.



چگونگی بافت گلیم ساده روی دار.



به نخ‌های تار، که به صورت عمودی روی دار پیچیده می‌شوند، نخ چله نیز می‌گویند. در گلیم بافی سنتی از سه نوع نخ چله استفاده می‌شود: ابریشمی، پشمی و پنبه‌ای. معمولاً نخ پنبه‌ای با ضخامت‌های متفاوت برای تار یا چله به کار می‌رود ولی در بعضی روستاها از پشم برای نخ چله استفاده می‌شود. از آنجا که چله ابریشمی گران و کمیاب است، فقط برای بافتن فرش‌های خاص به کار می‌رود.

گلیم ساده راه‌راه.

خودارزیابی:

♦ با کاموهای رنگی در منزل، گلیم راه‌راه ببافید و در کلاس درباره آن صحبت کنید.





درس سوم بافت گلیم نقش دار

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ♦ برای گلیم خود طرحی مناسب بکشید و آن را در بافت گلیم اجرا کنید.
- ♦ مهارت بافت گلیم‌های طرح‌دار را به دست آورید.
- ♦ توانایی انجام دادن کار گروهی را پیدا کنید.
- ♦ به میراث فرهنگی - هنری خود احترام بگذارید و از آنها نگهداری کنید.

فکر کنید:

آیا می‌دانید نقش‌ها و طرح‌های مختلف گلیم را چگونه می‌بافند؟



گلیم شاهسون.



گلیم نقش دار بیافید: اغلب نقش های گلیم بر اساس طرح های مثلثی و لوزی به وجود می آیند. متناسب با رنگ های نقش گلیم، مقداری کاموای رنگی تهیه کنید. یک قاب کهنه را به جای دار گلیم، چله پیچی کنید و با راهنمایی معلم خود نقش گلیم زیر را بیافید.



قسمتی از گلیم شاهسون.



خودارزیابی:

♦ در تصویر روبه رو به نقش مرکزی لوزی ها دقت کنید. آیا می توانید یکی از این نقش ها را بیافید؟ از راهنمایی معلم خود استفاده کنید.



سفالگری فصل سوم



ظرف سفالی - گودین تپه - تمدن ماد



درس اول آشنایی با سفالگری

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود :

- ◆ به نمونه اشپای سفالی در میراث هنری ایران توجه کنید.
- ◆ اشپای گلی ساده بسازید.
- ◆ سفالگری را تعریف کنید.
- ◆ با الهام گرفتن از نمونه‌هایی که در طبیعت وجود دارد، ظروف گلی درست کنید.
- ◆ به تاریخ و میراث فرهنگی – هنری خود احترام بگذارید و در حفظ آنها بکوشید.

فکر کنید:

آیا می‌دانید نیاکان ما برای غذا خوردن از چه ظروفی استفاده می‌کرده‌اند؟ آنها این ظرف‌ها را با الهام از چه چیزهایی می‌ساخته‌اند؟
مشاهده حجم‌های مختلف در طبیعت مانند شکل برخی میوه‌ها و لانه و تخم برخی پرندگان، فکر ساختن ظرف‌های کروی و قرینه را در ذهن آنها تقویت کرد. ظروف گلی از قدیمی‌ترین نمونه‌های ساخته دست بشر است.
آیا تا به حال با گل چیزی ساخته‌اید؟ آیا متوجه شده‌اید که می‌توانید آن را به هر شکلی که بخواهید در آورید؟



تجربه کنید:

خمیر گل را در دست بگیرید و به آن شکل بدهید. با شکل دادن به خمیر گل رس می‌توانید انواع حجم‌ها مثل ظروف و سطوح تخت از جمله بشقاب و کاشی را بسازید. به این ویژگی خمیر، خاصیت شکل‌پذیری می‌گویند. شیئی را که ساخته‌اید، کاملاً خشک کنید؛ سپس درون آن آب بریزید یا آن را درون آب قرار دهید. حدس بزنید چه اتفاقی می‌افتد؟ آب جذب بدنه شیء گلی می‌شود و آن را خیس می‌کند. به سطح یک شیء گلی خوب نگاه کنید؛ می‌توانید این کار را با استفاده از دزه بین انجام دهید. در سطح سفال سوراخ‌های بسیار ریزی خواهید دید که آب از آنها عبور می‌کند. به همین دلیل، شیء گلی را حرارت می‌دهند و می‌پزند تا مقاوم شود.

باستان‌شناسان معتقدند که زنان موقع پخت غذا دریافتند که خاک اطراف اجاق بر اثر حرارت سخت می‌شود. بنابراین به فکر افتادند که سبدهایی را که با شاخ و برگ گیاهان می‌بافتند با خمیر گل بیوشانند و بگذارند این خمیر در کنار اجاق بپزد. با سوختن الیاف گیاهی، ظرف گلی پخته شده‌ای بر جا می‌ماند که بسیار مقاوم بود و برای نگهداری مواد غذایی از آن استفاده می‌شد. این تجربه را آغاز پیدایش سفالگری در ایران می‌دانند. به اشیایی که ماده اولیه آنها ترکیب خاک رس و آب است و در دمای مناسب پخته شده‌اند، سفال می‌گویند. همچنین به مجموعه فعالیت‌هایی که برای ساخت اشیایی مانند ظروف و کتیبه‌هایی با نقش‌های برجسته انجام می‌شود، سفالگری می‌گویند.



سفالگران برای اینکه دیواره ظرف، نازک و یکنواخت شود، آن را روی بشقابی قرار می‌دادند و با چرخاندن بشقاب همه قسمت‌های ظرف را یکدست می‌کردند. این بزرگ‌ترین حادثه در سفالگری بوده است. پژوهشگران، زنان را مخترع اولین چرخ سفالگری کند می‌دانند. اختراع چرخ سفالگری پیشرفته را نیز به ایرانیان نسبت می‌دهند. استفاده از چرخ سفالگری باعث شد که ظرف‌های مختلفی با شکل‌های متنوع ساخته شود.

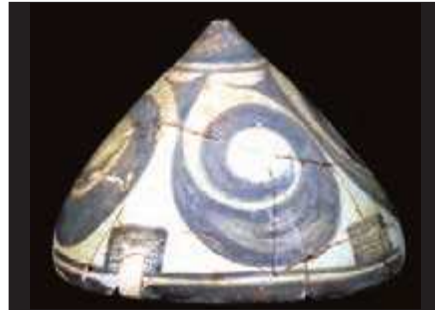
یکدست کردن شیء سفالی با چرخاندن بشقاب، روش ابتدایی پیش از اختراع چرخ سفالگری.



در تصاویر سفالینه‌های باستانی ایران می‌توانید تأثیرپذیری سفالگران را از طبیعت اطراف خویش ببینید.



▲ ظرف با لولهٔ منقاری؛ مارلیک (گیلان) - موزهٔ ایران باستان.



▲ کاسهٔ تخم مرغی؛ تل باکون (فارس)، موزهٔ ایران باستان.



▲ گاو کوهان‌دار سفالی، شهر سوخته (سیستان و بلوچستان).



▲ ظرف به شکل حیوان؛ خورون (قزوین)، موزهٔ ایران باستان.



▲ ظرف سفالی به شکل گاو، املش (شمال ایران).

خودارزیابی:

♦ با الهام گرفتن از پدیده‌های طبیعی، اشیای گلی گوناگونی بسازید. شیء گلی را داخل نایلون سوراخ‌دار دور از جریان هوا نگهداری کنید تا آرام آرام خشک شود و ترک بر ندارد.





درس دوم ساختن حجم‌های گلی با روش فشاری

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ♦ در آماده کردن گل برای کار مهارت پیدا کنید.
- ♦ در ساخت اشیای سفالی به روش فشاری مهارت به دست آورید.
- ♦ با استفاده مناسب از حواس مختلف، قدرت مشاهده خود را تقویت کنید.
- ♦ نیازها، استعدادها و توانایی‌های خود را بشناسید.

فکر کنید:

آیا می‌دانید گل مناسب برای کار سفالگری چه ویژگی‌هایی دارد؟
 درجه رطوبت گل به میزان آب آن بستگی دارد. برای اینکه بفهمید گل برای کار آماده است یا نه، تکه‌ای از آن را روی یک سطح نایلونی بغلتانید تا شبیه یک فنیله بلند و باریک شود؛ سپس گل را دور انگشت خود بپیچید. اگر خمیر ترک خورد، کمی آب به آن اضافه کنید و آن را ورز دهید تا برای کار آماده شود. اگر خمیر به دستتان چسبید، گل را روی کاغذ بگذارید تا کاغذ آب اضافه آن را جذب کند و بتوانید از آن استفاده کنید. قبل از شروع کار با گل، یک سطح نایلونی روی میز قرار دهید و یک ظرف آب کنار دست خود بگذارید.

تجربه کنید:

♦ گلوله گل را به شکل دلخواه در آورید. آیا می‌دانید برای ساختن یک حجم گلی چه روش‌هایی وجود دارد؟
 در سفالگری، روش‌های شکل دادن به گل با دست عبارت‌اند از: الف) روش فشاری یا انگشتی، ب) روش فنیله‌ای یا لوله‌ای و پ) روش ورقه‌ای یا تخت. ساده‌ترین روش شکل دادن به گل، روش فشاری (انگشتی) است.
 حجم گلی بسازید: آیا با فشار انگشتان خود می‌توانید گلوله گلی را به شکل دلخواه در آورید؟ اگر فشار دست خود را روی گل کم و زیاد کنید، چه تأثیری روی آن می‌گذارد؟
 روش فشاری: سفالگران در روش انگشتی، ابتدا گلوله گلی را در کف دست خود ورز می‌دهند و آماده می‌کنند؛ سپس انگشت شست خود را وسط گلوله گلی می‌گذارند و فشار می‌دهند تا حفره‌ای ایجاد شود. حفره ایجاد شده را آرام آرام بزرگ‌تر می‌کنند تا دیواره حجم گلی شکل بگیرد. با فشار دادن انگشتان دست به دیواره گلی، آن را نازک و یکنواخت می‌کنند و ظرف گلی را به شکل دلخواه در می‌آورند.

سفالگری کنید:

با استفاده از روش فشاری یک کاسه کوچک بسازید.



▲ شکل دادن لبه‌های کاسه.



▲ شکل دادن دیواره‌ها برای ساخت کاسه.



▲ ایجاد حفره در گلوله گلی.



▲ ساختن گلوله از خمیر گل.



▲ سفالینه دست ساز دوران نوسنگی.



▲ ظرف سفالی دسته دار، چشمه علی، ۵ هزار سال پیش از میلاد؛ موزه ایران باستان.

خودارزیابی:

♦ با استفاده از این روش یک قلمک کوچک به شکل دلخواه بسازید.





درس سوم ساختن حجم‌های سفالی باروش فتیله‌ای

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ♦ برای ساخت سفال مورد نظر خود از روش فتیله‌ای استفاده کنید.
- ♦ آثار سفالی را بشناسید و به تاریخ و میراث فرهنگی – هنری خود احترام بگذارید و در حفظ آنها بکوشید.
- ♦ با استفاده مناسب از حواس مختلف، قدرت مشاهده را در خود تقویت کنید.
- ♦ بتوانید در مورد آفرینش‌های هنری خود و دوستانتان صحبت کنید.

فکر کنید:

به نظر شما آیا می‌توان حجم‌های گلی بزرگ را به روش فشاری ساخت؟



تجربه کنید:

♦ ظرف گلی بزرگی به روش فشاری بسازید. از چه روش دیگری می‌توانید برای ساخت این ظرف استفاده کنید؟ سفالگران برای ساختن حجم‌های سفالی کوچک، که در دست جا می‌گیرد، اغلب از روش فشاری استفاده می‌کنند. آنها برای ساختن حجم‌های بزرگ با دست از روش‌های دیگری استفاده می‌کنند. یکی از این روش‌ها روش فتیله‌ای است.

حجم گلی بسازید: با یک فتیله گلی، ظرف بزرگی بسازید.

روش فتیله‌ای: سفالگران گلوله گلی را با کف دست مالش می‌دهند تا به شکل فتیله درآید و ضخامت قسمت‌های مختلف آن یکسان شود. سرفتیله را روی میز قرار می‌دهند و بقیه فتیله را به دور آن می‌چرخانند تا کف ظرف به شکل یک دایره توپر ساخته شود. دیواره ظرف روی این سطح دایره‌ای قرار می‌گیرد. برای ساختن دیواره، فتیله بلندتری آماده می‌کنند و سر آن را روی محیط دایره می‌گذارند. بقیه فتیله را نیز لایه به لایه روی محیط دایره قرار می‌دهند. در صورت نیاز از چند فتیله استفاده می‌شود تا ارتفاع دیواره به اندازه دلخواه برسد. برای اتصال فتیله‌ها به یکدیگر و به کف حجم، دو سطح گلی را خراش می‌دهند و آنها را با چسب گل آغشته می‌کنند و روی هم قرار می‌دهند. بعد از گذاشتن هر سه لایه، آنها را از درون و بیرون حجم به هم وصل می‌کنند. فاصله بین فتیله‌ها را با انگشت خیس یا کاردک صاف می‌کنند تا دیواره ظرف صاف و یکنواخت شود.



سفالگران برای ساختن حجم‌هایی که قطر آنها در ارتفاع‌های مختلف یکسان نیست (مانند قلم) از دایره‌های فتیله‌ای در اندازه‌های متفاوت استفاده می‌کنند. متناسب با شکل حجم و بزرگ و کوچک شدن قطر آن از دایره‌های فتیله‌ای بزرگ‌تر و کوچک‌تر استفاده می‌شود.



▲ بالا آوردن ارتفاع دیواره‌ها با اضافه کردن فتیله و هموار کردن آن.



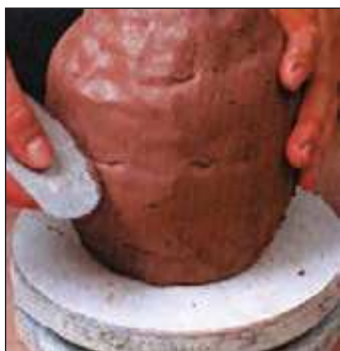
▲ ایجاد دیواره با استفاده از فتیله گلی و هموار کردن دیواره.



▲ ساخت فتیله از گل.



▲ پرداخت نهایی سطح خارجی ظرف سفالی.



▲ هموار کردن سطح خارجی ظرف سفالی.



▲ پرداخت کردن سطح داخلی ظرف سفالی.



▲ ظرف سفالی، چشمه علی، هزار سال پیش از میلاد.



▲ سفالینه دست‌ساز، دوران باستانی، محل نگهداری موزه مترو پولتین.

در ایران، استفاده از روش فتیله‌ای، سده‌های متوالی رایج بوده است. امروزه هم در بعضی مناطق، مانند کلیورگان سیستان و بلوچستان برای ساخت ظرف‌های سفالی از این روش استفاده می‌شود.

خودارزیابی:



◆ حجم دلخواه خود را با روش فتیله‌ای بسازید. در مورد تفاوت‌ها و شباهت‌های روش فشاری و فتیله‌ای گفت‌وگو کنید.

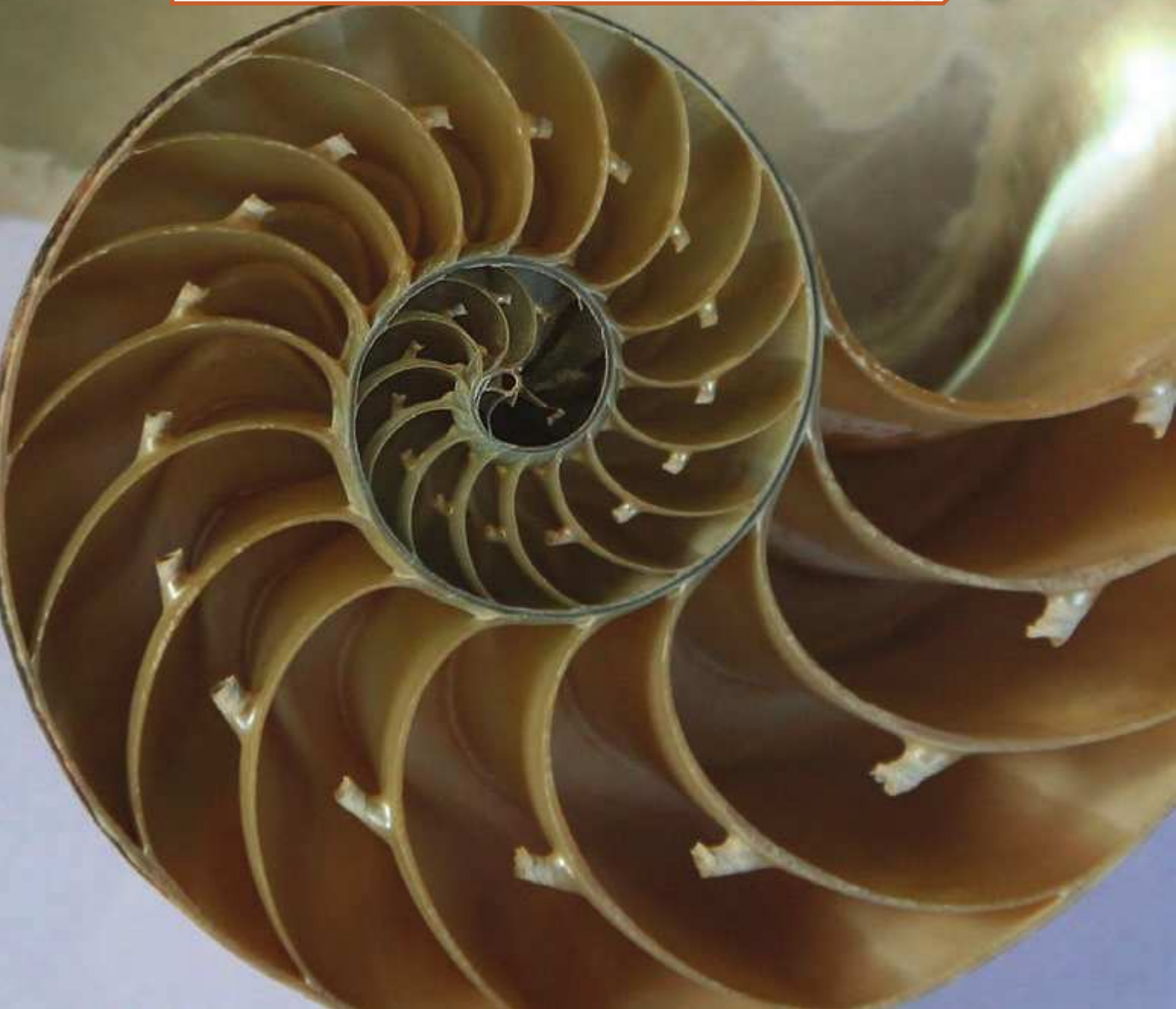


بخش چهارم



عناصر آوایی

هنرمندی
با آوازی





درس اول وزن (ریتم)

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

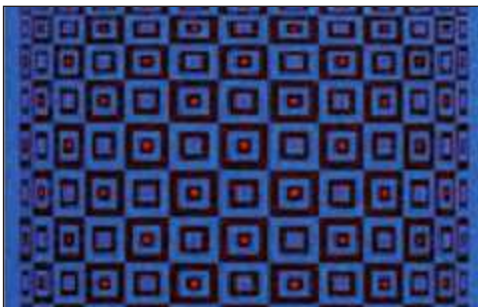
- ◆ مفهوم وزن (ریتم rhythm) را تعریف کنید.
- ◆ اصوات ضربی (ریتمی، موزون، ریتمیک rhythmic) را از اصوات غیرضربی (غیرریتمی، غیرریتمیک، ناموزون) بازشناسی کنید و هماهنگ با ضرب آهنگ آنها ضربه‌هایی بزنید.
- ◆ توانایی انجام دادن کار گروهی را به دست آورید.

فکر کنید:

به این تصاویر دقت کنید. چه چیزی توجه شما را جلب می‌کند؟



آیا در این عکس‌ها هم مثل تصاویر بالا، تکرار منظم می‌بینید؟



به نحوه فرارگیری این دو شکل کنارهم توجه کنید؛ این الگو را سه بار تکرار کنید.



در ادامه برای ایجاد جذابیت بیشتر، شکل‌ها را دو بار پشت هم تکرار کنید و بار سوم در رنگ یا شکل آنها تغییر ایجاد کنید. نتیجه را با نتایجی که هم کلاسی هایتان به دست آورده‌اند، مقایسه کنید. چه کسی در سومین تکرار، تغییرات بیشتری ایجاد کرده است؟ الگوی که بیشترین تغییر را داشته روی تخته بنویسید و با نمونه خود مقایسه کنید. هنگامی که شکل‌ها به صورت منظم در کنار هم تکرار می‌شوند، می‌گوییم وزن (مصوب فرهنگستان ریتم) بصری به وجود آمده است. حالا بیایید این کار را با اصوات انجام دهیم.

تجربه کنید:

♦ با دست خود به میز ضربه بزنید. این ضربه‌ها می‌توانند با هر شکل و فاصله‌ای نواخته شوند. آیا فکر می‌کنید شنیدن این ضربه‌ها جذابیت خاصی دارد؟
آیا می‌دانید چه عاملی در صوت و ضربه‌ها هست که شما را به دنبال کردن یک صدا برمی‌انگیزد؟
برای درک این مطلب، فعالیت زیر را با هم کلاسی هایتان انجام دهید.

مصراع «ای ساریان آهسته ران کارام جانم می‌رود...» را که از شعر زیبای سعدی گرفته شده است در کلاس با معلم خود چند بار تکرار کنید: ای ساریان، ای ساریان
حالا همراه با تکرار عبارت، ای ساریان - ای / سا / ر / بان - به ازای هر هجا یک ضربه آهسته روی میز بزنید و بعد از چند دور کلام را حذف کنید و به نظم موجود در ضربات دقت کنید. آیا الگوی خاصی را که در حال تکرار است می‌شنوید؟
مصروعی را انتخاب کرده و همان فعالیت بالا را انجام دهید. آیا می‌توانید در قسمتی دیگر از این شعر همین الگو را پیدا کنید؟

الگوهای ریتمیک

هجاهای کلمات، ضربه‌هایی ایجاد می‌کنند که تکرار آنها وزن (ریتم) را به وجود می‌آورد. الگوهای این چنین می‌توانند به شکل‌های بی‌شماری تغییر کنند و کنار هم چیده شوند؛ درست مانند شکل‌های هندسی که در صفحه قبل تجربه کردید. تکرار بی‌دری یک الگوی صوتی در زمان مشخص را وزن یا ریتم می‌نامند. درست همان‌طور که در عبارت ای ساربان مشاهده کردید.

وزن در واقع، جزء اولین عناصر آوایی است که انسان قادر به شناختن آن است. مراجعه به نقش‌های باقیمانده از دوران قدیم نیز این را تأیید می‌کند که انسان‌های اولیه هم از ابزار موسیقی برای ایجاد وزن استفاده می‌کرده‌اند.

ضرب

یکی از مسائل مهم در مورد وزن، سرعت و همچنین منظم یا نامنظم بودن آن در فاصله‌های زمانی است. نمونه بسیار بارز وزن آوایی را می‌توانید در مراسم نوحه‌خوانی و سینه‌زنی عاشورا ملاحظه کنید که در آن عزاداران با ضربه‌های منظم سینه‌زنی می‌کنند. سرعت ضربات سینه‌زنی با توجه به شدت و هیجان آن بیشتر و کمتر می‌شود.

به هر ضربه‌ای که مطابق با آوای کلامی موزون زده می‌شود و دارای نظم و ترتیب ثابتی است، ضرب می‌گویند. سینه‌زنان وقتی با دست به سینه خود می‌زنند، ضرب موسیقی را مشخص می‌کنند.

لازم است بدانید که در آواهای موزون، الگوهای وزن در فاصله هر ضرب تا ضرب دیگر نمود پیدا می‌کنند؛ برای مثال به عکس نرده‌ها دقت کنید. در این عکس هر کمان نرده به نرده‌هایی ضخیم‌تر تقسیم می‌شود؛ به این ترتیب، می‌توان نرده‌های ضخیم را معادل ضرب‌ها و نرده‌های کمانی را معادل الگوی موزون در نظر گرفت. در ادبیات قدیم ایران الگوهای مشخص و تعریف شده‌ای وجود داشت که به آن بحر شعری می‌گفتند که درباره شکل و نوع کاربرد آن در سال‌های بعد بیشتر خواهیم دانست.



خودارزیابی:

♦ به نمونه‌های صوتی که در کلاس ارائه می‌شوند، گوش دهید و مشخص کنید در کدام نمونه‌ها ضرب خاصی وجود دارد.

♦ کدام بخش از این نمونه، ضرب‌های تندتر و کدام ضرب‌های آهسته‌تری دارد؟



درس دوم نوا (ملودی)

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ◆ نوا یا ملودی را بشناسید.
- ◆ اصوات ملودیک را از غیرملودیک تشخیص دهید.
- ◆ صداهای بالا و پایین را از یکدیگر بازشناسی کنید.
- ◆ نمودار نواها یا ملودی‌هایی را که می‌شنوید رسم کنید.

فکر کنید:

به صداهای اطراف خود گوش کنید؛ چه صداهایی می‌شنوید؟



در جدول صفحه بعد نمونه‌ای از صداهایی را که ممکن است در محیط پیرامون خود بشنوید، می‌بینید. به صداهای اطراف خود دقت کنید؛ کدام یک از صداهای جدول صفحه بعد را می‌شنوید؟ در مقابل آن علامت بزنید.

	صدای ماشین
	صدای بچه‌ها در حیاط مدرسه
	صدای صحبت کردن هم کلاسی‌ها
	صدای معلّم



حالا در جدول زیر، صداهایی را که امروز شنیده‌اید، علامت بزنید.

	صدای اذان
	صدای تلاوت قرآن
	سرودی که از رادیو یا تلویزیون شنیده‌ام.
	صدای دیگری که شنیده‌ام و می‌توانم نوای آن را زمزمه کنم.



مؤذن زاده اردبیلی.

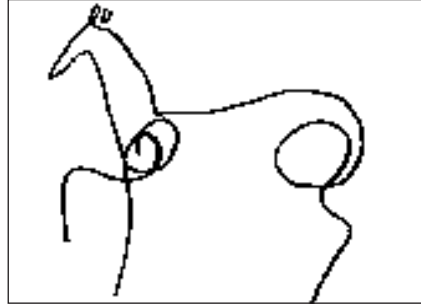
دسته بندی اصوات

با مقایسه صداهای دو جدول بالا، آیا می‌توانید دو نوع تقسیم بندی از انواع صداها را تشخیص دهید؟ کدام گروه را می‌توان صداهای موسیقایی دانست و کدام گروه را غیرموسیقایی؟ به صداهایی که زیر و بم مشخص دارند و قابل خواندن و زمزمه کردن هستند، اصوات موسیقایی می‌گویند. چند نمونه از این اصوات را نام ببرید. چه صداهای دیگری را می‌توانید به جدول‌های بالا اضافه کنید؟

ملودی

اگر این صداها طوری کنار هم چیده شوند که دارای شکلی قابل شناخت باشند و ما با شنیدنشان بتوانیم آنها را دنبال یا زمزمه کنیم، می‌گوییم که در حال شنیدن یک لحن یا ملودی هستیم؛ برای مثال، همه ما لحن سرود ملی کشور خود را می‌شناسیم و می‌توانیم آن را زمزمه کنیم یا بلند بخوانیم. این موضوع، درست مانند کشیدن خطوط در طراحی است. به محض دیدن این خطوط می‌توانید تشخیص دهید که تصویر چه چیزی را می‌بینید؛ بدون اینکه به رنگ آمیزی یا عوامل دیگر نیاز باشد.

به نظر شما آیا برای خواندن یک لحن، حتماً به شعر نیاز مندیم؟ چرا؟ فراموش نکنید همان‌گونه که نقاشی بدون رنگ هم می‌تواند زیبا و قابل تشخیص باشد برای خواندن یک لحن لزوماً به شعر نیاز نداریم. شاید بتوانیم زیباترین لحن‌ها را در آواهای نواحی بومی کشورمان بشنویم که هم به صورت باکلام



اثر پابلو پیکاسو که می‌توان آن را معادل یک خط لحن فرض کرد.

و هم بدون کلام در فرهنگ هر منطقه وجود دارد. یکی از این لحن‌ها لالایی‌هایی است که مادران در نواحی مختلف کشور برای فرزندان خود می‌خوانند و روی آنها اشعار گوناگونی خوانده می‌شود یا اذان مؤذن زاده اردبیلی که از جمله زیباترین لحن‌هایی است که در خاطره شنیداری ما جا گرفته است. چه نمونه‌های دیگری از نوا یا ملودی را می‌توانید به خاطر آورید؟

لحن‌ها گاهی نشاط‌آور و گاهی غم‌انگیزند. نمونه‌های جالبی از لحن‌ها در آواهای نواحی کشورمان وجود دارد که برای بازی‌ها، جشن‌ها، عزاداری‌ها و مراسم دیگر اجرا می‌شوند.

تجربه کنید:

- ◆ چند نمونه از ملودی‌هایی را که می‌شناسید در کلاس بخوانید و به موارد زیر در آنها دقت کنید:
- ۱- سرود ملی را بخوانید. در طول خواندن آن دقت کنید که بعضی صداها زیرتر و بعضی بم‌تر هستند، با کمک معلم خود زیرترین و بم‌ترین صدا در ملودی را تشخیص دهید.
- ۲- همراه با خواندن ملودی تلاش کنید که با دست زدن یا ضربات آهسته روی میز تشخیص دهید که سرعت ضرب‌های آن تند است یا کند.
- ۳- یک ملودی دیگر با پیشنهاد معلم خود بخوانید و توجه کنید که در کجاها ملودی یک مکث یا ایست می‌توانید تشخیص دهید.

عناصر کلیدی در ملودی‌ها

در سال‌های قبل با لیوان‌های آب که به نسبت پر یا خالی بودنشان می‌توانستند اصوات زیر و بم درست کنند، آشنا شده‌اید.

۱- زیرایی

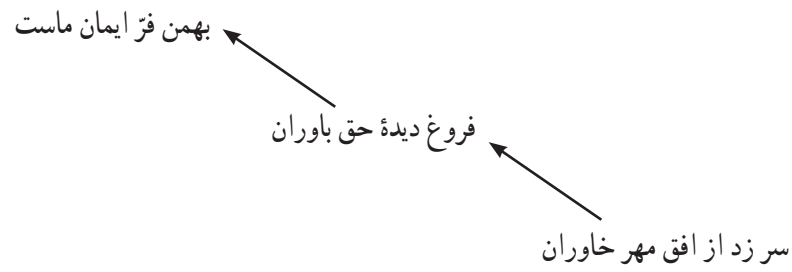
در هنرهای آوایی صداها بم را صدای پایین (صدای مردان) و صداها زیر را صداها بالا (صدای کودکان) می‌نامند. توجه به اینکه زیرایی صدا یا همان زیر و بمی آن به چه صورت طراحی می‌شود از مهم‌ترین عوامل در ایجاد احساسات مختلف در یک نوا یا ملودی است.

۲- ریتم

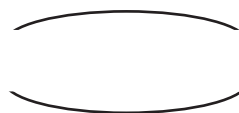
همان طور که گفتیم، لحن در واقع چیده شدن صداهای بالا و پایین با زمان‌ها و الگوهای موزون مشخصی است که قابل دنبال کردن و یا زمزمه کردن باشد. بنابراین چیدمان اصوات بدون در نظر گرفتن مسئله ریتم منجر به خلق یک ملودی نخواهد شد.

۳- سکوت

از عناصر کلیدی که در همه ملودی‌ها می‌توان یافت، عنصر سکوت است. معمولاً در میانه هر ملودی بخش‌هایی وجود دارد که در جریان زمزمه کردن و خواندن آن به یک مکث می‌رسد، گاهی مکث‌ها کوتاه و گاهی طولانی هستند. این مکث‌های کوتاه را در هنرهای آوایی تحت عنوان سکوت می‌شناسیم. به لحن سرود ملی «ایران» توجه کنید که چگونه در نمودار زیر کشیده می‌شود. هر سطر از سرود با یک خط ملودی می‌آید و هر عبارت با صدای بالاتر به دنبال دیگری روانه می‌شود.



لحن‌ها دارای جهت‌های متفاوتی هستند؛ برای مثال یک لحن ممکن است بالا رونده، پایین رونده یا کمانی باشد.



کمان لحن بالا رونده، پایین رونده

کمان لحن پایین رونده، بالا رونده

لحن بالا رونده

لحن پایین رونده

لحن ایستا

خودارزیابی:

♦ با توجه به نمونه شنیداری‌ای که معلم در اختیارتان قرار می‌دهد، مشخص کنید کدام صداها، صدای بالا و کدام یک صدای پایین است.





درس سوم رنگ صوتی

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ♦ رنگ‌های صوتی را تشخیص دهید و تفاوت میان آنها را بیان کنید.
- ♦ به کمک وسایل در دسترس، اصواتی با رنگ‌های مختلف تولید کنید.
- ♦ برای اصواتی که دارای رنگ‌های صوتی مختلف‌اند، صفت بیان کنید.

فکر کنید:



رنگ‌ها در زندگی به شما چه کمکی می‌کنند؟
 برای مثال، آیا می‌توانید به وسیله رنگ‌ها محیط اطراف خود را
 بهتر بشناسید؟
 در تصویر روبه‌رو از کدام رنگ‌ها بیشتر استفاده شده است؟
 با دیدن این رنگ‌ها، کدام فصل سال برای شما تداعی می‌شود؟

رنگ صوتی

ابتدا به صدای آدم‌هایی که در زندگی خود شنیده‌اید، فکر کنید. اگر با چشمان بسته به صدای کسی گوش کنید، کدام یک از موارد مطرح شده را می‌توانید تشخیص دهید؟ مرد یا زن بودن، کودک یا بزرگسال بودن، آشنا و ناآشنا بودن، سن دقیق کسی که صحبت می‌کند.

به نظر شما چه چیزی باعث می‌شود بتوانید همه موارد بالا یا بعضی از آنها را تشخیص دهید؟ عاملی را که به کمک آن می‌توانیم صدای افراد را تشخیص دهیم، رنگ صدا می‌نامیم. بعضی از افراد رنگ‌های صوتی شبیه به هم دارند و همین امر تشخیص صداهای آنها را از یکدیگر برای ما کمی دشوار می‌کند.

آیا کسانی را به یاد می‌آورید که دارای صداهایی شبیه به یکدیگر باشند؟ از بین این صداها، صدای چه کسانی برایتان دلنشین و دلچسب است؟ صداهایی که دوست دارید، چه شباهت‌هایی با هم دارند و صداهایی که دوست ندارید، چه شباهت‌هایی دارند؟

تفاوت این صداها در چیست؟

کیفیت رنگ صوتی

در آغاز درس از رنگ‌ها و احساسی که می‌توانند در ما ایجاد کنند، صحبت کردیم. این موضوع در مورد رنگ‌های صوتی نیز صادق است؛ برای مثال، صدای گوینده خاصی در رادیو دارای کیفیتی است که آن را دوست دارید و می‌توانید به مدت طولانی با لذت به آن گوش دهید. در واقع، می‌توانیم بگوئیم، این گوینده صدای به اصطلاح گرمی دارد. به عکس، صدای کسی می‌تواند تودماغی یا تیز باشد؛ به گونه‌ای که انسان تمایل زیادی به شنیدن آن برای مدت طولانی نداشته باشد.

این مثال در مورد آلات موسیقی نیز صادق است؛ برای نمونه، ترومپت دارای رنگی تیز و برنده است و با شنیدن صدای آن، احساس هیجان در افراد ایجاد می‌شود. بنابراین برای مواردی همچون جنگ و شکار مناسب است. در موسیقی تعزیه نیز، که جنبه حماسی دارد از شیپور استفاده می‌شود. در مقابل، صدای نی دارای رنگی حزن‌آلود و غم‌انگیز است.

روح‌الله خالقی از اولین هنرمندانی بود که از رنگ‌های جدیدتر در ساخت آثار ملی بهره جست. سرود ای ایران از ساخته‌های این هنرمند بزرگ است.



روح‌الله خالقی
موسیقی‌شناس و آهنگساز ایرانی
(تولد ۱۲۸۵، وفات ۱۳۴۴).

تجربه کنید:

◆ به نمونه‌هایی که معلم برایتان پخش می‌کند، گوش کنید. بنویسید رنگ هر یک از اصواتی که می‌شنوید چه احساسی را در شما ایجاد می‌کند. این کلمه‌ها شاید بتوانند به شما کمک کنند: خشن، آرام، مهربان، عصبانی، مضحک.



خودارزیابی:

◆ چرا در دسته موسیقی نظامی از شیپور و طبل استفاده می‌شود؟
◆ تفاوت رنگ صداهای مختلف در طبیعت مثل صداهای جنگل و دریا و صدای ابزارهای مختلف موسیقی را احساس کنید و در برابر هر صدا، رنگ خاصی را پیشنهاد کنید؟



درس چهارم شکل (فرم)

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ◆ تکرارها را در یک خط موسیقایی و تعداد هر تکرار را تشخیص دهید.
- ◆ هر بخش را نام‌گذاری کنید.

فکر کنید:



برای شناخت هر شیء به چه چیز یا چیزهایی نیاز داریم؟
به این عکس نگاه کنید؛ آیا می‌توانید یک تکه سنگ را،
که هیچ نشانه‌ای ندارد از میان صدها تکه سنگ دیگر جدا
کنید؛ بر چه اساس؟
با نگاه کردن به تصویر روبه‌رو، نشانه‌ها و تفاوت سنگ‌ها
را بیان کنید.



شکلی که در تصویر روبه‌رو می‌بینید، چه نشانه مهمی دارد؟ شما
این نشانه برجسته را چه می‌نامید؟
به نظر شما مهم‌ترین ویژگی آن به شکلش مربوط است یا رنگش؟

فرم یا شکل

باید بدانیم که مهم‌ترین نشانه در بازشناسی هر جسم، شکل یا صورت آن است. اگر چشم ما به راحتی می‌تواند اجسام را بازشناسد، تنها و تنها به کمک شکل آنهاست.
آیا تا به حال فکر کرده‌اید که چگونه به اصوات هم می‌توان شکل داد؟

چگونه می‌توان صوتی را که به محض تولید شدن از بین می‌رود، نگه داشت و در قالب یک شکل به شنونده ارائه کرد؟ برای اینکه بتوان به اصوات شکل داد، باید از یک ویژگی مهم مغز استفاده کرد و آن حافظه است. با استفاده از آنچه در فصول قبل آموخته‌اید به یاد می‌آورید چگونه اصوات شکل پیدا می‌کردند؟

تکرار و شکل

مغز ما می‌تواند الگوهای ضربی و لحنی را راحت به خاطر بسپارد. اینجاست که حافظه به کار می‌آید! شاید به همین دلیل برای ما شناختن یک لحن که الگوهای مشخص ضربی دارد، ساده‌تر است؛ چرا که با تکرار این الگوها مغز به راحتی آنها را به خاطر می‌سپارد و می‌شناسد؛ درست مانند عکس حلزونی صفحه قبل که در ترسیم آن از الگوهای بسیار مشخصی استفاده شده است. اما تنها داشتن الگوهای ضربی یا ملودیک برای بازشناسی و درک نوا کافی نیست. یک عامل مهم دیگر وجود دارد که به مغز ما کمک می‌کند تا به شکل اصوات پی ببریم. آن عامل مهم، تکرار است. در واقع، اگر ما الگویی داشته باشیم ولی تکرار نشود، خیلی سریع از ذهنمان پاک می‌شود اما به محض اینکه تکرار این الگو را می‌شنویم، آن را باز می‌شناسیم و از شنیدن دوباره آن لذت می‌بریم. بر همین اساس، آواها می‌توانند شکل‌های بسیار ساده و یا بسیار پیچیده داشته باشند. بیایید از ساده‌ترین شکل‌ها آغاز کنیم.

همه ما اثر زیبای محلی خراسانی، نوایی نوایی را می‌شناسیم.

در این نمونه، کدام یک دائماً تکرار می‌شود و کدام یک تغییر می‌کند؟ علامت بزنید.

ملودی متن یا شعر

ملاحظه می‌کنید که می‌توان با تکرار یک نوا آن را شناخت. اگر متن را از این آواز حذف، و ملودی آن را زمزمه کنیم، می‌توانیم بفهمیم که دائماً در حال تکرار یک خط ملودیک هستیم. همین امر باعث می‌شود که شنونده بتواند این نغمه محلی را با وجود تغییر دائم شعر بشناسد. همین کار را با ملودی نوایی انجام دهید و بدون اینکه متن آن را بخوانید، لحن آن را زمزمه کنید.

تجربه کنید:

◆ بیایید یک مورد جالب دیگر را هم در این لحن پیدا کنیم. وزن عبارت «نوایی نوایی» را به آرامی روی پای خود بزنید. نَ/ وَا/ بی/ نَ/ وَا/ بی/ در برابر هر بخش یک ضربه به میز یا پای خود بزنید. آیا الگویی را که تکرار می‌شود، می‌شنوید؟



نام‌گذاری در شکل یا فرم

حالا برای درک بیشتر موضوع به نمونه‌هایی از آثار گوش کنید و هر جا که تکرار یک ملودی می‌شنوید، آن را مشخص کنید. گاهی یک ملودی بیان می‌شود و پس از آن ملودی متفاوتی می‌آید و ملودی اول دوباره تکرار می‌شود. برای اینکه بتوانیم این شکل‌ها را بشناسیم، می‌توانیم هر ملودی را با یکی از حروف الفبا نام‌گذاری کنیم. به کمک این روش می‌توان شکل‌های موسیقی (فرم form) را نام‌گذاری کرد.





خودارزیابی:



♦ فرم قطعه نوایی نوایی را با توجه به دستورالعمل زیر نام گذاری کنید و کنار هر بند از شعر بنویسید.
در ملودی نوایی نوایی دو لحن تکرار شونده وجود دارد.

لحن ۱ یا A به همراه این بند خوانده می شود :

[نوایی نوایی، نوایی نوایی همه با وفایند تو گل بی وفایی] A

و لحن دوم یا B به همراه این بند خوانده می شود :

[غمت در نهانخانه دل نشیند بنازی که لیلی به محمل نشیند] B

حالا به این اثر گوش کنید و در کنار هر بند از شعر آن که در زیر آمده بنویسید که کدام لحن آمده است. A یا B

	ز بامی که برخاست مشکل نشیند	مرنجان دلم را که این مرغ وحشی
	جوانی بگذرد تو قدرش ندانی	نوایی نوایی نوایی نوایی
	بنازی که لیلی به محمل نشیند	غمت در نهانخانه ی دل نشیند
	مبادا غباری به محمل نشیند	به دنبال محمل سبک تو قدم زن

جاهای خالی را برای تکمیل شکل نهایی اثر پر کنید.

--	--	--	--



درس پنجم

بافت

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود:

- ◆ انواع بافت را بشناسید و بافت‌های پر و خالی را تشخیص دهید.
- ◆ مفهوم بافت را تعریف کنید و بافت‌های چند صدایی و تک‌صدایی را تشخیص دهید.

فکر کنید:



تصور کنید برق خانه تان رفته است و شما مجبورید در تاریکی، لباسی را برای رفتن به مدرسه انتخاب کنید. برای انتخاب لباس مورد نظر از کدام یک از حواس خود استفاده می‌کنید؟

به نظر می‌آید تنها حسی که می‌تواند به شما کمک کند، حس لامسه است؛ برای مثال، ممکن است در نظر داشته باشید لباسی ضخیم – مانند یک ژاکت – را بردارید. در این صورت، کافی است با لمس لباس‌هایتان آن را پیدا کنید. البته این کار همیشه ساده نیست.

آیا می‌دانید چه کیفیتی از لباس به شما کمک می‌کند تا آن را فقط با حس لامسه بشناسید؟ اگر کلمه بافت را برای پاسخ انتخاب کرده‌اید، باید گفت که درست فهمیده‌اید اما شاید بد نباشد، بافت تعریف شود تا بتوانیم مفهوم آن را دقیق‌تر درک کنیم.

تار و پود در هنرهای آوایی

همان‌طور که می‌دانید، پارچه از ردیف نخ‌هایی درست می‌شود که به صورت عمودی و افقی در هم تنیده شده‌اند. به ردیف نخ‌هایی که به صورت عمودی قرار گرفته‌اند، تار و به آنهایی که به صورت افقی هستند، پود گفته می‌شود. حالا بیا به بحث اصلی خودمان، یعنی هنرهای آوایی، بازگردیم. آیا می‌توانید برای صداهای موزون (آواها) هم بافت در نظر بگیرید؟ اگر قرار است آواها هم بافت داشته باشند، تار و پود آنها چیست و از چه جنسی است؟ باید گفت که در آواها هم بافت هست؛ هم تار و پود. البته جنس آنها از جنس صدا و زمان است.

تجربه کنید:

◆ با توجه به نمودارهای مطرح شده، نموداری رسم کرده و اصواتی را که در طول روز می‌شنوید روی نمودار ترسیم کنید.

مثلاً برای صدای ماشین‌ها چه خطی می‌توان ترسیم کرد؟ اگر ممتدند، یک خط ممتد بکشید. برای صدای پرنده چطور؟ اگر صدای پرنده‌ای که می‌شنوید مقطع است، خطوط مقطع و برای صدای هم‌کلاسی تان هر نوع خط دیگری که به نظرتان مناسب است، رسم کنید؛ مثلاً خطوط منحنی یا دایره‌ای!

حالا به نمودار خود نگاه کنید؛ آیا می‌توانید صداهای دیگری هم به آن اضافه کنید؟ اگر در دشتی آرام باشید برای آن در این نمودار چند نوع خط می‌توانید ترسیم کنید؟ اگر در شهری شلوغ باشید چطور؟ کدام نمودار، پرت‌تر و شلوغ‌تر است؟

بی‌شک نمودار شهر خطوط بیشتری خواهد داشت. به علاوه، اگر قرار باشد برای صداهای بلندتر خط‌های ضخیم‌تری بکشیم، احتمالاً نمودار صدای شهرهای شلوغ بسیار تیره و پراز خط خواهد بود.

بافت تک‌صدایی و چندصدایی

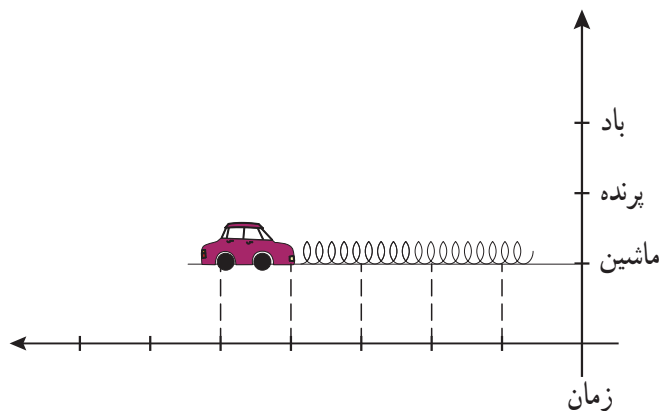
اگر به یک اثر آوایی، مانند سرود یا تواشیح، که تنها یک آواز دارد گوش کنیم، می‌توانیم تنها یک خط صوتی بشنویم و نمودار صدای ما یک خط نازک خواهد بود اما اگر همان آواز را چند نفر بخوانند، خط این نمودار ضخیم‌تر می‌شود؛ چون صدا بلندتر و پرت‌تر می‌شود؛ به این ترتیب، بافت ما همچنان تک‌صدایی خواهد بود. بعضی از آثار موسیقایی را چند نفر با هم اجرا می‌کنند؛ در حالی که هیچ کدامشان خط مشابه دیگری ندارند. درست مثل نموداری که کشیده‌اید و نشان دهنده چند صدای مختلف است که هم‌زمان شنیده می‌شوند ولی یکی نیستند. در این صورت، ما بافت تک‌خطی یا تک‌صدایی نداریم؛ زیرا خط‌ها با هم متفاوت‌اند و به همین دلیل بافت را چندصدایی می‌نامیم. در نمونه‌های شنیداری می‌توانید این مطلب را عملاً درک کنید.



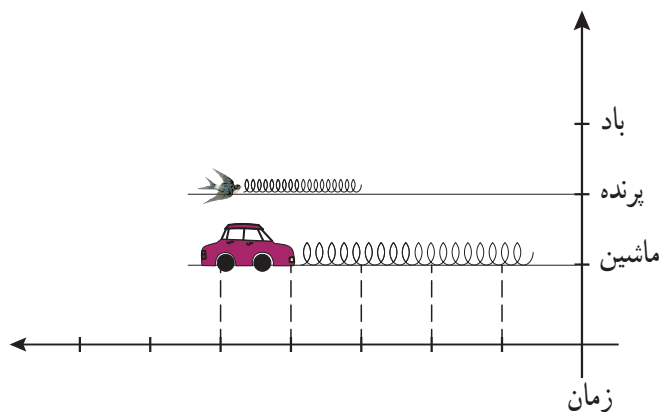
امروزه در کشور ما بسیاری از تواشیح‌خوانی‌ها به صورت چندصدایی اجرا می‌شوند؛ به این صورت که گروهی در حال خواندن یک صوت ثابت و بدون تحرک‌اند و گروه دیگر، آیات دیگری را تلاوت می‌کنند. از سوی دیگر، ممکن است در بعضی از سرودهای مدرسه‌ای چندین دانش‌آموز همخوانی کنند ولی همه درست مثل هم و یک لحن را بخوانند؛ در این صورت، آوا تک‌صدایی خواهد بود.

برای اینکه مفهوم بافت و تار و پود را در موسیقی درک کنیم کافی است به نمودارهای زیر توجه کنیم. تصور کنید هر ثانیه ما یک تار از بافت یک پارچه باشد. از منابع مختلف در ثانیه‌های مختلف صداهایی تولید می‌شوند که روی تارهای ما قرار می‌گیرند و نقش پود را در بافت ایفا می‌کنند.

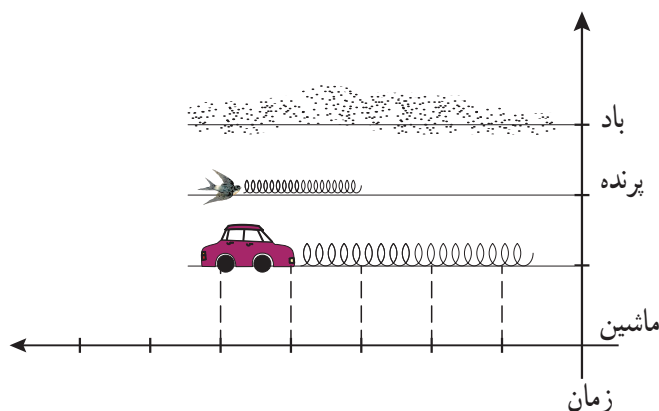
نمونه اول: صدای یک ماشین در ۵ ثانیه



در نمونه دوم هم‌زمان با شنیده شدن صدای ماشین ولی زمان کوتاه‌تر، صدای پرنده شنیده می‌شود.



و در طول تمام این مدت صدای باد جاری باشد. نمودار نخست بافت تک‌صدایی و دو نمودار دیگر بافت چند صدایی را نشان می‌دهند.



خودارزیابی:

♦ در نمونه‌های شنیداری که معلم در اختیارتان قرار می‌دهد، آیا می‌توانید نمونه‌هایی از بافت تک‌صدایی یا چندصدایی را به یاد آورید؟



بخش پنجم



شامهای هنرمندی



مقدمه

هنرهای نمایشی که از آن به عنوان مادر هنرهای هفت گانه (آوایی، تجسمی، معماری و...) نام برده می‌شود، از قدمتی بیش از دو هزار و پانصد سال برخوردار است. هنرهای نمایشی حدود ۲۵ قرن پیش در یونان و با آثار بزرگی مانند تراژدی‌های «سوگنامه» آغاز شد که نوشته اشیل، سوفوکل و اورپید بودند.

سابقه هنرهای نمایشی در کشور ما ایران به بیش از چهار قرن پیش یعنی دوران صفویه باز می‌گردد. نمایش‌هایی مانند شبیه‌خوانی (تعزیه)، نقالی و پرده‌خوانی، خیمه‌شب‌بازی و تخت‌حوض (سیاه‌بازی) همه نمایش‌هایی بدون نمایشنامه (در معنای امروزی آن) بودند که با استفاده از بداهه‌پردازی اجرا می‌شده است. لازم به ذکر است سابقه بعضی از انواع هنرهای نمایشی همچون تعزیه به پیش از اسلام باز می‌گردد که آیین‌های اجرایی در سوگ سیاوش با استفاده از «نسخه» انجام می‌شده است. «طومار» نیز مبنایی برای اجرای پرده‌خوانی و نقالی بوده است. اما نمایشنامه‌نویسی به معنای خاص آن از حدود یک صد و پنجاه سال پیش در ایران با آثار میرزا آقا تبریزی از معلمان دارالفنون و مترجمان دوره قاجار، آغاز شد. از آن زمان تاکنون نمایشنامه‌نویسان توانمند و مشهوری در کشور ما پایه عرصه وجود نهاده و به آفرینش آثار هنری پرداخته‌اند.

از آنجا که مهم‌ترین و نخستین بخش هنرهای نمایشی «نمایشنامه‌نویسی» است، لذا درس‌های نخستین را با این رکن به عنوان پایه و اساس هنرهای نمایشی آغاز می‌کنیم.





درس اوّل گفت و گو کنید

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود :

- ◆ مفهوم گفت و گو را درک کنید.
- ◆ مهم ترین عنصر نمایش را بشناسید.
- ◆ در مورد آفرینش های هنری صحبت کنید.
- ◆ توانایی انجام دادن کار گروهی را به دست آورید.

فکر کنید:

- به نظر شما گفت و گو چگونه به وجود می‌آید؟
- ما در موقعیت های مختلف با افراد گوناگون گفت و گو می کنیم :
- ◆ در کلاس درس، معلّم از شما سؤال می کند؛
- ◆ با اعضای خانواده خود درباره موضوعی صحبت می کنید؛
- ◆ به دنبال پیدا کردن مکانی هستید و از دیگران درباره آن می پرسید؛
- ◆ برای به دست آوردن اطلاعات درباره موضوعی از کسی سؤال می کنید؛
- اینها بخش هایی از گفت و گوهای روزمره اند که برای رسیدن به هدفی انجام می شوند.

تجربه کنید:

- ◆ موضوع چند گفت و گوی روزمره خود را به صورت خلاصه یادداشت کنید و با هم کلاسی هایتان درباره شباهت ها و تفاوت های آنها صحبت کنید.
- آیا می دانید یکی از مهم ترین عناصر نمایشنامه چیست؟
- با راهنمایی معلم خود تعدادی نمایشنامه را شناسایی و در کلاس در گروه های کوچک، آنها را مرور کنید.

گفت‌وگو یکی از عناصر و ابزارهای اصلی آفرینش در هنرهای نمایشی است. گفت‌وگو در نمایشنامه‌ها شباهت‌های زیادی به گفت‌وگوهای روزمره دارد اما از برخی جهات متفاوت است و همین تفاوت‌ها سبب می‌شود. گفت‌وگوی نمایشی یا گفت‌وگو (مصوب فرهنگستان دیالوگ dialogue)، ویژگی‌های خاصی داشته باشد. نمایشنامه‌نویسان از گفت‌وگوی میان شخصیت‌های نمایش برای انتقال پیام‌های تأثیرگذار به تماشاگران و مخاطبان استفاده می‌کنند.

تصور کنید:

◆ کلاس درس، صحنه نمایش است. شما می‌توانید در این صحنه، فضاهای گوناگون و متفاوتی را تصور کنید و در آن به گفت‌وگو بپردازید.

هر آنچه تصور می‌کنید، قابل نمایش است؛ یک بانک، یک پارک، یک اتاق اداری، یک اتاق از یک خانه و... فضایی که تصور می‌کنید می‌تواند بخشی از یک جنگل، عمق یک اقیانوس، روی کره ماه و... باشد. در این فضا حیوانات و اشیاء با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند.

در نمایش‌های کودک و نوجوان و نمایش‌های عروسکی، گاهی عروسک‌ها به‌جای آدم‌ها با یکدیگر گفت‌وگو می‌کنند.





درس دوم گفت‌وگوی نمایشی

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود :

- ◆ مفهوم گفت‌وگو در نمایش را درک کنید و تفاوت گفت‌وگوی در نمایش و گفت‌وگوی عادی را بیان کنید.
- ◆ یک گفت‌وگو در نمایش خلق کنید.
- ◆ درمورد آفرینش‌های هنری خود و دوستانتان صحبت کنید.
- ◆ از محیط پیرامون خود درک درستی به دست آورید.
- ◆ داستان‌ها و اشعار ایرانی را بشناسید.

فکر کنید:

- به نظر شما معمولاً گفت‌وگوها به چه دلایلی ادامه پیدا می‌کنند؟
در اغلب موارد، همدلی و همفکری سبب گفت‌وگوی افراد با یکدیگر می‌شود اما گاهی اختلاف نظر آنها بر سر نکته یا موضوعی، عامل آغاز و ادامه گفت‌وگوهاست :
- ◆ هنگامی که یک گفت‌وگو مسیری به غیر از تفاهم را دنبال کند و طرفین گفت‌وگو درباره موضوع یا مسئله‌ای با یکدیگر درگیری لفظی پیدا کنند، کشمکش آغاز می‌شود و ادامه می‌یابد.
 - ◆ در کلاس درس ضمن گفت‌وگو درباره یک موضوع، نظرهای مختلفی ارائه می‌شود؛
 - ◆ رفتار نامناسب یک فرد در محیط‌های عمومی باعث اعتراض دیگران می‌شود؛
 - ◆ در صف خرید، یک نفر قصد دارد خارج از نوبت خرید کند و فردی یا افرادی به او تذکر می‌دهند.
- بیشتر گفت‌وگوهای روزمره در نهایت به تفاهم ختم می‌شوند اما اغلب نمایشنامه‌نویسان تلاش می‌کنند با ایجاد اختلاف نظر و کشمکش میان شخصیت‌های آثار خود، وضعیت‌هایی جالب توجه و جذاب برای مخاطبان بیافرینند و در نهایت، حرف‌ها یا پیام‌های خود را به آنها منتقل کنند. در واقع، مهم این است که نمایشنامه‌نویس بتواند با ایجاد کشمکش بر سر یک موضوع، میان شخصیت‌های نمایش، تفاهم ایجاد کند.

گفت‌وگو در نمایش بنویسید: خاطره یا حادثه‌ای را که میان دو یا چند نفر موجب کشمکش شده است به صورت گفت‌وگو در نمایش بنویسید. سعی کنید در پایان، میان شخصیت‌های نمایش تفاهم ایجاد کنید. به یاد داشته باشید که در هر گفت‌وگو (دیالوگ)، یکی از دو طرف خواسته‌ای دارد یا اراده کرده است کاری را انجام دهد اما دیگری با او مخالفت می‌کند. دقت کنید که گفت‌وگوها در نمایش به زبان گفت‌وگوی عادی یا محاوره نزدیک‌اند. در واقع، شما گفت‌وگو را همان گونه می‌نویسید که می‌شنوید. نویسنده نمایشنامه با دقت در گفت‌وگوهای روزمره و آمیختن آنها با تخیل خود، موقعیت‌های تازه‌ای خلق می‌کند. در واقع، او از محیط پیرامون خود الهام می‌گیرد و اشخاص را در موقعیت‌های فرضی نمایشی قرار می‌دهد.

تجربه کنید:

◆ در اشعار شاعران بزرگ ایران زمین مانند فردوسی، حافظ و پروین اعتصامی، بخش‌هایی به شیوه گفت‌وگو نوشته شده‌اند. این شعرها را بخوانید و براساس آنها گفت‌وگوی نمایشی بنویسید. به اشعار کتاب‌های فارسی دقت کنید. بعضی از آنها ماجراها و قصه‌هایی را روایت می‌کنند که می‌توان آنها را به شکل گفت‌وگوی نمایشی درآورد.



عکاس: هیوا امینی.

خودارزیابی:

♦ ادامه گفت‌وگوهای زیر را بنویسید تا به یک پایان مشخص برسند.

اولی: برام تعریف کن!

دومی: الان نمیتونم!

و.....

اولی: کتابی رو که بهت دادم برگردون.

دومی: هنوز نخوندمش.

و.....

اولی: بلند شو بریم.

دومی: نمیتونم ... خسته‌م ...

و.....





درس سوم شخصیت و موقعیت در نمایش

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود :

- ◆ محیط پیرامون خود را به دقت مشاهده کنید.
- ◆ ویژگی‌های شخصیت‌های نمایشی را بشناسید.
- ◆ ویژگی‌های موقعیت نمایشی را بشناسید.
- ◆ تفاوت موقعیت نمایشی را با موقعیت واقعی بیان کنید.
- ◆ موقعیت‌های نمایشی متفاوتی خلق کنید.
- ◆ داستان‌های ایرانی را بشناسید.

فکر کنید:

به افراد پیرامون خود، که هر روز با آنها معاشرت دارید، دقت کنید. آنها معمولاً در مورد چه موضوعاتی صحبت می‌کنند؟

- ◆ رفتار و کردار آنها و عبارات و جملاتی را که بر زبان می‌آورند، خوب ببینید و بشنوید؛
- ◆ برخی افراد سلام و احوال‌پرسی گرم و صمیمی دارند و دیگران را به وجد می‌آورند؛
- ◆ برخی کم حوصله‌اند و حتی پاسخ دیگران را هم به راحتی نمی‌دهند؛
- ◆ برخی بسیار پر جنب و جوش و اجتماعی هستند؛
- ◆ برخی گوشه گیرند و تنهایی را بیشتر می‌پسندند؛
- ◆ برخی با عجله حرف می‌زنند و برخی از کلمات را کامل ادا نمی‌کنند؛

و ...

تجربه کنید:

◆ به طرز رفتار و حرف زدن هم کلاسی‌های خود دقت کنید. از آنها یادداشت بردارید و یادداشت‌هایتان را به معلم خود نشان دهید.

انسان‌ها با وجود شباهت‌های ظاهری و درونی‌شان، ویژگی‌ها و خلق‌وخوهایی دارند که باعث تفاوت آنها با یکدیگر می‌شود. در واقع، هر فرد شخصیت خاص خود را دارد. هر یک از افرادی که نمایشنامه‌نویس آنها را خلق می‌کند در واقع یک شخصیت نمایشی است. نمایشنامه‌نویس ابتدا برای هر یک از شخصیت‌ها خصوصیات و ویژگی‌هایی می‌سازد و سپس آنها را در یک موقعیت خاص قرار می‌دهد. به نظر شما موقعیت نمایشی با موقعیت غیر نمایشی چه تفاوتی دارد؟

وقتی افراد در وضعیتی قرار می‌گیرند که در آن امکان کشمکش وجود دارد در واقع یک موقعیت نمایشی به وجود آمده است. به موقعیت‌های گوناگونی که ممکن است به کشمکش بینجامد، فکر کنید؛

◆ پیرمردی که بار سنگینی در دست دارد در کوچه راه می‌رود. شما به همراه دوست خود در حال بازی هستید. دلتان می‌خواهد به پیرمرد کمک کنید اما دوستان حوصله ندارد و مخالف است؛

◆ برادر یا خواهر کوچک شما باید املاي خود را بنویسد. مادر از شما می‌خواهد که به او املا بگویید اما شما دوست دارید برنامه مورد علاقه‌تان را در تلویزیون ببینید؛

◆ مادرتان به شما گفته است که برایتان وسیله‌ای می‌خرد. روز موعود فرا رسیده است و شما اصرار دارید که مادر آن وسیله را بخرد اما او به دلیل کار زیاد خسته است و نمی‌تواند با شما از خانه بیرون بیاید.



موقعیت‌های نمایشی را جست‌وجو کنید: در گروه‌های دو یا سه نفره، موقعیت‌های گوناگونی را مرور کنید که در زندگی پیش می‌آید و امکان کشمکش در آنها وجود دارد. هر گفت‌وگو که آغاز می‌شود، حتماً به کشمکش می‌انجامد؛ این کشمکش به اوج می‌رسد و به اتفاق ختم می‌شود. موقعیت نمایشی با موانع به وجود می‌آید و شکل می‌گیرد. شکل‌گیری یک موقعیت نمایشی را می‌توانید در زیر ببینید.

آغاز ← کشمکش ← اوج ← اتفاق ← پایان

خودارزیابی:

◆ با توجه به نمودار بالا یک موقعیت نمایشی خلق کنید.





درس چهارم ماجراهای نمایشی

در پایان این درس از شما انتظار می‌رود :

- ◆ شباهت‌ها و تفاوت‌های داستان و نمایش را بیان کنید.
- ◆ مهارت خلق موقعیت‌های واقعی یا تخیلی را در نمایشنامه به دست آورید.
- ◆ مفهوم ماجرای نمایشی را درک و خلق و اجرا کنید.

فکر کنید:

آیا می‌دانید داستان و نمایشنامه چه تفاوتی دارند؛ به عبارتی، تفاوت میان کار نمایشنامه‌نویس و داستان‌نویس چیست؟

نمایشنامه‌نویسان مانند دیگر نویسندگان از جمله آنها که داستان، رمان یا شعر می‌نویسند از پدیده‌های اطراف خود الهام می‌گیرند و با تکیه بر تخیل خویش به آفرینش ماجرای دست می‌زنند؛ اما تفاوت اساسی آنها با دیگر نویسندگان این است که نوشته‌شان باید روی صحنه اجرا شود. بنابراین، باید علاوه بر توانایی آفرینش داستان به موقعیت نمایشی نیز توجهی ویژه کنند. نمایشنامه‌نویسان موقعیت‌های نمایشی خود را درون یک ماجرا یا داستان به وجود می‌آورند.

تجربه کنید:

به ماجراهایی که در زندگی خود و بستگانتان رخ داده است، فکر کنید و شنیدنی‌ترین ماجراها را با دوستانتان در میان بگذارید.

برخی از مهم‌ترین و جذاب‌ترین ماجراهای زندگی، آنهایی است که برای نخستین بار رخ داده‌اند. به یاد بیاورید : نخستین روزی را که به مدرسه رفته‌اید؛ نخستین بار که به سفر زیارتی رفته‌اید؛ نخستین بار که سوار دوچرخه شده‌اید؛ نخستین بار که سوار قطار یا هواپیما شده‌اید و ...

هر ماجرای آغاز و پایانی دارد. در بیشتر ماجراها اتفاق خوب یا بدی می‌افتد و نمایشنامه‌نویس تلاش می‌کند با انتخاب ماجراهایی پرحادثه، نمایشنامه خود را جذاب‌تر سازد و آن را برای اجرا تنظیم کند.

خودارزیابی:

♦ یکی از ماجراهای شنیدنی و جذاب زندگی خود را با ذکر جزئیات شرح دهید و به صورت نمایشنامه

بنویسید.



معلمان محترم، صاحب‌نظران، دانش‌آموزان عزیز و اولیای آنان می‌توانند نظر اصلاحی خود را درباره مطالب کتاب‌های درسی از طریق سامانه «نظرسنجی از محتوای کتاب درسی» به نشانی «nazar.roshd.ir» یا نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۴۸۷۴ - ۱۵۸۷۵ ارسال کنند.



سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

